

# سپاه پاسداران و جهاد سازندگی این دو نهاد اصیل انقلاب را دریابید!

ویژگی حرکت انقلابی ایران یکی آن بود که جوهر مکتبی داشت، اسلام راهنمای جنبش بوده بود. ویژگی دیگر آن بود که بدست و بازوی بوده ها به نمر رسد. یعنی انقلاب را سازمان، تشکلات با حزب بقد در صفحه ۱۱

# است

فَلَا تَجْعَلْنَا كَمَا جَعَلْتُمْ سُلَاطِنًا لَكُمْ سَاءَ مَا كَانُوا لَكُمْ فِيكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْفَاسِقِينَ

# رادیو سنگر و بلندگوی چه سیاست و اندیشه‌ای است؟

قل اعوذ برب الناس... من شرالوسواسی الخناسی الذی یوسوس فی صدورالناس... بعد از بازده ماه از بیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن، هنوز که هنوز است دستگاه پندیران و متصدیانی که مسئولیت خویش را در قبال انقلاب خلق و اسلام بحوبی درک کرده، بقیه در صفحه ۳

چهارشنبه ۷ خرداد ۱۳۵۹

سال دوم شماره ۵۸

بها ۲۰ ریال

# ریشه‌های بحران وراه حل کنونی آن

● برآستی چه کسی مسئول وضع کنونی کشور است؟ کسانی که بازنده ماه دولت و شورا و پستهای وزارت و فرماندهی ارتش و پاسداران و بنیادهای مختلف را در اختیار دارند و از حمایت میلیونها مردم برخوردار بوده و درآمد کلان نفت داشته‌اند برای حل مسائل کشور چه کرده‌اند؟

بازدیدگر شدن آغاز کار مجلس شورای ملی، بجای آنکه مردم افق آینده انقلاب و کشور را روشن تر ببینند و امیدوار باشند که خط و ربطی بر اداره امور کشور و انقلاب حاکم خواهد شد، بعکس علائمی از بعضی واقعیت ها بروز میکند که سبب میشود آنرا تیره تر ببینند، این حالت امیدواری و نگرانی نسبت به سرنوشت انقلاب و طرز اداره کشور از آغاز پیروزی تا کنون متناوباً تکرار شده است - وقتی دولت موقت و شورای انقلاب با تأیید کامل امام تشکیل شدند خلق یکپارچه امیدوار بود که مردان انقلابی و شایسته‌ای زمام کارها را بدست گیرند و حرکت توفند خلاق بپا خاسته را در جهت تأمین خواسته‌های مردم و تحقق هدفهای انقلاب هدایت کنند - همان مردمی که در راه پیروزی انقلاب هفتاد هزار شهید تقدیم کرده بودند - با ایمان و خلوص کامل آماده بودند تا باز هم جهت پیروزیهای بعدی هر تعداد قربانی لازم است تقدیم کند و هر اندازه فدائاری لازم باشد انجام دهند - مردم به مسئولان امور

مباحث ایدئولوژیک  
دکتر حبیب‌الله پیمان

# مقوله‌های اساسی مکتب

مقدمه:

یکی از نکات اساسی در تحلیل ما از مسائل انقلاب مشکلات و نارسائیهای مکتبی است که بدون حل ریشه‌ای و ارتقاء کامل سطح آگاهی مکتبی جامعه، تداوم جنبش در خط مکتب دشوار خواهد بود. این مشکلات و کمبودها در موارد مهم زیر خلاصه می‌شوند:

۱) اطلاعات مکتبی مردم درباره اسلام و جهان بینی و ایدئولوژی توحیدی سطحی بوده، دریافت آنان بیشتر احساسی است تا عمیق و عقیدتی.

۲) آگاهیهای مکتبی در بین روشنفکران مسلمان با ابهام و آشفتگی و تناقضها همراه است، بطوریکه تعداد بسیار کمی هستند که ممکن است بتوانند تصویر روشن و منظمی (حتی نادرست) از مکتب ارائه دهند. بطوریکه همه عناصر متشکله و دیدگاههای آن هماهنگ و از وحدت و انسجام لازم برخوردار باشد.

۳) کوتاهی دوره کار عمیق و جدی مکتبی و دشواری شرایط سیاسی حاکم در زمان شاه و اشکالات عمده‌ای که بر سر راه یک کار مکتبی گسترده و عمیق و تبادل نظر آزاد بین محققان وجود داشت، خود یک عامل نارسائیهای ایدئولوژیک محسوب می‌شوند.

# مدرس و مصدق نمایندگان دبیر خلق

سناسبت افتتاح مجلس شورای ملی



روز چهارشنبه هفتم خرداد ماه اولس دوره مجلس شورای ملی در جمهوری اسلامی ایران آغاز بکار خواهد کرد، همچنانکه در تحلیلهای گذشته اشاره شده است، تک عناصر مسئول و متعهدی که به مجلس راه یافتند مسئولیت سنگینی در دفاع از دستاوردهای انقلاب و تکیه بر تداوم حرکت انقلابی مردم بدوش دارند. بحا است برای تدکری بادی از دو نماینده وفادار بخلق مدرس و مصدق و خط حرکتی آنها ننوده و برای تک عناصر یاد شده آرزوی موفقیت بنمائیم.

چگونه میتوان از مجلس و نمایندگان مردم سخن گفت و بادی از دو چهره درخشان تاریخ برآمده از مجلس شورای ملی ننمود.

دو ستاره درخسانی که با تکیه بر مسئولیت، فریادشان همچون یک بر وجدان خفته دیگر نمایندگان که نان و حاه و مقام و حفظ جان و موقعیت را بر مصالح خلق ترجیح میدادند فرود میآمد.

مدرس و مصدق هر دو از بانیان و بنیانگذاران اندیشه "موازنه عدلی" و با "موازنه منفی" بودند، سیاست فعال و بویائی که با تکیه بر استقلال و آزادی و حق حاکمیت ملی واحترام متقابل بر حق حاکمیت ملی دیگران، هر گونه سلطه و سطره بیگانه و واگذاری امتیازاتی را که استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی کشور را بخطر میانداخت بشدت محکوم مینمود - مدرس و مصدق هر دو با ثبات عقیده از آغاز تا انجام یک سخن گفتند و هرگز بمقتضای تغییرات در اندیشه و بیئت قدرت حاکم تغییر چهره ندادند، هرگز آزادی را قربانی مطامع و غرور و خود - خواهیهای حکام نساختند و در مقابل هر عنصر و جریان که استقلال و آزادی کشور را تهدید مینمود مردانه ایستادند تا مرز شهادت.

بارها بیکه و تنها در میان انبوه نمایندگان که ناروا به نرخ روز خورده و منافع خلق را قربانی میساختند خروشیدند و بدون کوچکترین هراسی از بدل جان آنچه را که می باید گفتند، وقتی روسیه تزاری با زیر پا گذاشتن حق حاکمیت ملی مردم ایران اولتیماتم ۴۸ ساعته میداد و در امور داخلی ایران مداخله میکرد، مدرس در صف مقدم مخالفان بدرفتن اولتیماتم بود.

ووقی وثوق الدوله عاقد قرار داد سنگین ۱۹۱۹ استقلال اقتصادی و نظامی ایران را بخطر می انداخت با زهم مدرس می - خروشد.

بقیه در صفحه ۳

# تحلیلی بر کنفرانس پاکستان

ابتدا مروری کوتاه بر سیر کنفرانسها از آغاز تاکنون می‌کنیم و سپس به بررسی آن می‌پردازیم: "تاریخچه" کنفرانس تاریخچه تشکیل کنفرانسهایی از سران کشورهای اسلامی به زمان حمله اسرائیل به مسجدالاقصی و به آتش کشیدن آن برمی‌گردد.

پس از این واقعه چون خشم مسلمانان جهان علیه اسرائیل برانگیخته شده بود، سران کشورهای اسلامی برای فرونشاندن خشم مسلمانان در کنفرانسی که اواخر سپتامبر ۱۹۶۹ در رباط پایتخت مراکش تشکیل شد، شرکت و این عمل را محکوم کردند! از جمله شرکت کنندگان این کنفرانس شاه مخلوع بود که هزینه تعمیر این مسجد بزرگ را تقبل کرد و به همین دلیل مورد تحسین برخی از سران کشورهای شرکت کننده در کنفرانس از جمله ملک فیصل قرار گرفت!! دومین کنفرانس سران کشورهای اسلامی سال ۱۹۷۴ در "لاهور" تشکیل شد و طی آن مسائل خاورمیانه و مساله بیت المقدس مورد بحث قرار گرفت و سازمان آزادیبخش فلسطین نیز برسمیت شناخته شد. در کنار این دو کنفرانس تاکنون کنفرانسهای دیگری در سطح وزیران امور خارجه تشکیل شده، اولین کنفرانس وزیران خارجه کشورهای اسلامی بلافاصله بعد از کنفرانس رباط در جده تشکیل شد و موضوع بحث خود را مساله فلسطین و تجاوزات اسرائیل قرار داد. در دومین کنفرانس که در کراچی تشکیل شد، در زمینه تاسیس بانک عمران مسلمانان و آژانس خبرگزاری مسلمانان و دانشگاههای اسلامی در آفریقا به منظور جلوگیری از نفوذ فرهنگ غرب بحث شد. سومین کنفرانس در "بن‌غازی" به مساله نبرد عادلانه ملت فلسطین و کشورهای عربی کم‌سرمین‌هایشان در اشغال نظامی اسرائیل است، برداخت و آنرا مورد پشتیبانی قرار داد. شرکت - کنندگان در کنفرانس همچنین نسبت به سرنوشت ملت‌های مسلمان فیلیپین و اربتره ابراز نگرانی کردند. چهارمین کنفرانس وزیران خارجه کشورهای اسلامی در "کوالالمپور" تشکیل شد و کنفرانس پشتیبانی خود را از کشورهای سخاوم با

در هفته گذشته اخبار مربوط بکنفرانس پاکستان سهم عمده‌ای در رادیو و تلویزیون داشت، جهت بی بردن سه ماهیت و هدفهای این کنفرانس که بنام اسلام و مسلمین تشکیل شد، ارائه تحلیلی که ابعاد گوناگون این کنفرانس را روشن سازد، ضروری می‌نمود و بر اساس این ضرورت ضمن تحلیل مفصلی که از این شماره در امت خواهد آمد، تجزیه و تحلیل ماهیت و هدفهای این کنفرانس مهم را میخوانیم. این تحلیل شامل مباحث زیر خواهد بود:

۱ - ذکر تاریخچه کنفرانسهای اسلامی و نتایجی که از بررسی آن بدست می‌آید.

۲ - بررسی ماهیت کشورهای شرکت - کننده در کنفرانس اسلامی آمریکا پاکستان

۳ - بررسی و تحلیل هدفهایی که آمریکا از برگزاری این کنفرانس تعقیب می‌کند.

۴ - تحلیل چگونگی برخورد شورای انقلاب و گروههای سیاسی با این مسئله.

۵ - بررسی نتایج بدست آمده از کنفرانسهای اول و دوم پاکستان.

اینک ما به شرح هر یک از نیتزهای گفته شده می‌پردازیم:

بررسی تاریخچه کنفرانس اسلامی!!  
امریکائی پاکستان:

وجود داشت. هزاران هکتار زمین از این کانال آبیاری می‌شد و بنا به گفته بزمردان محل، حتی باغات انجیر نیز در اطراف آن عمل می‌آمد. بعد از سال ۴۲ و به موازات اجرای سیاستهای امپریالیستی برای از بین بردن کشاورزی و تبدیل کشور به یک بازار مصرف برای کشورهای استعماری، این کانال بر اثر انباشته شدن رسوبات و عدم لایروبی کورشد و جریان آب در آن قطع گردید.

با قطع جریان آب شریان حیات نیز بریده شد. بی‌آبی و فقر روزافزون باعث بقیه در صفحه ۵

# حماسه نهر سلایمی

در تابستان سال ۵۸ دستهای برتوان خلق بیباخته ما در یکی از بیابانهای گرم خوزستان حماسه‌ای آفرید که بعدها به حماسه نهرسلایمی مشهور شد. حماسه‌ای که با بیل و کلنگ بر سینه صحرا نوشته شد تا فلاحین آنرا چون قصای برای نسل‌های آینده بازگو نمایند. نهر سلایمی کانالی است بطول ۲۱ کیلومتر که از سد خیرآباد واقع بر روی رودخانه شاورر تا آلودشت کشیده شده است. این کانال در زمان رضاخان با وسایل ساده و با استفاده از نیروی انسانی روستائیان حفر شد. حدود ۱۲ روستای آباد در اطراف این کانال

مباحث ایدئولوژیک  
انقلاب در پرتو مکتب  
سنتها در تاریخ  
در صفحه ۸



# ریشه‌های بحران و...

مقدار صفحه ۱

باطلوبه به مقامات حساس گمارده شدند - کشور در جنگ داخلی فرو رفت و بحران اقتصادی رو به تشدید گذاشت ادارت دولتی و ارتش از تصفیه واقعی و تغییر بنیادی ممنوع ماندند، سرمایه داران حمایت شدند - کارگران و انقلابیون و مسلمانان منعقد بعقب رانده شدند و آمریکا دشمن خونخوار ما به پیروزی نقشه های خود امیدوار گردید، سیاستهای ارتجاعی و سازشکارانه بر همه جا سایه افکند - تنها هشدارهای رهبر انقلاب مردم را امیدوار نگه میداشت و امیدوار بودند که انقلاب

نخست وزیر و ریاست جمهوری، وزارت و فرماندهی ارتش و پاسداران و بنیادهای مختلف را در اختیار دارند و از حمایت میلیونها مردم برخوردار بوده و درآمد کلان نفت را در دست داشته‌اند برای حل مسائل کشور چه کرده‌اند؟ آیا خود را مسئول خرابی و آشفتگی و تلف شدن گرانبهارترین فرصت‌های تاریخی میدانند یا نه؟

بازها سوال کرده‌ایم که مسئولین امر در دولت و شورا و ریاست جمهوری آیا طرحی انقلابی برای حل بحران اقتصادی دارند؟ و اگر دارند چرا در آمدت مرحله اجرا نگذاشته‌اند، منتظر چه هستند؟

**● اخلاق اسلامی حکم میکند که اگر کسی در خود صلاحیت و کفایت لازم برای انجام وظیفه‌ای نمی‌بیند با صراحت کنار رود، آینده نشان خواهد داد که شما چه فرصت خوبی را برای ایجاد یک تحول اساسی و مکتبی در ایران از کف دادید**

رهبری مسئول و سازش‌ناپذیر دارد و بوقع جلوی انحراف را نمی‌گیرد و مانع از بروز فاجعه و شکست میشود - اشغال سفارت و تند شدن آتش مبارزه علیه امپریالیسم و سازشکاری و ضربهای که دولت لیبرال وارد آمد - مجدداً "امیدها رازنده گرد آمدند اینکه حرکت در مسیر انقلابی خود بیفتند و انتظارات خلق برآورده شود - باز هم مردم آماده فداکاری شدند - حواست مردم آن بود که پایگاههای آمریکا مورد حمله قرار گیرد و نابود شود، ولی شور ضد امپریا - لیبستی مردم فقط با شعار پادشاه داده شد - دولت و شورا ادغام گردید اما تغییری رخ نداد و همانها پرچمدار مبارزه علیه امپریا - بالیسم شدند دانشجویان مسلمان پیرو خط امام با مقاومت خود در برابر سازشکاری و با آغاز افشاکاری امیدهای برانگیختند - بخصوص این امید که حرکت مستقلی از جناحهای حاکم بوجود آید و مردم را که از دستگاههای مسئول سرخورده بودند متحد و بسیج کند و به آرزوهای آنان جامه عمل بپوشاند مردم هم این حرکت را تأیید کردند و مسئولیتی را که حمایت وسیع مردم بردوش برادران می‌گذاشت یادآور شدند - مدتی گذشت مردم جز شعار چیزی احساس نکردند - اتفاق مهمی نیفتاد و دشواریها بیشتر و بحران عمیق تر گردید

ضد انقلاب به رشد خود ادامه داد - مقدمات یک جنگ تازه در کردستان که با پیام امام فروخته بود فراهم میگشت - هیئت حسن نیت هم به سهم خود آتش معرکه جدید را تهیه مینمود - سرخوردگی مجدداً بر مردم مسلط گشت - شعار خوراک روزانه مردم شده بود - اما باز هم امیدوار به امام که انقلاب را در برابر دشمن نگه میدارند، پس از قطع امید از ارگانهای موجود به انتخابات ریاست جمهوری چشم امید دوختند - گفته شد تا کنون همه چیز موقت بوده - رئیس جمهور می‌آید و کارها روبراه میشود - رئیس جمهور هم انتخاب شد - کسی که از آغاز پیروزی در شورا انقلاب و دولت مسئولیت داشته است و وزارت هم کرده گفتند شاید در آن مدت نتوانسته طرحهای خود را پیاده کند حالا که رئیس جمهور منتخب است با سامانها بسرعت از بین میرود بخصوص امیدوار بودند که بحران اقتصادی متوقف و رو بگشاید گذارد - زمان میگذشت باز هم حرف و شعار بجزمردم تحویل داده شد - همان عناصر در پستهای گمارده شدند و هیچ تغییری واقعی انجام نگرفت.

اخلاق اسلامی حکم میکند که اگر کسی در خود صلاحیت و کفایت لازم برای انجام وظیفه‌ای نمی‌بیند با صراحت کنار رود - آینده نشان خواهد داد که شما چه فرصت خوبی را برای ایجاد یک تحول اساسی و مکتبی در ایران از کف داداید، مطمئن هستیم تاریخ نسلهای آینده همه مسئولین این دوره را مورد مؤاخذه جدی قرار خواهد داد - شاید در پاسخ بگویند که ما فقط حرف میزنیم و انتقاد میکنیم و از مسئولیت گریزان هستیم! چنین نیست اینها فقط اتهاماتی است برای قرار از پاسخ به انتقادات، ما همه وقت آماده بوده‌ایم در چهار چوب اصول مکتب و هدفهای انقلاب هر نوع مسئولیتی را بپذیریم - متأسفانه خود دمخورد بینی و بینش استکباری حاکم بر بعضی جناحهای حاکم عامل طرد و نفی نیروها و عناصر مکتبی و انقلابی بوده و هست شما هر کس را خلاف راهی و نظر شخصی تان فکر میکنید و اعتقاد ددارد با انواع برجسبها لجن مال میکنید واصلت و صداقت او را منکر میشوید - برادران و خواهران ما وظیفه داشتند و دارند که هر جا و در هر موقعیتی میتوانستند منشاء خدمتی به انقلاب و سازندگی انقلابی کشور شوند - دریغ نکنند در برابر شما چه گردید؟ هر جا و هر وقت متوجه شدید خواهر یا برادری در جها سازندگی، در سپاه پاسداران، در آموزش و پرورش، در فرهنگ، در انبادهای انقلاب تاملاتی و عقاید متفاوت با شما دارد و احیاناً "تاملی به خط فکری سیاسی جنبش مسلمانان دارد با مارک و اتهام جنبشی وی را اخراج و طرد کرده از انجام وظیفه خالصانه محروم ساختید و هنوز هم این سیاست را با شدت ادامه میدهید - پاکسازی ادارات و مؤسسات بجای آنکه علیه ساواکیها و عناصر فاسد و فرصت طلب و همکار رژیم سابق و مرتجعین و ضد انقلابیون باشد، علیه عناصر صادق و مکتبی بکار میرود - در هر موقعیت و برای هر یک از مسائل اساسی انقلاب راه حل و پیشنهادهای مثبت ارائه دادیم، اما بجای برخورد مسئولانه با آن پیشنهادها و جلب همکاری همه نیروهای صادق و وفادار

گرفتید و در حفظ وضعیت موجود حاکم اصرار ورزیدید ولی بعداً معلوم شد آن سیستم محکوم به شکست است - در مورد مسئله کردستان و ملیت ها پیشنهادی به مقامات مسئول عرضه کردیم بحیثیه مشکل کردستان را در چهار چوب یک طرح سراسری حل مینمود - جدی گرفته نشد

و حتی بر عدم صلاحیت مکتبی - انقلابی دولتمردان و مسئولان امور کشور تأکید میکردیم میگفتند آدم نداریم پاسخ و پیشنهاد ما این بود که با درک عمیق و درست شرایط انقلابی ایران اعتقاد ما بر این است که دوره بیشتر در پیش نداریم: (۱) ادامه سیاست گنونی و سپردن کار بدست کسانی که قدرت حل مکتبی - انقلابی مسائل را ندارند و بدیفرن نتایج جبری آن که اقول انقلاب، انحراف آن بطرف سازشکاری - ضربه مکتب و شکل گرفتن سیستمی غیر اسلامی تحت نام و رسم اسلام رشد زمینه های دیکتاتوری، وابستگی بیشتر به امپریالیسم، سلطه مجدد افکار ارتجاعی و پاک شدن خط اصیل انقلاب و اسلام

(۲) انجام یک تغییر کیفی و بنیادی بر محور سپردن کار به دست توده ها و نسل جوان و منعقد و مسلمان، یعنی تکیه بر شوراهای مردمی بجای ادارات و مؤسسات آمرانه، تکیه بر سپاه پاسداران و ارتش ۲۵ میلیونی بجای ارتش استعاری، دادن مسئولیت به جوانان پر شور و متعهد بجای دولتمردان و عناصر محافظه کار و لیبرال یا مرتجع و واپس گرا، در برابر این ایراد که جوانان تجربه ندارند و یا قابل اعتماد نیستند پاسخ ما اشاره بر واقعیتها بود که مردمی که انقلاب را پیروز کردند صلاحیت ادامه و هدایت آنرا هم دارند جوانان که سالهای گرانبهای عمر خود را صرف مبارزه و آموزش مکتب کردند و صادقانه به استقبال مرگ می شتابند - بهتر از قشر کهنه اندیش و محافظه کار آلوده قادر است مسائل انقلاب را حل کند، دانشجویان مسلمان و مبارز، برادران سپاهی و توده های فدائوگار میهن ما ثابت کردند که بهتر از دستگاه های زنگ زده دولتی و عناصر سازشکار، سرمایه دار و مرتجع قادرند اراضی را بر طبق معیارهای اسلامی بین دهقانان تقسیم کرده شوراهای دهقانی را بوجود آورند، در تشکیل شوراهای اداره گاز خانات به کارگران ماکم کنند - ادارات را تعدادی بود در هر مؤسسه و اداره دولتی تعدادی از کارمندان جوان و متعهد را مسئولیت میدادند تا با تشکیل شوراهای مردمی به تصفیه کار مردم را بنحوی انقلابی اداره کنند - بقید را برای کار به روستاها اعزام می - گردید - آری همه این پیشنهادها عملی بود و تنها راه برای تداوم انقلاب و تحقق اهداف آن بشمار میرفت - اما قبول این پیشنهادها برای شما دشوار بوده و هست، دولت همه چیز را در دست خود میخواد و جناح رقیبش نیز بر همین روال فکر میکند، و اکنون در آستانه افتتاح مجلس دو جناح رقیب - در کشمکش پنهانی - صف آرائی و تهیه نیرو برای مقابله سخت مشغولند - علیرغم تعارضهای ظاهری، همدستی سخت و پنهانی جریان دارد - هر دو جناح حمایت توده ها را برای عقب راندن رقیب و انحصار قدرت میخوانند نه برای تحقق هدفهای انقلاب، هر دو جناح خط امام و تأیید رهبر انقلاب را وسیله ای برای جلب و جذب نیرو و کنترل مؤسسات

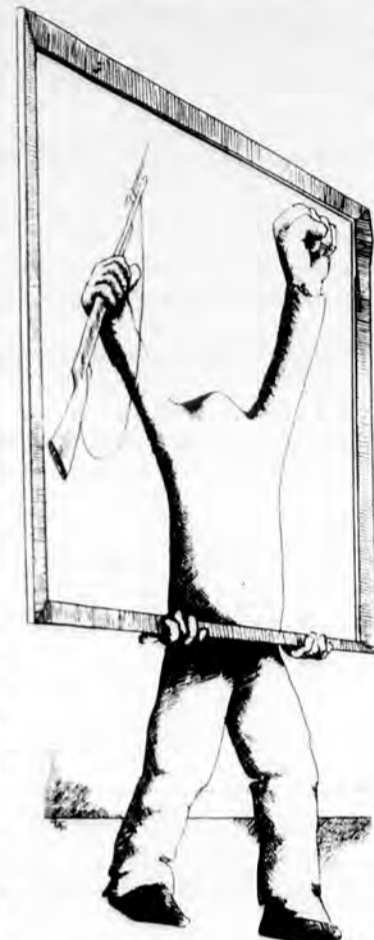
**● متأسفانه خود محور بینی و بینش استکباری حاکم بر بعضی جناحهای حاکم عامل نفی نیروها و عناصر مکتبی و انقلابی بوده و هست**

به انقلاب برای پیشبرد آنها بر مواضع متزلزل خود پای فشردید و سازشکاران و مرتجعین را بر عناصر انقلابی و مکتبی ترجیح دادید - تجربیات و حوادث بعدی، غلط بودن سیاستهای شما را ثابت کرد و اکنون دستاورد پاینده ماه حکومت شما شرایط بحرانی فعلی است، بیداری و هشیاری خلق و یکپارچگی فوق را در دفاع از انقلاب و حمایت از رهبران که عامل مقاومت در برابر دشمن بوده است بحساب خود نگذارید در نخستین روزها و ماهها طرحی برای دولت و شورای رهبری انقلاب و برنامه‌های مرحله‌ای ارائه شد که نادیده

و در صد بیگاری بسرعت رو به افزایش نهاد - طرحهای رئیس جمهور برای جلوگیری از بیگاری یا گرانی و گرانفروشی که میبایست با حمایت میلیونها مردم انجام شود بجائی نرسید - اوضاع بدتر از گذشته شد باز هم مردم در انتظار و این بار گفتند مجلس شورایی افتتاح شود و سپس نخست وزیر تعیین گردد، آیا برآستی مجلس و دولت آینده قادر بحل معضلات و بحرانهای سخت کشور هستند؟ برآستی چه کسی مسئول وضع گنونی کشور است؟ کسانی که پاینده ماه دولت و شورا و پستیهای

حاج، سازش و اتحاد موقتی یا طولانی آنان هیچیک دواي دردهای کشور و انقلاب نیست، هم اکنون پست نخست وزیری، مجلس شورایی، ارتش، سپاه پاسداران طرح اصلاحات ارضی، مسأله گروگانها، رابطه با آمریکا، سیاست خارجی و نهادهایی چون جهاد سازندگی بنیاد مسکن و... صحنه کشمکش آشکار و پنهان دو قدرت رقیب است - تا وقتی امام حضور فعال در صحنه دارند تعادل تا حدی محفوظ است و تظاهر به وحدت زیاد میشود، اما بعد از آن چطور؟

به گجا، به چه نیرویی باید امید داشت؟ ما یکی از ویژگیهای متق رهبر



انقلاب را در جریان انقلاب و مدتها بعد از آن در تکیه مستقیم به توده ها و سپردن کار بدانها میدیدیم و بدلیل فقدان یک نیروی مکتبی پیشتر با پایگاه توده‌ای و آماده جایگزینی - چشم امید به توده ها و نسل جوان و دانشجوی متعهد داشتیم که مسئولیت خود را درک کند و موقعیت را بخوبی بشناسد و بجای افتادن در کشمکشها و رقابتهای جناحهای حاکم حرکتی مستقل بر مبنای معیارهای مکتبی را دنبال نماید - نسل جوان و مبارز یا دانشجویان آگاه و متعهد میتوانستند با همراهی و همکاری توده ها مستقل از دو جناح حاکم یک نیروی اجتماعی انقلابی در خط مکتب بوجود آورند - ما این پیشنهاد را در همان روزهای اول اشغال سفارت به دانشجویان مسلمان پیرو خط امام دادیم و این بدان دلیل بود که هم حمایت امام را اخذ کرده بودند و هم امکان اجرای آن فراهم بود - بخشی از نیروهای جوان و مبارز یا زیر تأثیر سیاستهای چپ روانه رهبران بعضی گروهها از ایفای نقش تاریخی خود بازماندند و اکنون پس از پاینده ماه تجربه دردناک و تلخ زیر تأثیر همان سیاستها، راست روی میکنند و به ضرورت بقا چتر حمایت لیبرالیسم را به سر میکشند و از ایفای یک نقش فعال و مثبت و انقلابی باز مانده‌اند - چرا یک چنین نیروی پر شور و متحرک و با ایمانی باید قربانی سیاستهای غیر مکتبی و دور از واقع بینی شود، آن هم در شرایطی که انقلاب ما بیشتر از هر چیز به چنان قدرت جوان و با ایمان و رزمنده محتاج است.

بخش دیگر از نیروهای جوان، متقابلاً تحت تأثیر قالب ها و ظواهر بعضی نهادها و احزاب و قسمتی هم از روی عکس العمل به راست روی گشاده شدند و علیرغم صداقت و ایمان خالص خود باز هم از ایفای نقش تاریخی خویش عاجز ماندند و ندانسته آب به آسیاب جریانات ارتجاعی و حتی لیبرالی ریختند.

در حالیکه این نیروی عظیم و رزمنده اگر با تحلیل درستی از شرایط مرحله‌ای انقلاب و ویژگیهای آن آغاز بکار میکرد و مسیر تمایلات و سیاستهای جزئی و خود محور و مطلق بینی نمیگردید می - توانست تاکنیه برارزشها و نهادهای مثبت و روبه رشد انقلاب و رهبری آن - در تداوم و تکامل آن بکوشد و هدایت اجتماعی اجرای برنامه ها و تغییرات بنیادی را بدست گیرد.

اکنون چه باید کرد؟ اگر چه پاینده ماه فرصت خوب و استثنائی را پشت سر گذاشته‌ایم اما هر لحظه به تصحیح مواضع خود اقدام کنیم، دیر نوده و پیروزی خواهد بود. برای مقابله با شرایط پیچیده گنونی که مسلماً با غیبت رهبر انقلاب بطور جدی و نگران کننده‌ای بحرانی تر خواهد شد. قبول واقعیتهای زیر ضروری است:

اول - کسانی که پاینده ماه گذشته مسئولیتهای رهبری در دولت و شورا داشته‌اند به عنوان یک مجموعه صلاحیت رهبری و حل انقلابی مسائل کشور رو حفظ و تداوم انقلاب را در جهت مکتب ندارند دوم - گرایشهای قدرت طلبانه و تمایل به انحصار و تمرکز قدرت در هر دو جناح برای کشور و انقلاب خطرناک است.

سوم - نهادها و مؤسسات باقی مانده از رژیم سابق توان تحمل مسئولیتهای انقلابی را ندارند و باید از آنها قطع امید کرد بطور مثال اجرائی طرحهای آتی چون اصلاحات ارضی باید توسط نیروهای جوان و انقلابی اجرا شود و نه عناصر و ارگانهای قدیمی و واپس گرا مان و بسته به سرمایه داران و مالکان.

چهارم - برخلاف جناحها و شعارهای تبلیغاتی - هیچ اقدام جدی در داخل و خارج علیه پایگاهها و منابع امپریالیسم بعمل نیامده و دشمن در محاصره اقتصادی ایران بیشتر تبلیغات میکند تا عمل زیرا هر اقدام عمل جدی سیستم اقتصادی و اداری و نظامی را که هنوز در مجموع به نفع اوست بکلی بخطر میاندازد.

پنجم - بحران اقتصادی بنحو خطرناکی بنفع دشمن رشد میکند و همراه با جنگ داخلی اعتناشات دیگر - زمین را برای ظهور دیکتاتوری و حتی حکومت نظامیان در دراز مدت به بهانه حفظ امنیت و دفاع از جمهوری فراهم میسازد - میگویند در یک بررسی محدود افکار عمومی توسط دفتر رئیس جمهور یکی از نمایندگان برجسته لیبرالی که نظامی هست - بیشترین درصد رأی را برای نخست وزیر شدن بدست آورده است.

ششم - افکار و عناصر ارتجاعی در پاینده ماه گذشته بنحو چشمگیر و روزافزونی در انقلاب و دستگاههای اجرائی و تبلیغاتی و آموزشی نفوذ کرده و مسئولیتهای حساسی بدست آورده‌اند واصلت مکتب را بطور جدی بخطر انداخته‌اند.

هفتم - ویژگیهای اساسی خط امام که در چند ماه بیشتر از تجربیات انقلابی پاینده سال مبارزه و رهبری ایشان استخراج کرده بودیم عملاً از جانب مسئولان امور نادیده گرفته شده، دقیقاً در جهت خلاف آن حرکت کرده‌اند.

هشتم - تأییدهایی که عناصر و جریانات لیبرالی یا ارتجاعی در مجموعه جریانات حاکم در هر وقت بنا به مقتضایاتی از رهبر انقلاب گرفتند موجب مغشوش شدن ذهن توده ها و مخدوش شدن معیارها گردید و سمت گیری درست را در برخورد با این نیروها و عناصر از بخشی از توده های صادق سلب کرده است.

نهم - وفاداران واقعی و ویژگیهای اساسی و انقلابی خط امام را در احوال باید در میان دانشجویان مسلمان و جوانان متعهد و توده و برادران سپاهی در سپاه پاسداران و توده های مستضعف خلق جستجو کرد، اگر چه برداشت یگان از این ویژگیها نداشته باشند، اما جهت گیری کلی آنرا محور تشخیص میدهند.

بر اساس این واقعیتها توجه به شرایط عینی جامعه را معتقدیم

۱ - حالا که رئیس جمهور و نمایندگان مجلس تحت شرایط خاص خود انتخاب شده‌اند و به عنوان یک واقعیت در صحنه بقیه در صفحه ۷

## تأیید قرار جامع بی طبقه توحیدی، انقلاب اسلامی ادامه دارد



# تورم، بیکاری و فریاد سیاه‌پوستان آمریکا



سیاه‌پوستان آمریکائی همشده قربانیان بحرانهای اقتصادی غول سرمایه‌داری جهانی بوده‌اند. بیهکام آفرایش تورم و بیکاری که زندگی ساھان مستقیم‌بخش می‌افتد، پاسخ اعتراضی آنان همیشه با چماق و گلوله داده می‌شود و در چند روز گذشته جهان شاهد فجاج دهشتناکی در مورد سیاه‌پوستان آمریکا هستند. متن زیر از مجله آمریکائی بنام ۲۶ ماه مه ۱۹۸۰ ترجمه شده است.

تورم، بیکاری و فریاد سیاه‌پوستان آمریکا

چون خلسانیکه از هواپیمای آسیب‌دیده خود به بیرون بریده و در انتظار باز شدن چتر نجاتش در هوا بسقوط آزاد خود تسلیم شده، تشار و اقتصاددانان آمریکائی در انتظار بیشتر بحران اقتصادی‌ای نشسته‌اند که عمق و ابعاد آن در سال جاری بر هیچکس معلوم نیست. تقریباً همه در این ساله متفق‌القولند که اقتصاد آمریکا قدم به یک بحران اقتصادی گذاشته و حتی هیچکس نمی‌تواند بگوید که سقوط نرخ بهره، بیکاری روزافزون و مصارف خصوصی رو به کاهش، نشانه‌ای از کوتاهی یا بلندی زمان بحران، عمق یا سطحی بودن آن می‌کند.

اخبار بد باندازی کافی فایده‌کننده است. تولید صنعتی آمریکا در ماه آوریل (فروردین) ۱/۹ درصد سقوط کرد و این بزرگترین سقوط یک‌ماهه از فوریه ۱۹۷۵ (اسفند ۱۳۵۲) می‌باشد. صنعت خانه‌سازی سربزولی خود را شدت دنبال می‌کند و به نقطه‌ای رسیده که از ده سال پیش تاکنون سابقه نداشته است. رئیس سابق شورای اقتصادی جرالد پورد (رئیس‌جمهور سابق آمریکا) می‌گوید که کاهش تولیدات صنعتی به میزان سالانه ۷/۷ درصد در سقوط است، در حالیکه یک موسسه معتبر، بررسی اقتصادی این سقوط را ۸/۱ درصد می‌داند.

خبری که بعضی از مدیران موسسات تجاری را مضطرب ساخته، افزایش بیکاری به میزان ۸ درصد یک ماهه فروردین است که کل بیکاری را به ۷ درصد کل افراد حاضر به کار آمریکا بالا می‌برد. باید یادآور شد که در بحران اقتصادی سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۵ (۱۳۵۴ - ۱۳۵۲) درصد بیکاری از ۴/۸ درصد ناگهان به ۹ درصد جهش کرد. عده‌ای از صاحب‌نظران معتقدند که اقدامات ضدتورمی که رژیم کارتر بر آن دست زده ممکن است سهولت میزان بیکاری از ۷ درصد به ۱۲ درصد برسد.

در جنجال بیکاری که سراسر آمریکا را فرا گرفته مشکلات، قابل بحث نیست. هم‌اکنون تورم در آمریکا از قول رئیس بانک مرکزی آن ۱۸ درصد است ولی او خوشبین است که این رقم تا پایان سال ممکن است به ۱۰ درصد نازل کند. رئیس بانک مرکزی آمریکا تأکید می‌کند که حتی اگر این کاهش تحقق یابد راه ناهمواری در پیش است که ثبات قیمتها در اقتصاد آمریکا بوجود بیاید.

پرهیجان‌ترین گروه کارگران بیکار کم‌مزدترین و جوان‌ترین آنها هستند. هم‌اکنون میزان بیکاری بین ۱۶ تا ۱۹ ساله‌های آمریکائی ۱۶/۲ درصد است. رقم بیکار بین جوانان سیاه تا ۳۰ درصد هم بالا می‌رود و تازه این ارقام رسمی است. جسی جکسون کشیش سیاه و جوان آمریکائی در هفته گذشته می‌گوید که در حدود بیست و پنج هزار از جوانان سیاه را در چندین جلسه نمایندگان آمریکا جمع‌آوری کند و ضمن سخنرانی و راهپیمائی خواسته‌هایشانرا بنظر مقامات دولتی برساند. در این میتینگ فقط پنج هزار نفر شرکت کردند. رژیم کارتر دستمزدها ساعتی کارگران ساده را از ۲/۳۰ دلار به ۳/۱۰ دلار افزایش داده ولی عملاً "موجب افزایش بیکاری در بین جوانان سیاه‌پوست شده است زیرا با این دستمزد اضافی موسسات تولیدی از استخدام آنها خودداری میکنند. دولت کارتر در نظر دارد ۳/۵ بلیون دلار برای اشتغال کارگران جوان سرمایه‌گذاری کند ولی جوانها ناراضند. یک جوان پانزده ساله می‌گفت که در این کارها هیچ یاد نمی‌گیریم، از صبح تا عصر بیکار وقت تلف می‌کنیم و آخر روز مردمان را دریافت می‌داریم.

در شهر دنتربارت پایتخت انومبیل - ساری آمریکا انتظار می‌رود که ۲۲ درصد جوانان سفید و ۵۴ درصد جوانان سیاه در این تابستان بیکار باشند.

یک نفر محقق ضمن تحقیق خود متوجه شده است که نیمی از جوانان بیکار که به آنها مصاحبه داشته به کارهای غیرقانونی آلوده شده‌اند. این کارها چون فروش مواد مخدر، دزدی، جیب‌بری و دزدی یا تجاوز به حریم مردم بوده است. در میتینگ جسی جکسون شعار سیاهان این بود: بیکاری تبعیضاتی است - تبعیضاتی نژادی (اشاره بر آنگان بروز شورشهایی است که نمونه گسترده‌ی آنها در روزهای اخیر در محلات سیاه‌نشین آمریکا مشاهده کرده‌ایم. مترجم).

## مدرس و مصدق

بعد هم شهر مکه - را آتش زد و به منجنیق بست، بهر صورت وثوق الدوله را حالی ننماید من کار خودم را می‌نمایم و شما کار خودتان را - لکن من - موفق می‌شوم و شما ضرر خواهید نمود. اگر قرارداد لغو شد همیشه منضر و منفور از سیاست دور خواهید بود و اگر قرارداد عملی شود انجام گرفت دیگر انگلیس به شما کاری ندارد. مدرس و مصدق هر دو با عل و زنجیر و زندان و تبعید و ترور آشنا بودند اما هرگز سرخم نکردند. وقتی پایداری و مقاومت مدرس و مصدق وهوشیاری و آگاهی توده‌ها عاقد قرارداد تنگین ۱۹۱۹ را رسوا ساخت، این بار انگلیسیها طرح کودنای ۱۲۹۹ را ریختند و باز این مصدق و مدرس بودند که مخالفت گسترده خود را با دیکتاتوری رضا خان آغاز نمودند. مدرس در اوج قدرت و دیکتاتوری رضا خان در جلسه ۵ شنبه ۱۲ میزان ۱۳۰۱ خطاب به نمایندگان مجلس که بسیاری از آنها مصلحت‌گرایی و سکوت و ماسات و سازش را بر مقاومت و پایداری ترجیح می‌دادند چنین گفت: مگر شما ضعف دارید این حرفها را می‌زنید و در پرده سخن می‌گویند، ما بر هر کس قدرت داریم، از رضا خان هم هیچ ترس و واهمه نداریم. ما قدرت داریم پادشاه را عزل کنیم، رئیس‌الوزرا را بیاوریم، استیضاح کنیم، عزل کنیم میروند در خانه شان می‌نشینند. قدرتی که مجلس دارد هیچ چیز نمی‌تواند مقابلش بایستد. شما تعیین صلاح بکنید، مجلس بر هر چیزی قدرت دارد.

بغیة از صفحه ۱ مستقل از اغراض شخصی یا گروهی و وابستگیهای خاص فکری، پاسدار حقیقی ارزشهای اصیل انقلاب و اسلام باشد، بهره‌مند شده است. در این جا به بررسی و ارزیابی کامل برنامه‌ها و خط مشی حاکم بر رادیو و تلویزیون‌نشینانم. هر چند بسیار ضروری است لکن فقط می‌خواهیم توجه مردم قهرمان ایران و همه افراد مسئول در دستگاههای اجرایی و در رادیو و تلویزیون را به هدفها و اغراض نفاق‌افکنانه و مغرضانه تنظیم‌کننده برنامه‌ها در رادیو جلب کنیم. برداشت ما متکی به برخوردی است که در این هفته تهیه‌کننده برنامه بررسی جرایم در رادیو با سرمقاله و مطالب امت داشته است. ما نیازی به جواب دادن به مطالب تهیه‌کننده برنامه نداریم زیرا مطلبی احتیاج به پاسخ دارد که در آن استدلال و منطق بکار رفته باشد، در صورتیکه تهیه‌کننده یا دنبال کردن هدف معینی که همان ایجاد نفاق و دمدن و سوسه دشمنی و

مزدترین و جوان‌ترین آنها هستند. هم‌اکنون میزان بیکاری بین ۱۶ تا ۱۹ ساله‌های آمریکائی ۱۶/۲ درصد است. رقم بیکار بین جوانان سیاه تا ۳۰ درصد هم بالا می‌رود و تازه این ارقام رسمی است. جسی جکسون کشیش سیاه و جوان آمریکائی در هفته گذشته می‌گوید که در حدود بیست و پنج هزار از جوانان سیاه را در چندین جلسه نمایندگان آمریکا جمع‌آوری کند و ضمن سخنرانی و راهپیمائی خواسته‌هایشانرا بنظر مقامات دولتی برساند. در این میتینگ فقط پنج هزار نفر شرکت کردند. رژیم کارتر دستمزدها ساعتی کارگران ساده را از ۲/۳۰ دلار به ۳/۱۰ دلار افزایش داده ولی عملاً "موجب افزایش بیکاری در بین جوانان سیاه‌پوست شده است زیرا با این دستمزد اضافی موسسات تولیدی از استخدام آنها خودداری میکنند. دولت کارتر در نظر دارد ۳/۵ بلیون دلار برای اشتغال کارگران جوان سرمایه‌گذاری کند ولی جوانها ناراضند. یک جوان پانزده ساله می‌گفت که در این کارها هیچ یاد نمی‌گیریم، از صبح تا عصر بیکار وقت تلف می‌کنیم و آخر روز مردمان را دریافت می‌داریم.

در شهر دنتربارت پایتخت انومبیل - ساری آمریکا انتظار می‌رود که ۲۲ درصد جوانان سفید و ۵۴ درصد جوانان سیاه در این تابستان بیکار باشند. یک نفر محقق ضمن تحقیق خود متوجه شده است که نیمی از جوانان بیکار که به آنها مصاحبه داشته به کارهای غیرقانونی آلوده شده‌اند. این کارها چون فروش مواد مخدر، دزدی، جیب‌بری و دزدی یا تجاوز به حریم مردم بوده است. در میتینگ جسی جکسون شعار سیاهان این بود: بیکاری تبعیضاتی است - تبعیضاتی نژادی (اشاره بر آنگان بروز شورشهایی است که نمونه گسترده‌ی آنها در روزهای اخیر در محلات سیاه‌نشین آمریکا مشاهده کرده‌ایم. مترجم).

خصوصیت در روح و قلب توده مسلمان نسبت به امت و جنبش مسلمانان مبارز است، چنانچه این سرهم می‌کند و کار ندارد که برداشت و قضاوت او تا حد جد با واقعیت مطالب مندرج در امت و با استدلال و منطق هماهنگ و سازگار است. او می‌خواهد امت و جنبش مسلمانان مبارز را متهم سازد و به خیال خود نزد مردم، ضدانقلاب و التقاطی و منافق جا بزند. نحوه تنظیم و بیان مطالب دقیقاً بشکلی است که گوئی می‌خواهد به زور فریاد و سفسطه و دروغ ببرد حالی کند که امت دشمن انقلاب و رهبری آن یعنی جنبش مسلمانان مبارز سازمانی است دارای افکار التقاطی و مارکسیستی، تهیه‌کننده که حتماً از شرافت و اخلاق اسلامی و انصاف و ایمان و عدل کافی خود را بهره‌مند می‌داند! اینجا و آنجا چند جمله از سرمقاله را جدا می‌کند و یا مثلاً "از تمام مطلبی که در امت درباره استاد مطهری نوشته شده بزور یک جمله را بیرون می‌کشد و قورا" قضاوت و حکم صادر می‌کند که کمترین هماهنگی با واقعیت کل مطلب وحی همان جمله استنادی هم ندارد بعکس صریحاً" بر ضد هدف مقاله است.

او کار ندارد به اینکه در سرمقاله‌های امت برای شعور سیاسی مردم احترام گذاشته به آن ارجح می‌نهد، کار ندارد که جنبش مسلمانان مبارز مردم را بیشتر مبارزه و انقلاب می‌شناسد، اما اصالت را به اصول می‌دهد و این عین مکتب اصیل اسلامی است و اگر ما اصالت را همانند او برداریم می‌توانیم گفت که این تقاطی بودیم. ما اصالت را به مکتب و به حقیقت داده‌ایم و هرگز را که از حق پیروی کرد تأیید می‌کنیم. اصالت دادن به نظر و رای اکثریت صرف نظر از آنکه بر طبق حق باشد یا نباشد، کار مکتب غربی و غیراسلامی است. حالا ما که مکتبی فکر و تحلیل می‌کنیم، ضدامام و اسلام هستیم و آقا! تهیه‌کننده این برنامه‌ها از مطلبی که در امت درباره استاد مطهری آمده بود وسیله‌ای ساخته بود برای تحریک مردم علیه جنبش مسلمانان مبارز و برای اینکار همه اصول تقوی و اخلاق را زیر پا نهاد. اگر ریگی در کفش و هدفتی نفاق‌افکنانه نداشت و نمی‌خواست چون خناسان در قلب و اندیشه مردم بدبینی و خصومت و کینه نسبت به امت بدمد باید تمامی مقاله درباره مطهری را از رادیو می‌خواند و سپس به نقد می‌پرداخت.

دیدیم که بالای منبر میرفتید و مردم را دعوت به آزادی میکردید، حالا عقیده شما اینست که یک کس در مملکت باشد که هم شاه باشد، هم رئیس‌الوزرا، هم حاکم؟ اگر اینطور باشد که ارتجاع صرف است، استبداد صرف است. پس چرا خون شهدای راه آزادی را بیخود ریختید؟ چرا مردم را بگشتن دادید؟ مصدق و مدرس نسبت به نفوذ اقتصادی بیگانگان شدیداً حساس بودند و هر دو واگذاری امتیاز به بیگانگان را قدمهای برای استیلای فرهنگی، سیاسی و نظامی میدانستند. مصدق می‌گفت: "آقایان نمایندگان، من با دادن هر امتیاز از نظر اقتصادی و سیاسی مخالفم، چون تفکیک مسائل سیاسی از اقتصادی مشکل است و این دو سیاست با هم بستگی دارد، هر کجا که اقتصاد صدق میکند سیاست هم غالباً" صادق است و از حقوقی که برای ساختن خط آهن و بندر و نلغی و تلگراف بیسیم و موسسه هواپیمائی که ماده ۱۵ امتیاز نامه جدید یکمائی داده تنها نه در امور اقتصادی بلکه در امور سیاسی هم میتوان استفاده نمود، پس لزوم ندارد که ما بشرکتی که تابع یک دولت خارجی است و یا بیگ دولت امتیاز دهیم تا اینکه در مملکت ما احداث این فیسیل موسسات کنند و در خاک ایران دولت‌های دیگری تشکیل دهند، از آنچه عرض نمودم مقصود این بود که اعطای امتیاز ولو اینکه گیرنده دولت نباشد بهیچوجه برای ما صلاح نیست."

مدرس و مصدق لحظه‌ای در وفای بعهد و رسالت سبکی که بر دوش داشتند درنگ و تردید نکردند و مسئولیت سهمگینی را که توده‌های مردم بر دوش آنها نهاده بودند با امانت و تقوی و دلیری و مردانگی تحمل کردند، مدرس قربانی کودنای تنگین ۱۲۹۹ و مصدق قربانی کودنای تنگین تر

اگر تهیه‌کننده مبتنی باک و نیالوده به غرض و کینه‌توزی داشت این جملات را در مقاله مزبور می‌دید که: "... بی شک مطهری در تاریخ معاصر از زمره کسانی بود که در فرهنگ و آندیشه اسلامی به تحقیقات عمیق و بنیادی دست زده‌اند. ... مطهری در سالهای بعد از کودنای ۲۸ مرداد سال ۳۱ جزاً اندک دست‌اندرکاران اسلام شناس بود که در معرفی درست‌نوی از اسلام بخوبی از عهده برآمد و در اینکار موفق بود. در این دوره روشنفکران غیرمذهبی به تقلید روشنفکران قرن ۱۹ آرزایی مذهب را بقصد سلسله اوها و خرافه و ناشی از جهل و ترس و ساخته طبقات و دولتهای حاکم بمنظور تحقیر نوادها و توحیه استعمار و حاکمیت ستارگان می‌شناختند. کسانی چون مطهری می‌گوشیدند چهره اسلام را از زیر پوشش این اتهامات بیرون کشیده اساس استوار و منطقی و قابل دفاع آنرا نشان دهند با این تفاوت که مطهری برخلاف همگان خود در این دوره بکسر به تطبیق دادن اسلام با علم و دستاوردهای علمی غرب ننشست و نگوشید. بعکس تمایز فلسفه

## رادیوسنگر و بلندگوی چه سیاست و...

و عقاید اسلامی را از فلسفه و تعالیم جدید اروپائی تشخیص داد. تهیه‌کننده مغرض و منافق برنامه که در سراسر مقاله یک کلمه غیرواقعی نمی‌یابد تا مستمک حمله بیامت کند، سرانجام با تکرار این جمله که "... یا اینحال وابستگی در چارچوب فلسفه و کلام اسلامی که بهرحال زیربنایش فلسفه یونان هم بود، اجازه تحرک آزادتر به اندیشه وی نمی‌داد" نتیجه می‌گیرد که امت با شخص مورد تأیید امام مخالف است. زهی بشری!

این را می‌گویند مخالفت با امام؟ تهیه‌کننده مصراغه می‌گوشد مردم بفهماند که امت و جنبش مسلمانان مبارز مخالف انقلاب و امام است و سعی می‌کند با جعل اصلاحات توهین‌آمیز از خود نظیر "گله‌گوسفند"، آنانرا علیه ما تحریک کند. و برایش اهمیت ندارد که دلیلی در تأیید مدعی دروغین خود در امت نیابد. آیا تأیید امام از مطهری دلیل معصوم بودن و مطلق بودن وی در کلیه قضایا است؟ آیا چنین اعتقادی با بینش اسلامی هماهنگی دارد؟ اگر کسی آمد و یکی از کتابهای مطهری را نقد کرد او دشمن امام است؟ منطق را ببینید و سؤالیست و عرض و مرض را در تهیه‌کننده دریا بید.

عجب نیست اگر اینگونه اشخاص بخود جرات دهند با استفاده از وسایل ارتباط جمعی که متعلق بخلق است بی‌هیچ هراس و بیمی علیه مصالح خلق و برای تفرقه‌افکنی در صفوف مردم و تشدید دشمنی و خصومت در صف مبارزان فریاد بکشند و قلم بزنند. مطمئن هستیم که پاسخ ما در هیچیک از این وسایل رادیویی و روزنامه‌های منعکس نمی‌شود و لذا یکجانبه توانستند مردم را فریب دهند و مشتی دروغ و نهمت و افترا به گوش آنان فرستادند.

از مسئولان رادیو و تلویزیون که خود را موظف به پیروی از رهنمودهای امام می‌دانند و باید این دستگاه‌ها سرادردخت می‌انقلاب و اسلام بکار اندازند و رهبری کنند می‌پرسم آیا این اشخاص را می‌شناسید و بکار و اهداف و اغراض آنان آشنائی دارید آیا تهیه‌کننده این نوع برنامه‌ها در خط امام و انقلاب‌اند یا منافق و تفرقه افکن؟ و در حقیقت ضدامام و ضدانقلاب؟ قضاوت با کسانی است که با همه مطالب و با کل خط مشی امت و جنبش مسلمانان مبارز آشنا هستند و سخنان تهیه‌کننده را هم شنیده‌اند.

خودسازی انقلابی انسان نمی‌تواند در یک انقلاب اجتماعی، صادقانه، مطمئن، و تا نهایت راه وفادار و راستین نباشد، مگر اینکه پیش از آن و هماهنگ با آن، خود را انقلابی ساخته باشد و بسازد. اساساً "انسان انقلابی" تنها انسانی نیست که در یک انقلاب اجتماعی شرکت می‌کند. - چه بسا که "بپورنویسندها"، "مآجرخواها" و "خودخواها" نیز در آن شرکت کنند. که می‌کنند و جزئیه انحراف همه نهضتها، و ناکامی همه انقلابها شرکت ایشان است - بلکه یک انقلابی پیش از هر چیز یک جوهر دگورگونه خود ساخته - است. انسانی است که "خوبش خود ساخته" ایدئولوژیک را جانشین "خوبش منورونی سنتی و غربی" کرده است. معلم انقلاب، شهید شریعتی



# صنایع وابسته به امپریالیسم کارخانه آلومینیم سازی ایران - اراک

سالنامه کربولیت ۲۵۰۰ تن و برای آلومینوم فلوراید ۲۰۰۰ تن و با طرح توسعه ۶۲۵۰ تن و ۵۰۰۰ تن خواهد بود. مواد مذکور را از کشورهای آمریکا و ژاپن و فرانسه وارد کرده و قسمت آنها در کارخانه بترتیب ۵۷ و ۴۹ ریال میباید. آنرا لیت؛ مصرف سالانه ماده فوق ۳۰۰ تن و در صورت اجرای طرح توسعه به ۷۵۰ تن خواهد رسید. ماده فوق از کشورهای اروپایی تهیه میگردد و قیمت آن در کارخانه ۴۱ ریال میباید. مصلدهای کمی؛ مصرف سالانه مصله های صسی ۸۰ تن و در صورت اجرای طرح توسعه به ۲۰۰ تن بالغ میشود. مصله های فوق از کشورهای سوئیس و کانادا وارد و قیمت تمام شده آن ۱۶۰ ریال برای هر کیلوگرم میباید.

بلوکهای کاند؛ مصرف سالانه آن در حال حاضر ۶۰۰ تن و در صورت توسعه ۱۵۰۰ تن میباید. این بلوکها از کانادا، انگلستان، آمریکا و آلمان تهیه و قیمت هر کیلو آن ۶۰ ریال میباید. در مراحل مختلف مواد گوناگون دیگری بکار میرود که دلیل ناچیز بودن آنها از نظر کمیت نقش موثری را ایفا نمیکند مانند نیک طام، کلسیم فلوراید و غیره.

سالمانه کربولیت ۲۵۰۰ تن و برای آلومینوم فلوراید ۲۰۰۰ تن و با طرح توسعه ۶۲۵۰ تن و ۵۰۰۰ تن خواهد بود. مواد مذکور را از کشورهای آمریکا و ژاپن و فرانسه وارد کرده و قسمت آنها در کارخانه بترتیب ۵۷ و ۴۹ ریال میباید. آنرا لیت؛ مصرف سالانه ماده فوق ۳۰۰ تن و در صورت اجرای طرح توسعه به ۷۵۰ تن خواهد رسید. ماده فوق از کشورهای اروپایی تهیه میگردد و قیمت آن در کارخانه ۴۱ ریال میباید. مصلدهای کمی؛ مصرف سالانه مصله های صسی ۸۰ تن و در صورت اجرای طرح توسعه به ۲۰۰ تن بالغ میشود. مصله های فوق از کشورهای سوئیس و کانادا وارد و قیمت تمام شده آن ۱۶۰ ریال برای هر کیلوگرم میباید.

بلوکهای کاند؛ مصرف سالانه آن در حال حاضر ۶۰۰ تن و در صورت توسعه ۱۵۰۰ تن میباید. این بلوکها از کانادا، انگلستان، آمریکا و آلمان تهیه و قیمت هر کیلو آن ۶۰ ریال میباید. در مراحل مختلف مواد گوناگون دیگری بکار میرود که دلیل ناچیز بودن آنها از نظر کمیت نقش موثری را ایفا نمیکند مانند نیک طام، کلسیم فلوراید و غیره.

باریخته نا؛ سس کارخانه؛ کارخانه آلومینوم سازی ایران در سال ۱۳۴۶ تا سرمایه گذاری سازمان کسترش و نوآوری ایران (۸۲/۵ درصد) کمپانی رینولیز آمریکا (۱۴/۵ درصد) و دولت پاکستان (بمیان ۵ درصد) در ۶ کیلومتری اراک ایجاد گردید. کارهای ساختمانی طرح ایجاد کارخانه ۵ سال بطور انجامید و در سال ۱۳۵۱ کارخانه مذکور با ظرفیت تولیدی ۴۵۰۰۰ تن در سال شروع بکار کرد. که با اجرای طرح توسعه کارخانه، تولید آن در مرحله اول حدود ۷۰۰۰ تن و در مرحله بعدی تا ۱۲۰۰۰ تن ضمن آلومینوم در سال پیش بینی میشود. هم اکنون کارخانه با حدود یک سوم ظرفیت تولید اولیه یعنی تقریباً "۱۵۰۰۰ تن در سال" سس کارخانه آلومینوم در اراک بخاطر وجود کارخانه ماشین سازی اراک و حضور کارشناسان اتحاد شوروی در محل بوده است در غیر این صورت کارخانه کارخانه سالانه حمل و نقل مواد اولیه کارخانه تقریباً "۱۵۰/۰۰۰ تن در سال" از بندر امام خمینی تا اراک طرح ایجاد کارخانه را در اراک منفی و متلا در همان بندر امام خمینی و یا یکی از شهرهای استان خوزستان اجرا کرد.

کارخانه مزبور از نظر مواد اولیه و قطعات بدکی تقریباً صد درصد وابسته به کشورهای امپریالیستی و در رأس آنان آمریکا میباید. در ذیل شرح خلاصه ای از مواد اولیه مصرفی کارخانه و بخصوص نا؛ سس انرژی و بررسی امکان ادامه طرح توسعه کارخانه آلومینوم داده میشود. مواد اولیه کارخانه عبارتند از: بودر آلومینا، کک نفتی، کربولیت، قیر سبک، قیر سنگین، فلوریت، کاند و مصله صسی تماماً با قیمت گرانافزای خارج و از منابع وابسته به کمپانی رینولیز بین المللی وارد میگردد و سلسلاً در ایران تولید نمیشوند. طبق بررسیهای بعمل آمده مواد اولیه فوق علیرغم گرانافزای نزدیک نظیر هندوستان از دورترین نقاط (آمریکا، اروپا و استرالیا) با هزینه های برآورد بیشترنهایتاً منظور حفظ صنایع امپریالیسم و کمپانی رینولیز خریداری شده است که در زیر موضوع مورد بررسی و ارزیابی قرار میگیرد. ماده اصلی و اولیه تولید آلومینوم اکسید آلومینوم (Al<sub>2</sub>O<sub>3</sub>) با آلومین میباید. بودری است سفید رنگ که تماماً از کشورهای خارج وارد میشود و توسط کشتی به بندر امام خمینی حمل گشته و سپس از ذخیره شدن در سبدها توسط واکن های مخصوص به محل کارخانه حمل میگردد. مصرف سالانه آلومینا در حدود صد هزار تن در سال است که در صورت توسعه مصرف آن به حدود سصد هزار تن در سال بالغ میگردد. تا کنون این ماده را از شرکت (آلکوا) (ALCOA) در استرالیا خریداری کرده اند و قیمت تمام شده آن در کارخانه ۱۱ ریال برای هر کیلوگرم میباید.

کک نفتی؛ این ماده که صرفاً یک ماده نفتی است برای تولید بلوکهای آند بکار میرود. مصرف سالانه آن در حال حاضر ۲۴۰۰۰ تن میباید و در صورت توسعه کارخانه ۵۵۰۰۰ تن در سال خواهد بود ماده فوق از شرکت کانادایی تهیه میگردد و پس از حمل توسط کشتی در سبدهای سلولهای در بندر خمینی نگهداری و سپس بوسیله واکن های راه آهن به محل کارخانه حمل میگردد. قیمت تمام شده ماده فوق در کارخانه ۱۲ ریال برای هر کیلوگرم میباید. کک ریخته گری؛ ماده فوق بمنظور آسری دیکهای سالن های احیا بکار میرود. مصرف سالانه آن حدود ۴۵۰ تن و در صورت توسعه مصرف آن بالغ بر ۱۱۰۰ تن خواهد شد. ماده فوق از کشورهای انگلستان، آلمان و فرانسه و ژاپن تهیه و قیمت تمام شده آن هر کیلو ۳۵ ریال میباید.

قیر صنعتی؛ مصرف سالانه قیر صنعتی در حال حاضر (با تولید ۴۵۰۰۰ تن در سال) در حدود ۶۰۰۰ تن میباید که با طرح توسعه مصرف آن بالغ بر ۱۳۰۰۰ تن خواهد بود. ماده فوق از هلند وارد میشود. قیمت تمام شده هر کیلو ۱۵ ریال میباید.

کربولیت و آلومینوم فلوراید؛ مواد فوق در سالن های احیا بکار میرود. مصرف

کارخانه مزبور از نظر مواد اولیه و قطعات بدکی تقریباً صد درصد وابسته به کشورهای امپریالیستی و در رأس آنان آمریکا میباید. در ذیل شرح خلاصه ای از مواد اولیه مصرفی کارخانه و بخصوص نا؛ سس انرژی و بررسی امکان ادامه طرح توسعه کارخانه آلومینوم داده میشود. مواد اولیه کارخانه عبارتند از: بودر آلومینا، کک نفتی، کربولیت، قیر سبک، قیر سنگین، فلوریت، کاند و مصله صسی تماماً با قیمت گرانافزای خارج و از منابع وابسته به کمپانی رینولیز بین المللی وارد میگردد و سلسلاً در ایران تولید نمیشوند. طبق بررسیهای بعمل آمده مواد اولیه فوق علیرغم گرانافزای نزدیک نظیر هندوستان از دورترین نقاط (آمریکا، اروپا و استرالیا) با هزینه های برآورد بیشترنهایتاً منظور حفظ صنایع امپریالیسم و کمپانی رینولیز خریداری شده است که در زیر موضوع مورد بررسی و ارزیابی قرار میگیرد. ماده اصلی و اولیه تولید آلومینوم اکسید آلومینوم (Al<sub>2</sub>O<sub>3</sub>) با آلومین میباید. بودری است سفید رنگ که تماماً از کشورهای خارج وارد میشود و توسط کشتی به بندر امام خمینی حمل گشته و سپس از ذخیره شدن در سبدها توسط واکن های مخصوص به محل کارخانه حمل میگردد. مصرف سالانه آلومینا در حدود صد هزار تن در سال است که در صورت توسعه مصرف آن به حدود سصد هزار تن در سال بالغ میگردد. تا کنون این ماده را از شرکت (آلکوا) (ALCOA) در استرالیا خریداری کرده اند و قیمت تمام شده آن در کارخانه ۱۱ ریال برای هر کیلوگرم میباید.

کک نفتی؛ این ماده که صرفاً یک ماده نفتی است برای تولید بلوکهای آند بکار میرود. مصرف سالانه آن در حال حاضر ۲۴۰۰۰ تن میباید و در صورت توسعه کارخانه ۵۵۰۰۰ تن در سال خواهد بود ماده فوق از شرکت کانادایی تهیه میگردد و پس از حمل توسط کشتی در سبدهای سلولهای در بندر خمینی نگهداری و سپس بوسیله واکن های راه آهن به محل کارخانه حمل میگردد. قیمت تمام شده ماده فوق در کارخانه ۱۲ ریال برای هر کیلوگرم میباید. کک ریخته گری؛ ماده فوق بمنظور آسری دیکهای سالن های احیا بکار میرود. مصرف سالانه آن حدود ۴۵۰ تن و در صورت توسعه مصرف آن بالغ بر ۱۱۰۰ تن خواهد شد. ماده فوق از کشورهای انگلستان، آلمان و فرانسه و ژاپن تهیه و قیمت تمام شده آن هر کیلو ۳۵ ریال میباید.

قیر صنعتی؛ مصرف سالانه قیر صنعتی در حال حاضر (با تولید ۴۵۰۰۰ تن در سال) در حدود ۶۰۰۰ تن میباید که با طرح توسعه مصرف آن بالغ بر ۱۳۰۰۰ تن خواهد بود. ماده فوق از هلند وارد میشود. قیمت تمام شده هر کیلو ۱۵ ریال میباید.

کربولیت و آلومینوم فلوراید؛ مواد فوق در سالن های احیا بکار میرود. مصرف

## توطئه فنودالهارا افشامی کنیم

کنج سرمایه داران حاصل رنج زحمتکشان است. (علی علیه السلام)

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی خونبار ملت مسلمان ایران که با مشت های گره کرده محرومان و خون پاک مستضعفین برهبری امام خمینی حقی یافت انتظار صرفت که هر چه زودتر قوانین صد استثنای اقتصاد اسلامی رعایت گردد و بوزر استنارگران و فنودالها تحاکم یابد شود. ولی با انتخاب علی محمد ایزدی فنودال معروف استان فارس به مقام وزارت کشاورزی، مستکبرین، آبهایی که در غارت دستخبر مظلومان سابقه دراز و بد طولانی داشتند و در دوران انقلاب بدست منزوی شده بودند، بخود آیندند و مطمئن شدند که تسخیر صغی از آنان دفاع خواهند کرد. و ما محرومان بخاطر مصالح انقلاب تنها به اعتراض و نامه نویسی اکتفا کردیم. تا اینکه با تسخیر لانه جاسوسی بدست فرزندان رسید اسلام و پایان حکومت دولت موقت، فرزند برومند اسناد رضا اصفهانی به معاونت وزارت کشاورزی در امور زمین انتخاب شدند و تمام زمین زراذاران و زراذاران به حمایت رباکاران دست نگار شدند تا این چهره پاک را کنار ببرند و انقلاب را در همان راه قلبی بچران در آورند اما خدا باری کرد و نقشه آنان بر آب شد. در این میان گروههای دفاع انقلاب حربه مهمی را از دست دادند - دیگر نمی توانستند بگویند که انقلاب اسلامی به فنودالها امکان رشد می دهد و با اسلام حاشی مستکبرین و زمین داران است.

سبب این در نقاط مختلف ایران، بخصوص گنبد، دست به حرکت و توطئه زدند که تا شاید خود را از مرگ حتمی نجات دهند و براسی که اگر مقامات مسئول با سرمایه داران و زمین داران و ساواکها مبارزه نکنی گنبد و حربه را از دست صد اسلام و صد انقلاب اسلامی بگیرند و پایگاه داخلی امپریالیسم آمریکا را نابود نمایند. صبح پیروزی نزدیکتر خواهد بود و دیگر آنان نخواهند توانست تمام دفاع از کارگر و دهقان ملک را به آتش بکشند. این مسائل از طرفی مسئولیت رسالت هر مسلمان از سوی دیگر ما را ملزم به تشکیل شورای اسلامی بزرگتران سفر و حومه نمود تا بتوانیم با شکل اسلامی از حقوق حقه خود دفاع نمائیم. هم بوزر مستکبرین را خاک نمائیم و هم جلو توطئه عناصر فرصت طلب را بکتریم. بدینال تشکیل شورای اسلامی بزرگتران سفر و حومه هم اکنون اطلاع یافتیم که اینان به قم رفتنند تا ضمن ناسی با بعضی از مراجع بتوانند با وارونه جلوه دادن مسائل و استفاده از امکانات مالی و... خود، ما را از خط مبارزه بیرون کنند و بنام اسلام به استثمار خود ادامه دهند، اما آنها کور خوانده اند که ما از امامان علی (ع) آموخته ایم که:

- ۱ - فحشاء ایدیم لکنون لغیر افواهیم. (حاصل رنج زحمتکشان، برای سز کردن شکم دیگران نیست).
- ۲ - ما رایت نروءه موفوره الا و فی جانبها حق مضع" (کنج سرمایه داران حاصل رنج فقیران و مستضعفان است).
- اینجاست که ما قاطعانه در موضع اسلامی خود استاده ایم. مگرنا اینکه ما شهید دادیم و انقلاب کردیم تا رژیم استثمارگر پهلوی را نابود کنیم و کردیم. پس بدانند بزودی شما را هم نابود خواهیم کرد و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نمی کنیم.

به امید روزی که سلطه شیطان بزرگ امپریالیسم آمریکا را از سینه عزیز خود ایران و از همه جای زمین برکنیم و حکومت مستضعفین را بجای حکومت بر مستضعفین برقرار نمائیم.

درد بر امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران درد بر شهیدان اسلام مرگ بر آمریکا و پایگاههای داخلی او نابود باد توطئه استثمارگران بر علیه زحمتکشان

شورای اسلامی بزرگتران سفر و حومه

بازارهای جهانی است - علیهذا در فبال این طرح استعماری زبانی در حدود (۷۰۰ میلیون تومان از بدو تا سس) از صنایع خلق محروم بر او تحمیل گشته است و هیچ گونه کفکی در جهت تولید تکنولوژی و ایجاد یک صنعت غیر وابسته در خدمت منافع مردم انجام نگرفته است.

علت فوق ناسی از نفوذ امپریالیسم و اعمال سیاست های ضد خلقی بوده که منبوان کرای تهیه مواد خام، حیف و میل در حمل و نقل و ذخیره مواد در بندر امام خمینی و کارخانه، وابستگی شدید کارخانه به مواد تکنولوژی غربی و راندمان بسیار بد ماشین آلات کارخانه که اگر به مقدار مرفی مواد خام و مواد تولیدی و کیفیت تولید در این واحد و مقایسه آن با واحدهای مشابه غربی مراجعه شود موضوع روشی خواهد شد.

با توجه به مراتب فوق نا انجام بررسی های قاطع و انقلابی بمنظور رفع اشکالات و نارسایی های موجود در جهت مردمی کردن کارخانه موجود و تسخیر سیاست های گذشته، اجرای طرح توسعه کارخانه بخاروی است برحقوقی خلق مستضعف ایران و مسئولیت آن مستقیم خواهد بود. بنا سفاهه باید اذعان کرد در حدود یک سال و چند ماه که از پیروزی خلق سندیده ما میگذرد دست اندرکاران و سولین نشان داده اند که هیچ روی حاضر به دست کشیدن از سیاستهای غلط نسنند و مصرا "در اجرای طرح توسعه کارخانه آلومینوم بافشاری میکنند و بدون توجه به شرایط فعلی، بیت المال را در جاهی کوزیم گذشته در جهت منافع آمریکا حفر کرده بود فرومی بریزند و بنده میکنند. با شوراها کارگری و اداره کارخانه از طریق شورای سرپرستی سبز میکنند و با کمک امدادی و هممالکی هاستان در سازمان کسترش و وزارت صنایع و با بند وست کردن با دلالات کمیایی های امریکایی و اروپایی و شرکت های کشتی رانی هر چه بیشتر بسته به رسته اقتصاد این بررو بوم میروند. لازم به توضیح است که زبانه های ناسی از آلودگی هوا و تولید گازهای مسموم کننده و خطراتی که در جهت سلامت کارگران و هوای منطقه دارد خود احتیاج به بررسی جداگانه خواهد داشت و سیر مشکلات کارگران از نظر حقوقی و وضع شوراها کارخانه انشاء الله گزارش می ارسال خواهد شد.

با امید حاکمیت واقعی مردم بر سرنوشت خویش والسلام

## گزارشی از کارخانه هیکو

مستضعفین تعلق گرفت. این کارخانه در حدود ۲۷۰ نفر کارگر دارد، و تعمیرگاهش در کرج و دفتر مرکزی در تهران است. حداقل دستمزد در ماه در حدود ۱۹۰۰ تومان است. این کارخانه اکنون با ۵۰٪ تولید کار می کند و تولید آن ماشینهای سنگین است که قسمت عمده آنها از خارج از جمله از اینترنت شمال هاورستر آمریکا و لوازم اصلی لودر از آلمان و بلودوزر از آمریکا و غلظتک از ژاپن وارد می شود.

بعد از پیروزی انقلاب کارگران بر اثر آگاهی که در طول انقلاب بدست آورده بودند، در اولین وهله اقدام به تشکیل شورای نمودند. یکی از اعضا، شورا را به این صورت تعریف می کرد: "شورا باید مدافع خواسته های صغی و فرهنگی و سیاسی کارگران باشد". و با برداشت از همین تعریف معنی بود، که شورا باید در کارخانه اختیارات اجرایی کافی داشته باشد. این شورا در اولین اقدام خود، حقوق کسانی را که در سطح بالا مانند ۴۲۰۰۰ تومان بود به ۱۲۵۰۰ تومان تقلیل داد. این شورا بر اثر اعمال نفوذ آقای شرفیور مدیرعامل کارخانه و بعضی از ارگانهای دیگر مجبور به استعفا شد. و بعد شورای دیگری تشکیل شد که این شورا، یک شورای انقلابی و مستقل نبود. و وابسته به حزب و گروه خاصی بود و به همین دلیل از انجام کارهای انقلابی عاجز بود و بعد از آقای شرفیور این کارخانه به صورت هیئت - مدیره اداره میشود.

امپریالیستها برای اینکه بتوانند یک کشور را به زیر سلطه اقتصادی خود که سرآغازی است برای به زیر سلطه کشیدن تمام ابعاد فرهنگی و نظامی و سیاسی، همیشه از وجود صنایع مونتاژ به عنوان یک پایگاه عمده در کشورهای جهان سوم استفاده می کنند. ویژگیهای صنایع مونتاژ عبارتند از: ۱ - صدور سرمایه و جلوگیری از نروم در کشور مترویل (مادر)، ۲ - بهره برداری از نیروی انسانی ارزان، ۳ - داشتن بازارهای انحصاری این کشورها بعنوان جریهای برای استثمار و غارت ملت فقیر. بعد از انقلاب اسلامی از انتظار مبرفت با قاطعیت تمام این پایگاههای جهانخواران در ایران از بین برود، ولی از آنجا که دولت موقت و شورای انقلاب ماهیت انقلابی نداشتند، نندنها برای قطع این وابستگیها اقدامی نکردند، بلکه در جهت تثبیت آنها به سرمایه داران وام نیز می دادند و با سرمایه داران فراری نیز دعوت بعمل می آوردند که میتوانند به ایران بازگردند و به استثمار خود ادامه دهند. برای آگاهی بیشتر از این وابستگیها به گزارشی از چند کارخانه می پردازیم:

کارخانه هیکو در سال ۱۳۵۴ شمسی آغاز فعالیت تولیدی کرد. ۴۵٪ سهام این کارخانه متعلق به سازمان کسترش، ۱۰٪ متعلق به بنیاد پهلوی سابق و ۱۰٪ متعلق به بخش خصوصی که بیشترش مربوط به ستاور رضایی فراری بود. بعد از پیروزی انقلاب، ۵۵٪ آن به بنیاد

## لغومالکیت های فنودالی، خواست توده های دهقانی است



# حماسه نهر سلایمی \*

تد که روستائیان سرزمین آبا و اجدادی خود را رها کنند و برای امرار معاش به شهرها مهاجرت نمایند. در مدت کوتاه ۵ روستا از ۱۲ روستای منطقه بلگی از صفحه جغرافیا پاک شد. هفت روستای باقیمانده در نهایت فقر و تنهایی از طریق کشت دیم به زندگی در آن محل ادامه دادند. تا اینکه انقلاب رهایی بخش اسلامی ایران فرارسید و جهادسازی در امر امام ایجاد گردید تا به روستاها رفته و بر زخم های عمیق فلاحتن مرمم گذارد.

بعثت ضرورت های فوق جهاد سازندگی اهواز احیای نهر سلایمی را بعنوان اولین کار خود برگزید. وقتی گروه تحقیق جهاد سازندگی به منطقه نهر سلایمی عزیمت کرد، با مردمی مواجه شد بسیار رنج دیده و فقیر. برچهره های آنان تمام ستم های رژیم پهلوی نقش بسته بود. بیماریها، یوسنی و تراحم کودکان را چون گل های پژمرده بیابان ساخته بود. از جاده، برق، درمانگاه، مدرسه خبری نبود. وقتی که با کشاورزان درباره احیای نهر صحبت می شد با حسرت و نااموری به نهر خشکی که در کنار ده دهان گشوده بود، نگاهی کردند و خنده های تلخ بر لبان آنان نقش می بست. بزمردی که درباره انقلاب و جهاد با وی گفتگو می شد، گفت: "بزرگترین جهاد، جهاد کشاورزی است. پدران ما بیکار در برابر نجاوز قشون انگلیس جهاد کردند، ما به شهدای آن نبرد افتخار می کنیم اما کسانی که بخواهند این نهر را احیا کنند افتخارشان خیلی بیشتر است."

جهاد سازندگی بانی بودن هیچگونه امکانات، با وجود کار شکنی ادارات و تنها با نیروی ایمان جوانان به خواست دهقانان منطقه سلایمی جواب مثبت داده در یک روز گرم تابستان مردم ده سلمان - داوود با تعجب صداهای جوان را دیدند که در زیر آفتاب سوزان با بیل و کلنگ به کندن نهر مشغولند، مردم ده با تعجب به چهره تازه واردین نگاه می کردند و کودکان



کرده، با مردمی مواجه شد بسیار رنج دیده و فقیر. برچهره های آنان تمام ستم های رژیم پهلوی نقش بسته بود. بیماریها، یوسنی و تراحم کودکان را چون گل های پژمرده بیابان ساخته بود. از جاده، برق، درمانگاه، مدرسه خبری نبود. وقتی که با کشاورزان درباره احیای نهر صحبت می شد با حسرت و نااموری به نهر خشکی که در کنار ده دهان گشوده بود، نگاهی کردند و خنده های تلخ بر لبان آنان نقش می بست. بزمردی که درباره انقلاب و جهاد با وی گفتگو می شد، گفت: "بزرگترین جهاد، جهاد کشاورزی است. پدران ما بیکار در برابر نجاوز قشون انگلیس جهاد کردند، ما به شهدای آن نبرد افتخار می کنیم اما کسانی که بخواهند این نهر را احیا کنند افتخارشان خیلی بیشتر است."

جهاد سازندگی بانی بودن هیچگونه امکانات، با وجود کار شکنی ادارات و تنها با نیروی ایمان جوانان به خواست دهقانان منطقه سلایمی جواب مثبت داده در یک روز گرم تابستان مردم ده سلمان - داوود با تعجب صداهای جوان را دیدند که در زیر آفتاب سوزان با بیل و کلنگ به کندن نهر مشغولند، مردم ده با تعجب به چهره تازه واردین نگاه می کردند و کودکان

## بازهم توطئه جدید از طرف مالکین

مالکین و باشران ناتوانستند علیه کشاورزان و حرکت انقلابی آنها توطئه - جینی کردند. ناتوانستند در ارگان های دولتی نفوذ کردند و دست به دامن این آن شدند، اما بازهم در برابر حرکت اصلی کشاورزان عاجز ماندند، تا اینکه تازگی ها دست به فجیع ترین جنایت ها زدند از جمله ترور ناچوانمردانه یکی از کشاورزان مبارز و انقلابی به نام ابوالفضل زارع از روستای حین چقانی از بخش سیاستان مشهد میباشد. وی ۴ شنبه ۵۹/۲/۳۰ ساعت ۱۲ نیمه شب در حالیکه مشغول آبیاری کشتزار بود در تاریکی شب هدف گلوله های قرارمیکرد که سینه او را شگافته و مجروحش میسازد. او هم اکنون در بیمارستان مصدق بستری است. واز قرار اطلاع خوشبختانه حالتش رو به بهبودی است.

بنا به اظهار شخص مجروح و کشاورزان همراه او در مزرعه، مهاجمین ۳ نفر بودند. کشاورزان با اطمینان میگفتند که چون ما غیر از ارباب دشمنی دیگر نداریم حتماً یکی از سه نفر جعفر بکر خراسانی، پسر ارباب ده یعنی شاه رجب بیک خراسانی میباشد، چرا که قبلاً هم در روستای مزبور دست به تراندازی زده و تهدیدات زیادی نموده است. پرونده هایی هم در این زمینه دارد روستائیان این مسئله را توطئه دیگری می دانند که در نهایت نشان دهنده زبونی

## زمین متعلق به کشاورزان زحمتکش است نه مالکین بزرگ

بسمه تعالی  
حضور مبارک جناب آقای بنی صدر  
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

در مورد شکایات آقایان کشاورزان منطقه که در ظهر وره رقم رفته است. مطلب چنانست که بعضی رسید متأسفانه ارگانهای اجرائی و برادران پاسدار ما بر خلاف نظر جنابعالی و امام امت وره ای شورای انقلاب و دادستان کل دست به تقسیم زمینهای کشاورزی و باغات جای مردم منطقه زده و از این رهگذر اختلاف شدید در منطقه پدید آورده وضع کشاورزی را مختل کرده اند مستدعی است سریعاً اقدام مقتضی فرموده ارگانهای اجرائی را ملزم به احکام صادره از دادگاههای انقلاب و احکام شرع که مسئولیت این گونه کارها را بعهده دارند فرمائید و مسأله علی الرسول الالبلاغ و متم بخیر.

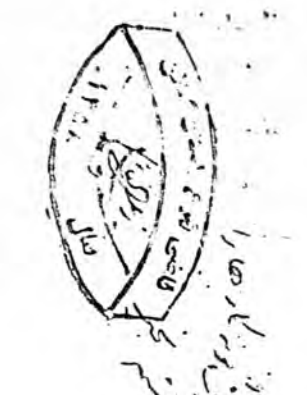
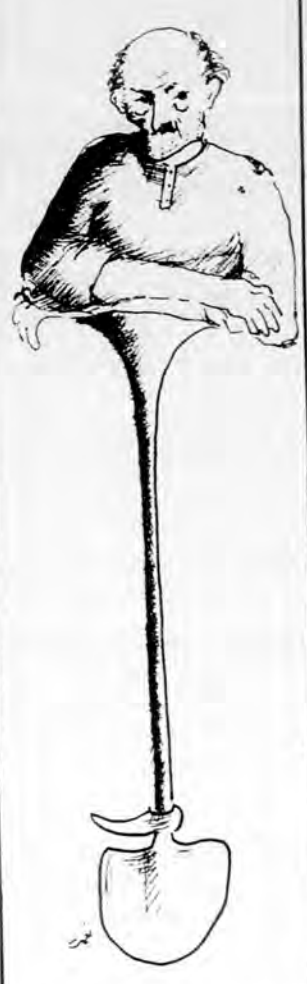
قاضی شرع استان گیلان  
زین العابدین قربانی

در شماره ۵۷ امت چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت گزارشی از توطئه های فتوادلها لاهیجان و مقاومت مردم و تلاش سپاه پاسداران برای تأمین منافع کشاورزان زحمتکش آن دیار بجای رسید.

بعد از چاپ گزارش این توهم ایجاد شد که گزارش توسط سپاه پاسداران لاهیجان در اختیار امت قرار گرفته است.

بدین وسیله ضمن تأکید کامل گزارش مذکور تأکید میکنم که این گزارش از مسیر دیگری در اختیار امت گذاشته شده نه سپاه پاسداران.

در تأیید گزارشی که هفته گذشته در امت بجای رسید اسناد و مدارک دیگری توسط برادران و خواهران مسئول و متعهد از لاهیجان بدستمان رسید که در حال حاضر به انتشار سند مخالفت قاضی شرع استان گیلان به تقسیم زمین توسط برادران سپاه پاسداران میان کشاورزان محروم و ستم دیده اقدامی ناعادلانه و در صورت ضرورت موضوع را تعقیب و بانتشار بقیه اسناد دست خواهیم زد.



بسمه تعالی  
جناب آقای بنی صدر  
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

مطلب چنانست که بعضی رسید متأسفانه ارگانهای اجرائی و برادران پاسدار ما بر خلاف نظر جنابعالی و امام امت وره ای شورای انقلاب و دادستان کل دست به تقسیم زمینهای کشاورزی و باغات جای مردم منطقه زده و از این رهگذر اختلاف شدید در منطقه پدید آورده وضع کشاورزی را مختل کرده اند مستدعی است سریعاً اقدام مقتضی فرموده ارگانهای اجرائی را ملزم به احکام صادره از دادگاههای انقلاب و احکام شرع که مسئولیت این گونه کارها را بعهده دارند فرمائید و مسأله علی الرسول الالبلاغ و متم بخیر.

قاضی شرع استان گیلان  
زین العابدین قربانی

## عملکردهای نادرست وزارت کشاورزی کی ادامه خواهد یافت ؟

اعلام اسامی ۹۴ ساواکی که از طرف دادسرای انقلاب اسلامی زاهدان انتشار یافت. نام مهندس رضائی که سمت معاونت استانداری یزد را بعهده داشت، در ردیف ۹ لیست منتشره دیده میشود.

نامبرده قبلاً در زاهدان سمت معاونت شهرداری زاهدان و مدتی هم عهده دار شهرداری زابل بوده است.

در حال حاضر تا روشن شدن پرونده ساواکی بودن وی از کار مهندس رضائی در استانداری جلوگیری شده است.

رژیم سابق از آب در می آیند. از گردانندگان دستگاههای اجرائی باید پرسید که با ادامه این گونه سیاستها و افزایش بدبینی توده چگونه قادرند به حاکمیت خود ادامه دهند؟

آیا بهتر نیست بجای تکیه بر تنگ نظریهای واپسگرایانه و برخورد های شکی به عناصر صادق و صالح تکیه کنند و دلسوزانه قصد خدمت به انقلاب و حرکت در خط ضد امپریالیستی امام را داشته باشند؟

یزد - خبرنگار انقلاب اسلامی : پس از

مهره های اصلی رژیم به بهانه حمایت از اسلام تا بالاترین رده های تصمیم گیری نفوذ می نمایند. وقتی لیبرالهای سازشکار و مرتجعین عناصری مانند آقای دانش منفرد استاندار فارس را تحمل نکرده و او را بچرم کنار نیامدن با فتوادلها و خوانین از کار برکنار میکنند، طبیعی است که ناچارند دست همکاری به عناصری بدهند که جز چاپلوسی و تملق و اظهار بندگی لیاقت دیگری ندارند. طبیعی است که اینگونه افراد نیز غالباً از مهره های اصلی

## اطلاعیه کانون اسلامی شوراهای کارگری استان فارس

یک سال و چند ماه از پیروزی مرحله های انقلاب اسلامی ایران می گذرد. برای پیروزی کامل انقلاب و رسیدن به جامعه توحیدی با توجه به رهنمودهای امام خمینی و پدر طالقانی لازم بوده است که دست سرمایه داران وابسته از صنایع و فتوادلها از زمینهای کشاورزی کوتاه گردد و سازشکاران از مراجع اجرائی خلع گردند و نظام شورایی بنیاده شود. متأسفانه این امر در همه استانها انجام نشد و اکنون نیز جامعه را با مشکلات فراوانی روبرو ساخته است. استان فارس از معدود استانهایی است که بعثت انتخاب آقای دانش منفرد به سمت استانداری آن توانسته است در این راه قدمهایی هر چند کوتاه بردارد. اما متأسفانه بعثت کارشناسی های سرمایه داران و فتوادلها منطقه با همدستی مسئولین امور در تهران و بنیاد مستضعفین در شیراز هم اکنون استاندار مجبور به استعفا شده است.

بیاد می آوریم که شوراهای کارگری استان با وجود اینکه هیچگاه از طرف مسئولین امور حمایت نشده اند، تنها با تکیه بر کارگرانی که آنها را انتخاب نمودند برای کوتاه کردن دست سرمایه داران وابسته تلاش نمودند تا گامی در راه تحقق اهداف انقلاب بردارند و همواره در این راه از پشتیبانی آقای دانش منفرد برخوردار بوده اند، که از جمله اداره کارخانه شیراز پلاستیک و شرکت شن و ماسه رانوی و ... بدست کارگران سپرده شده و از سرمایه داران آنها خلع ید شده است و بسیاری واحدهای دیگر از جمله کارخانه کاشی سرامیک حافظ، کارخانه ایران فایلا و شرکت ساختمانی زمینه و ... ملی اعلام شده اند. آقای دانش منفرد در زمینه کشاورزی و مبارزه با

کانون اسلامی شوراهای کارگری  
استان فارس  
۵۹/۲/۱۹

در طول هفته گذشته پس از انتشار ۹۴ تن از فعالین ساواک یزد از سوی دادستانی انقلاب، معلوم شد که مهندس رضائی معاون استانداری یزد که مدتها دستگاههای اجرائی استان را کنترل مینموده است از جمله افراد بسیار مهم این لیست است. این اولین با رنیست که معلوم میشود



# انقلاب فرهنگی - آموزشی زمینه و شرایط آن (۳)

● باید رشته‌های زائدی که در بازار امکان جذب آنها فراهم نیست و تنها به‌انگیزه تقلید از نظام آموزشی غربی ایجاد شده‌اند حذف و دانشجویان و دانش‌آموزان این رشته‌ها را در سایر رشته‌ها ادغام کرد.

اعتقاد دارد تربیت کند.

ج - این فلسفه موفقیت حیات و رابطه محصلان با کل حیات و مقصودهای جامعه (ونه فرد) را از ایجاد نظام آموزش باید مشخص نماید. بنابراین روند کلی نظام آموزشی باید بر مبنای خدمت به خلق برای رضای خالق و تکامل و تحول در شخصیت تنظیم شود.

۲) هدفهای نظام آموزش - این هدفها مجموعهای از قابلیت‌های معینی که باید به فرد منتقل شود را مشخص خواهد کرد. بنابراین بجای طرح اصول بدیهی که غالباً "جای هدف عرضه میشود باید مشخص کنیم" هر فرد آموزش‌گیرنده به چه قابلیت‌هایی نیازمند است تا بتواند فردی مثبت، مفید و بدرد بخور در جامعه بوده و راه خود را برای وصول به جامعه توحیدی بگشاید. سپس میتوان با توجه به نظرات علمی رشد مشخص کرد که درجه‌سی هر فرد قادر است این قابلیت‌ها را کسب و بشکل خلاق آنها را بکار گیرد.

۳) استراتژی و امکانات تحقق هدفها - در مرحله بعد باید سیستم برای تحقق این هدفها به چه نظامی احتیاج داریم و ویژگی نظام و معلمان و گردانندگان این نظام را معلوم داریم، تا بعد از آن بتوانیم برنامه مناسبی برای تربیت و باز آموزشی سریع معلمان و کارشناسان تدارک بسازیم. به عبارت بهتر باید شیوه‌های تحقق این

اسلامی را در علل تحریف همه ابعاد اسلام راستین باید جستجو کرد اما در مجموع میتوان گفت که بچند دلیل عمده این نظام بعد از حکومت صفویه بعقل اجتراز از پرداختن علما به مسائل اساسی جامعه ادامه اندیشه‌های صوفیانه ناشی از حلات معول، تنها به بررسی و مسائل فقهی (علم الادیان) پرداختند. مدرسه به محیط سرد و خشکی تبدیل شد که از علوم گوناگون طب و شیمی و ریاضی در آن خبری نبود عمده وقت افراد صرف مسائل جزئیتر و تکراری میشد. روحیه نوجویی بندرت از بین رفت و تکرار و تقلید جای آنرا گرفت. اگر چه در نظام آموزشی اسلامی علما بزرگ همیشه با نوده مردم تماس مستقیم داشتند و برخورد با آنان و حل و فصل مسائلمان را امری واجب می‌دانستند، اما نزدیک شدن آنان به دستگاههای حکومتی و قبول نقش وابستگی بین دربار و نوده برکار علمی و صراحت برخورد آنان تا نیر بسیار عمیقی گذاشت. از طرف دیگر اجتهاد دانشی در بهبود این نظام و متناسب نمودن آن با شرایط اجتماعی - سیاسی تحت تا نیر رکود اجتماعی کلی حاکم بر کشور بکلی متوقف گردید.

در دوران مشروطه که اندیشه تجدد خواهی و ایجاد یک نظام اروپایی نوین مطرح گردیده خود باختگی و بی برنامه‌های نظام آموزشی سنتی آنچنان افزایش یافت که اضمحلال آن قابل پیش بینی بود. در زمان حکومت رضاخان از بین بردن نظام سنتی همراه با فشار و برخورد حاد بود. در این برخورد آخرین بقایای نظام سنتی که مکتب خانه‌ها بود از بین رفت، اما حوزه‌های علمیه در برابر این تهاجم ایستاده و بهمین دلیل همه نوطه‌ها رژیم برای در هم کوبیدن این حوزه‌ها عملی نشد. اگرچه محتوای برنامه‌های آموزشی حوزه‌ها همچنان در رکود بود، اما بودن آنها نیز همیشه خارجشم رژیم بود.

بعد از پیروزی انقلاب همان نظام سابق آموزشی با حذف بخشهایی از کتابهای درسی کار خود را ادامه داد و از همان آغاز نیز معلوم بود که توان کشیدن دانش انتظارات بحق و اصولی نوده‌های دانش آموز و دانشجو را نخواهد داشت. در چنین وضعیتی که هر روز ضعف این نظام بحرانها را عمیقتر و جدی تر میکرد، حاصل کار هرروزه معلمان و تلاش عناصر صادق و آگاه به لحاظ محدودیت در برخورد با معضلات و مشکلات بهرز می‌رفت.

اکنون که به بن بست رسیدن نظام آموزشی کاملاً روشن شده است باید سرعت برداشتن در سوی دگرگون کردن یکپارچه آن کام برداشت. برای چنین مقصودی لازم است عناصر مکتبی و انقلابی بصورت یکپارچه مورد موارد مشروطه زیر که ارکان اصلی یک نظام آموزشی است، بر مبنای ملاکها و ارزشهای مکتبی به کار بپردازند.

۱) - تدوین فلسفه آموزشی - طبیعی است که این فلسفه از شناخت فلسفی کلی مانسبت به انقلاب سرچشمه گرفته و طبیعتاً روند کلی حرکت نظام آموزشی را معین میکند. بدون در دست داشتن این فلسفه حرکت در سوی تغییر، گنگ و کور خواهد بود. محورهای اساسی این فلسفه را میتوان شرح زیر خلاصه کرد.

الف) توجه به تکامل و تعالی انسان بعنوان "خلیفه الله فی ارضه" و مشخص کردن رسالت آموزش آنچنانکه فرد (پروسه) تحقق این رسالت نیز دارای اهمیت و اعتبار باشد.

ب) دستگاه آموزشی یک نهاد اجتماعی است و بنابراین فلسفه آن منبعت از نیازهای مشخص موجود است. در شرایط موجود به عناصری نیازمندیم که علاوه بر تخصص دارای دید کلی نگر بوده و بتوانند تخصص خود را در رابطه با حرکات این محل کار خود بکارگیرند. این تخصص نباید کور و بدون جهت ارائه شود، بلکه باید فرد را بصورت عنصری که درک شورایی داشته و به کار جمعی بر مبنای تقسیم کار

نیازمندیهای محرومترین طبقات و تحقق خودکفایی بعنوان مهمترین حربه مبارزه ضد امپریالیستی تلقی کنیم. با این تلقی باید بدانیم که کسب علم و تجربه تنها در حوزه عمل و تجرد و فرموله کردن تجربیات عینی امکان پذیر است. با این توصیف برای بازسازی نظام آموزشی لازم است موارد زیر را بطور مشخص مد نظر قرار دهیم:

الف) برای توجه به نیازها از آموزش و پرورش متمرکز برهیز نموده و آموزش و پرورش را از دبستان تا عالیترین دوره منطقتی کنیم. این سیاست بنا امکان میدهد که برنامه آموزشی و درسی را با توجه به نیازهای منطقه، شکل جغرافیائی زبان و آداب و رسوم حلقهای مناطق ایران بی - رزی بنامیم. رسالت این برنامه ریزی - بعهده شورایی از مکتبی ترین نیروهای دانش آموزی، دانش جویی و اساتدان و معلمان و برنامه ریزان خواهد بود. این شورا باید نیازهای هر منطقه را تهیه نموده و سپس به معرض قضاوت عام قرار دهد. این برنامه وقتی امکان پذیر است که اطلاعات کلی از برنامه‌های سولسودی (اقتصادی، کشاورزی و عمرانی) در دست باشد، تا بعد از آن برآورد نیازها امکان پذیر شود. این شورا باید برنامه ریزی آموزشی را با توجه به اصول دیگری که در زیر شرح داده خواهد شد، براساس برنامه‌های زمان بندی شده تنظیم نماید.

ب) باید رشته‌های زائدی که در بازار امکان جذب آنها فراهم نیست و تنها به‌انگیزه تقلید از نظام آموزشی غربی ایجاد شده‌اند حذف و دانشجویان و دانش‌آموزان این رشته‌ها را با آموزش کوتاه مدت در سایر رشته‌ها ادغام کرد. برای برنامه ریزی رشته‌های جدید لازم است پس از آموزش ابتدائی که شامل سادگیری زبان مادری (ونه الزاما فارسی)، زبان و ادبیات فارسی، اطلاعات عمومی از جامعه شناسی و تاریخ جهان و اطلاعات عمومی از علوم است، بسرعت به آموزش فنی و کشاورزی و خدمات پرداخت. دوره‌های اولیه دبیرستان را باید بر مبنای کار بدی و مختصر در مزارع و کارگاهها و بخشهای خدمات برنامه ریزی کرد و در

ضمن دوره و بتدرج بر حجم دروس روانشناسی جامعه شناسی ایران و زبان و ادبیات عربی و انگلیسی و شناخت محیط کار و تولید افزوده شود. برای تحقق این مقصد ایجاد کارگاههای بسیار بزرگ که همه مدارس شهر بتوانند بنویت از آن استفاده کنند (بجای کارگاهها و آزمایشگاههای کوچک) ضروری است. ایجاد کارگاههای بزرگ در مناطق بین چند روستا و شهرک که بتوان با تویوس از آنها استفاده کرد ضروری است. در این کارگاهها دانش آموزان میتوانند حاصل کارهای خود را در زمینه خیاطی، کلدوزی و صنایع بافتنی (برای دختران) و صنایع فلزی و چوبی از قبیل ساختن میز، صندلی، و سایر ابزار ساده‌خانگی (برای پسران) به معرض فروش بگذارند. بخشی از امور خدماتی کلیه شهرها از قبیل رفتگری، نظافت، اسور پستی و غیره را نیز باید بدست دانش آموزان سپرد و ارزیابی از کار آنان را بعنوان بخشی از نمرات درسی پذیرفت.

دینتربیت هم از نیروی خلاق نوجوانان استفاده میشود و هم آنان با داشتن درک درست از جامعه و مسائل آن (که اساساً با کمک مشاوران و معلمان با تجربه راهنما همواره فرموله میشوند) قادرند برای انتخاب شغل آینده خود به قضاوت بنشینند. در سایه این برنامه و حرکات دستجمعی مانند نماز جماعت، گوه نوردی و راهپیمایی گسه باید بعنوان جزئی از درس برنامه ریزی شود، خودسازی بمعنی کسب تجربه مشترک برای شناخت خویش و بهره گیری از استعدادها و خلاقیتها که مجال بروزی یابند حاصل میشود.

در دوره دوم دبیرستان افراد به چهار رشته فنی، کشاورزی، علوم، و علوم انسانی هدایت و اصول کلی این علوم را آموخته و هر کدام در مدت تابستان در بخشهایی از جامعه بکار می‌پردازند. در این دوره است که روی تخصصهای متوسط تا کبد خواهد شد و با ارائه کار عملی و هدایت کا تحقیقی روحیه یافتن در فرد پیدا خواهد شد. دوره‌های نظام را باید در ساعات درس و مراحل عملی آنرا باید در تعطیلات تابستان گنجانند تا عملاً تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی پیشنهادی امام خمینی امکان پذیر گردد.

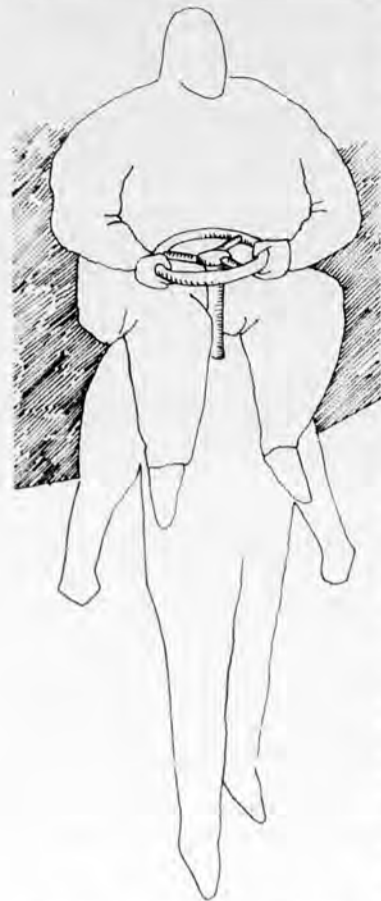
طبیعی است که اداره بسیاری از امور

## ● طبیعی است که اداره بسیاری از امور مدارس را بساید بعهده دانش آموزان گذاشت تا شیوه‌های مدیریت و سازماندهی را بیاموزند، این دوره‌ها را باید طوری طراحی کرد که افراد بتوانند با دیدن دوره‌های کوتاه مدت در محلهای گوناگون بکار مشغول شوند

طبیعی است که اداره بسیاری از امور مدارس را بساید بعهده دانش آموزان گذاشت تا شیوه‌های مدیریت و سازماندهی را بیاموزند، این دوره‌ها را باید طوری طراحی کرد که افراد بتوانند با دیدن دوره‌های کوتاه مدت در محلهای گوناگون بکار مشغول شوند

طبیعی است که اداره بسیاری از امور مدارس را بساید بعهده دانش آموزان گذاشت تا شیوه‌های مدیریت و سازماندهی را بیاموزند، این دوره‌ها را باید طوری طراحی کرد که افراد بتوانند با دیدن دوره‌های کوتاه مدت در محلهای گوناگون بکار مشغول شوند

طبیعی است که اداره بسیاری از امور مدارس را بساید بعهده دانش آموزان گذاشت تا شیوه‌های مدیریت و سازماندهی را بیاموزند، این دوره‌ها را باید طوری طراحی کرد که افراد بتوانند با دیدن دوره‌های کوتاه مدت در محلهای گوناگون بکار مشغول شوند



مرازی بیشتری دانسته از حمله امکان اخذ مدارک بالاتر تحصیلی را امکان پذیر میکند.

با تکیه بر این نظام یعنی ادغام آن در زندگی و کار روزمره است که امکان رشد ملی از یکسو فراهم میشود و از سوی دیگر خلاقیتها بروز و فرهنگ مجال گسترش می‌یابد. طبیعی است که موسسات تحصیفی بطور دائم با بهره گیری از کار افراد نسبت به بهبود زندگی بوده‌ها و استخراج شیوه‌های جدید تولید و دادن خوراک فکری به مردم تلاش میکنند.

ادامه دارد

بقیه از صفحه ۹

## تحلیلی بر کنفرانس پاکستان

اعمال اسرائیل اظهار نگر شده بود - شاه با تصویب این قطعنامه‌ها توجیه بسیار منطقی برای عدم حمایت عملی خود از فلسطین ارائه میکرد.

۱ - توجیهات برای خط مشی شاه در قبال انقلاب فلسطین (عدم حمایت عملی از آن) از دو جنبه برای شاه اهمیت داشت. - فریب افکار عمومی داخل ایران. زیرا مردم ایران تضاد شدیدی با اسرائیل داشتند و با اعراب بخصوص فلسطینی‌ها نیز بیوندهای مشترک فراوانی داشتند. از این جهت شاه ناچار به ارائه توجیهات بود.

۲ - توجیه سیاست خود در قبال کشورهای عربی و اینکه چرا از آنها حمایت فعال و همه جانبه در برابر اسرائیل نمیکند. کنفرانس وسیله خوبی بود که شاه در ضمن حمایت فعال و شدید از اسرائیل خود را در جبهه کشورهای عربی و علیه اسرائیل قلمداد نماید. وقتی گاهی نیز حملاتی به اسرائیل در ظاهر مینمود. و بدین طریق هم اسرائیل را حمایت کرده بود و هم افکار عمومی داخل کشور و نیز کشورهای عربی را علیه خودتحریک نموده بود. بهمین خاطر شاه اهمیت فراوانی برای برگزاری این کنفرانس قائل بود و میتوان او را یکی از بنیانگذاران اصلی کنفرانس باصلاح اسلامی دانست. حتی شاه شخصاً در اولین گرد هم آرتی کنفرانس در رباط پایتخت مراکش نیز شرکت کرد و خیلی فعال کنفرانس را هدایت نمود و خود نیز با اقداماتی اهداف کنفرانس را جامه عمل پوشاند. یکی از کارهای شاه در آن کنفرانس که قبلاً گفته شد تقبل خرج تعمیر مسجدالاقصی بود تا بدینوسیله هم به اهداف خود نائل شود و هم آثار جرم اسرائیل غاصب و امریکای جنایتکار را از بین ببرد.

ادامه دارد

تمام مسائلی که در کنفرانس مورد بررسی قرار میگرفت موضع محکوم کردن با روش سلامت آمیز داشت. در حقیقت کنفرانس را میتوان یک آرام بخش دانست که بطور مداوم به منظور تزریق وی با این وسیله از بروز و ظهور حرکات اصل جلوگیری میشد - بهیترین نتیجه این آرام بخش را امپریالیسم امریکا میدرد چرا که وی برای تا مین منافع اقتصادی و استراتژیک خود در منطقه احتیاج به ثبات منطقه داشت البته ثباتی که به نفع وی باشد نه ثباتی که در جهت بلوک شرق.

بررسی گردهمآیی‌های اولیه کنفرانس نقش فعال رژیم هائی چون رژیم شاه را از بنیانگذاری آن نشان میدهد شاه که حامی اسرائیل و بزرگترین عامل پشتیبان اسرائیل در منطقه بود - نمیتوانست علناً "خود را در جبهه مخالف فلسطینیان و با بطور کلی اعراب قرار دهد. زیرا کشورهای عربی از اسرائیل بعنوان دشمنی اسلامی انتظارات و توقعات زیادی داشتند بخصوص که ایران از جنبه‌های مختلف نیروی برتری در منطقه بود چه از لحاظ نظامی و چه از لحاظ منابع طبیعی چون نفت و چهار نظر سوق الجیشی و استراتژیک. شاه که نمیتوانست کتبی به اعراب بکند و در عین حال بعنوان دشمنی اسرائیلی نمیتوانست در برابر آن علناً از اسرائیل حمایت کند از این جهت سخت به دنبال توجیهی بظاهر منطقی برای حمایت منفعلانه خود در قبال حمایت از انقلاب فلسطین میگشت. کنفرانس اسلامی امریکائی بهترین وسیله‌ای بود برای این توجیه - زیرا آن کنفرانس در ضمن شعار دادن (تا زه آنهم بصورتی که گفته شد) هیچگونه تضمین اجرایی نمآورد. و در عین حال در تمام قطعنامه‌های کنفرانس‌ها از انقلاب فلسطین حمایت و از





# آمریکا از نمایلات سازشکارانه لیبراهی منتسب به امام تکان خورد

به دولت کارتر خدمت می‌کند (۴)  
آمریکا تصمیم دارد در حدود امکانات  
بین نخست‌وزیر بخسار و آیت‌الله خمینی  
بوعی تفاهم بوجود آورد. . . در واشنگتن  
گفته می‌شود که حضور شاه در آمریکا در  
روزهای حساس آینده در واقع می‌توانست  
حضور رهبران مذهبی ایران را نسبت به  
آمریکا تسدید کند.

۵۷/۱۱/۴ کیهان  
بازرگان: در مورد مسائل مربوط به  
آینده مذاکرات غیررسمی و دوسانه بین  
دولت بختیار و شخصیت‌های جناح مخالف  
که می‌توانند بالقوه از اعضای شورای  
انقلاب (۴) باشند، صورت گرفته است.  
بازرگان: ارتش دست بدین خطر  
(کودتا) نخواهد زد. پس از رفتن شاه و  
قولیهائی که امرای ارتش بویژه ارتشبد  
فره‌باغی داده‌اند، می‌توان گفت که ارتش  
قصد کودتا ندارد و فرماندهان آن ارتش را  
جزئی از پلست و در کنار آن می‌داند. اما  
بهرحال جواب دقیق این سوال را آینده  
می‌دهد. در مورد بختیار باید بگویم که من  
او را از ۲۴ سال پیش می‌شناسم و با هم در  
بعضت مقاومت و جبهه ملی همکاری داشته‌ام  
او بر دی وطن پرست، بسیار منطقی و دارای  
نسخه‌ی درست است. با آشنائی که از  
سوابق او دارم قاعدتاً باید خود را در  
اختیار انقلاب بگذارد و استعفا کند مگر  
اینکه در این اواخر شخصیت او عوض شده  
باشد.

۶۰/۰۰ شهید انقلاب اسلامی در  
سراسر ایران جاری بود و لیبراهی‌سازشکار  
از قولیهائی که ارتشبد فراری خائن فره‌باغی  
مداد و از وطن پرستی و منطق بختیار  
خائن سخن می‌گفتند.  
بعد از تصرف جاسوخانه آمریکا در  
ایران بسیاری از لیبراهی‌سازشکار که در  
تهیه و مدارک طرح سازش با آمریکا سهیم  
بودند افشا شدند و از آن پس امیرانظام و  
نیز به مقدم مراعاتی و . . . بجز بختیار  
پیوستند. اینکه در آینده چه کسان دیگری  
از سازشکاران با آنها خواهند پیوست باید  
منتظر بود.  
سازشکاران آنچنان شفته مذاکره و  
مصالحه و سازش با آمریکا شده بودند که  
حتی محافل آمریکائی هم در شگفت  
بودند. آسوشیندیرس در گزارشی از  
واشنگتن در تاریخ ۵۷/۱۰/۳۰ باین مسئله  
اشاره کرده و می‌نویسد:  
مقام‌های آمریکائی اعلام کردند که

تاکنیک بویژه برای نجات ارتش از  
اضحلال و جلوگیری از درهم پاشیده شدن  
سرازمه آن در برخوردی سست با نیروی  
انقلابی خلق بود و این تاکنیک بویژه برای  
نجات سستی بود که امیرالایسم مدت ۲۵  
سال برای شکل دادن آن تلاش کرده بود و  
خطر نابودی آنرا با مسلح شدن خلق و  
درگیری رودرروئی با آن سسسم آمریکائی  
بحوبی درک کرده بود. بنا به این طرح باب  
مذاکره بین جناح‌های لیبرال و سازشکار از  
سروهای مخالف با مایورن سفارت آمریکا و  
بویژه هوپرز گسوده سد (ارس - بازرگان -  
سفارت - جناح لیبرال مذهبی - هوپرز) .  
امیرالایسم این بار از مرغ نوبان ،  
شاهپورخان بخسار از رهبران بسیار بسیار  
ملی، جنبه ملی که پس از سالن دراز در  
پس گرفتن سیاست صبر و انتظار وارد  
مدان شده بود، مایوس و قطع امید می‌کند  
و کویا زمان ظاهر شدن ریزی کلارک \* در  
صحنه فرا می‌رسد. برای روشن شدن بهتر  
این طرح به خبرهای زیر دقت شود:

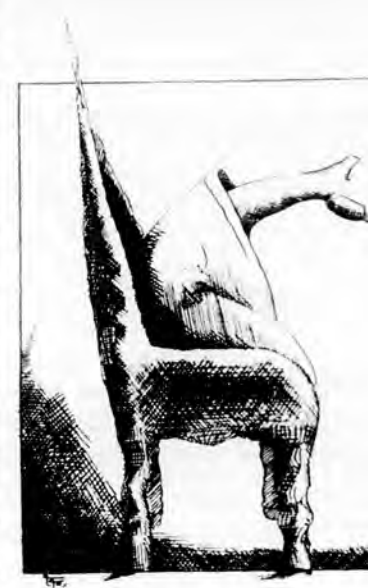
۵۷/۱۰/۳۰ کیهان - تهران آسوشیندیرس  
رزمی کلارک (عضو حزب دموکرات) و  
دادستان پیشین آمریکا در تهران گفت:  
دولت بختیار شانس موفقیت ندارد و آمریکا  
باید با آیت‌الله خمینی تماس برقرار کند.  
گرچه این دیدارها غیررسمی بوده است اما  
کلارک هم مانند کارتر عضو حزب دموکرات  
است و گفته می‌شود پیش از ورود به تهران  
با مقام‌های بلند پایه وزارت خارجه آمریکا  
گفتگو کرده است و پس از بازگشت نیز  
مذاکراتی با آنها خواهد داشت و در سراسر  
تهران به واشنگتن در پاریس با آیت‌الله  
خمینی نیز دیدار خواهد کرد. وی گفت من  
به مقام‌های آمریکائی توصیه خواهم کرد با  
آیت‌الله خمینی تماس بگیرند و از تزلزل  
دولت بختیار آگاه باشند و به نظامیان  
خویشنداری را توصیه کنند (۴)  
در حالیکه اصام هرگونه مذاکره و  
مصالحه و سازش را بسندت محکوم می‌کند،  
در تهران لیبراهی‌سازشکار با امام با  
زیرالهای آمریکائی ارتش شاه مانند  
فره‌باغی و زرنال هوپرز و سقر آمریکا  
بمذاکرات سازش نشستند و شاهپورخان  
عزیزشان هم از محتوی مذاکرات کاملاً  
اطلاع داشت.

۵۷/۱۰/۳۰ کیهان به نقل از خبرگزاری  
فرانسه - تهران  
منابع نزدیک به دولت ایران تاکنید  
کردند که بین نمایندگان حضرت آیت‌الله  
خمینی و دولت شاهپور بخسار و مسئولان  
ارتش (!) مذاکراتی انجام شده است.  
هدف این مذاکرات تلاش برای تهیه یک  
طرح و برنامه سیاسی است که برای هر سه  
طرف قابل قبول باشد.  
۵۷/۱۱/۲ کیهان به نقل از نیویورک تایمز نوشت  
نمایندگان ارتش و رهبران مذهبی به  
مذاکره مجرمانه پرداختند.  
رادیو گلن: طبق گزارش نیویورک تایمز  
بختیار نخست‌وزیر ایران که در این  
مذاکرات شرکت ندارد بطور کامل از جریان  
این گفتگوها آگاه می‌شود.  
مهدی بازرگان یکی از نزدیکان آیت -  
الله خمینی رهبری مذاکرات را برعهده  
دارد.

۵۷/۱۱/۱ کیهان به نقل از خبرگزاری  
فرانسه - تهران  
مهدی بازرگان که اغلب بعنوان  
نخست‌وزیر آینده دولت موقت از او نام  
می‌برند، گفت (در مصاحبه با صدای آمریکا)  
جمهوری اسلامی ایران ممکن است تا دوسه  
هفته دیگر در ایران تشکیل شود. وی گفت  
توافقی ضمنی بین رهبران مذهبی و شاهپور  
بختیار وجود دارد که بموجب آن بختیار  
پس از تشکیل دولت موقت اسلامی کناره -  
گیری کند. به گفته وی وظیفه دولت موقت  
که در چند روز آینده تشکیل می‌شود، از  
جمله مذاکره با افسران ارتش برای جلب  
حمایت آنها از جمهوری تازه است. . . . .  
(به تاریخ آن دقت شود)

۵۷/۱۱/۴ کیهان به نقل از آسوشیندیرس  
مصاحبه اردشیر زاهدی با روزنامه  
نیویورک تایمز  
زاهدی گفت: برغم نشانه‌های رسمی  
در استقبال از شاه در آمریکا دولت این  
کشور نمی‌خواهد که شاه به آمریکا برود (؟)  
ناظران در واشنگتن عقیده دارند که  
شاه با فسخ عزیمت به آمریکا آنهم سه روز  
مانده به بازگشت آیت‌الله خمینی به ایران

تود با رژیم سلطنتی جای خود را به  
جمهوری بدهد. مسروپ بر آنکه انتخابات  
صحیح برای تشکیل یک پارلمان صورت  
گیرد. بختیار تا آنجا پیش رفت که گفت:  
هرچه خمینی می‌خواهد من هم می‌خواهم  
آزادی زندانیان سیاسی، خروج شاه بدون  
واغده و حادثه‌های مهم، محاکمه مسئولان  
گذشته، آزادی مطبوعات و . . . او دیگر چه  
می‌خواهد؟  
بخسار با توصیه زرنال هوپرز در بی  
شکل شورای ثابت سلطنت بود و در این  
مورد هدفهای زیر را تعقیب می‌نمود:  
۱- راضی نگه داشتن سران ارتش جناح  
طرفدار شاه و دادن این اطمینان به آنها که  
سفر شاه یک سفر موقتی و تفریحی است،  
سایرین بدین وسیله از حرکت‌های  
خود بخودی نظامی مانند کودتا جلوگیری  
نمکن می‌آید.  
۲- راضی نمودن شاه به ترک ایران و  
امیدوار کردن وی در بدست آوردن ناج و  
نخت در اثر فعالیت‌های بعدی سا.  
۳- خاموش ساختن احساسات ضدشاه  
در ایران که روز بروز اوج می‌گرفت.  
شاه برای حصول اطمینان از اینکه در



آینده به کشور بر می‌گردد بعد از اوسه  
سپهبد بدرهای را بعنوان فرمانده نیروی  
زمینی انتخاب می‌کند، بدرهای نیز همانند  
اوسه شدیداً به شاه وفادار بود. و  
همچنین فرمانداری نظامی تهران را به  
دست یکی از نزدیکترین افراد ارتش خود  
می‌سپرد (رحیمی). قابل توجه است که  
رحیمی حتی بعد از دستگیری اصرار می‌کند  
که مردم باید امشب مقررات عبور و مرور را  
حفظ کنند و حتی هنگام نبرهان شدن نیز  
از حمایت از شاه دست برنداشت.  
روز ۲۶ دی ماه ۵۷ شاه از ایران فرار  
کرد و به مصر رفت و امام تاکنید زبانه  
نیدیرفن بخسار و وزرای او در وزارتخانه‌ها  
نمودند و از پاریس دولت وی را نیز غیر -  
قانونی اعلام کردند و در مقابل ملت ایران  
نیز که چشم به دهان رهبر انقلاب دوخته  
بود، اعتصابات و تظاهرات خود را ادامه  
داد.

از طرف دیگر پیام‌های کوبنده امام به  
سربازان و افسران و درجه‌داران مبنی بر  
ترک پادگانها باعث شد که هر روز تعداد  
بیشتری از برادران سرباز از سربازخانه‌ها  
فرار کنند. در ضمن واقعه غرور آفرین  
لوپزان نیز به سربازان روحیه‌ای قوی  
بخشیده بود.  
آمار رسمی نشان می‌دهد که در طول  
انقلاب حدود ۲۰ هزار نفر از سربازان از  
مجموع ۴۰۰ هزار نفری ارتش ایران از  
پادگانها فرار کرده بودند و متأسفانه بعد از  
انقلاب این عده که عمدهٔ وفاداری  
خودشان را نسبت به انقلاب و خلق ایران  
نشان داده بودند، تمام و کمال بعنوان  
جایزه از انجام بقیه خدمت معاف شدند! (؟)  
در این لحظه که آمریکا در بن بست  
عجیبی گرفتار آمده بود، طرح دیگری را به  
مورد اجرا درآورد. این طرح را برزیسکی  
مشاور امنیتی کارتر پیشنهاد کرده بود.  
در این طرح به ارتش و حفظ ساخت  
امپریالیستی آن بیشتر از بقیه نهادهای  
وابسته توجه می‌شد و این در حقیقت

بعد از شکست طرح‌های سرکوب همه -  
خانه خلق، بالاخره سرمایه‌داران  
جهانخواه آمریکا تصمیم به سازش با  
جناح‌های لیبرال را در دستور کار خود قرار  
دادند و منطق سارویونس را بیدرفتند.  
او می‌گفت: "همانطور که جریان آب را  
نمی‌توان موقوف کرد ما هم نمی‌توانیم نحول  
و تعبیر در جهان سوم را موقوف کنیم.  
هنگامیکه ما تعبیرات دموکراتیک و عدالت  
اقتصادی و اجتماعی را در جهان سوم  
ترغیب می‌کنیم. در واقع سناغ دراز -  
بندمان را در نظر می‌گیریم و نامش می‌کنیم  
پس به مصلحت ما است که پس از گسستن  
پیوندهای دیرین ما با حکومت‌های فاسد از  
حولات سازنده و راه‌حل‌های عرافراطی!!  
در جهان سوم حسابت کنیم. استفاده از  
نیروی نظامی سیاست مطلوبی برای ما نیست



و بناید آنرا بکار بست. " بله ونس خوبی  
در اثر کسب تجربه از سازشات خلق‌های  
نخت ستم، از این اصل آگاه است که  
جناحی که می‌تواند از نهادهای امپریالیستی  
در کشور محافظت کند و باعث تحکیم و  
ثبیت دوباره آنها گردد همان نیروهای  
لیبرال و سازشکار می‌باشند (اسولوا)  
سازشکاری در نهاد این نیروها نهفته  
بختیار که نسبت به دیگران سرسپرده‌تر و  
سازشکارتر است حمایت و پشتیبانی میکند.  
آمریکا قصد داشت برای حفظ منافع  
خود از بختیار حتی بعنوان ریاست‌جمهور  
ایران نیز حمایت کند. بختیار با کنجاندن  
بعضی از خواسته‌های مرحله‌ای مردم در  
برنامه دولت خود و نشستن در زیر عکس  
دکتر مصدق در بی کسب وجهه ملی بود از  
جمله: آزادی کلیه زندانیان سیاسی،  
انحلال ساواک و قطع صدور نفت با اسرائیل  
و آفریقای جنوبی. بختیار در مصاحبه با  
بی. بی. سی در بی ترسیم چهره مستقل و  
نیرومندی از خود برآمده و گفت: شاه  
بزودی کشور را ترک و در غیاب وی شورای  
ثابت سلطنت تشکیل خواهد شد. وی گفت  
محاکمه وزرا، تا ۱۰ روز دیگر آغاز می‌شود و  
حتی گفته می‌شود رای اعدام برای بعضی  
صادر می‌شود (اظهار نظر بی. بی. سی)  
او گفت دولت وی در نظر دارد هر چه  
زودتر به حکومت نظامی پایان دهد و از  
امروز صبح مقررات حکومت نظامی در شهر  
شیراز برچیده خواهد شد.

بختیار با الهام گرفتن از توطئه‌هایی  
که سیا تدارک می‌دید و با همکاری با  
لازشکاران همپالگی خود در صد بود  
توافق امام خمینی را هم جلب نماید. در  
این مورد چنین می‌گفت: با آیت‌الله  
خمینی تماس خواهم گرفت و نامه‌ای با بیک  
خصوصی بیاریم فرستاده خواهد شد.  
محتویات این نامه تا دو روز دیگر افشا  
خواهد شد. هم‌چنین در جلسه مجلس گفت  
حاضر است در قانون اساسی تغییری داده



آیت‌الله خمینی علیرغم مخالفت آشکار با  
دولت بختیار به هوادارانش در تهران  
دستور داده است با دولت بختیار و سایر  
رهبران سیاسی در مورد حل و فصل  
درازدت قضیه مشورت کنند. این مقامات  
گفتند از گرایش مبتنی بر آشتی یاران  
آیت‌الله خمینی در تهران و مذاکره با  
نمایندگان آمریکائی تکان خورده‌اند!!!!  
لازم به تذکر است که امام هرگز چنین  
دستوری نداده بودند و این سازشکاران  
بودند که علیرغم تمام امام، آمریکائی را  
بوجد و سرور آوردند.

\* - رزمی کلارک که از جناح کموتران  
سرمایه دار جهانخواه است با تدارک یکی  
از همراهان امام در پاریس همراه با دون  
لوک و ریچارد فالک به ملاقات امام رفت  
و همان کسی است که پس از تصرف لانه  
جاسوسی آمریکاکارتر او را برای مذاکره با  
امام رهسپار ایران ساخت و امام با قاطعیت  
اورا نیدیرفت.

بقعه از صفحه ۲

## ریشه‌های بحران و . . .

پیشنهادی متعکس در امت شماره ۵۷ و در  
چهار چوب طرح سراسری شوراها ایالات  
خاتمه داده شود زیرا علیرغم اینکه موسولین  
و مقامات دولتی در گذشته حال با سیاست  
ضعیف ولبرالی خود و گروه‌های درگیر با  
چپ روی ها و فرصت طلبی ها در تشدید  
بحران دارند خواسته‌های مردم گردستان  
برحق است و در این جنگ‌نفر انگیز این  
توده‌های کرد و برادران شجاع و جان برکف  
سرباز و پاسدار واقسرنه که قربانی میشوند  
نه کسانی که مسئول ایجاد بحران هستند و  
ادامه جنگ جز آنکه زخمهای عمیق مردم  
کرد را چرکین و مزمن سازد حاصل مهمی  
نیارند.

۷- معتقدیم که یک دولت قوی و پایبند  
به ضوابط مکتبی و متکی به توده ها و نسل  
جوان و مبارز و مسلمان اگر از اعتماد  
و حمایت رهبر انقلاب برخوردار باشند،  
می‌توانند با بسیج قوری مردم بر عمده  
مشکلات اساسی کنونی فائق آید.

در برابر ابراهیم تیره‌ای که آسمان انقلاب  
را فرا گرفته است هوشیاری و بیداری  
توده ها چنانکه بارها امام بدان اشاره  
کرده‌اند ایمان قوی که به هدفهای خود  
دارند و ظرفیتی که در مقاومت و شهید  
پروری و فداکاری از خود بروز داده‌اند  
و نیز احساس مسئولیت انقلابی در نسل  
جوان و متعدد و مکتبی مادر هر گروه  
و سازمان یا خارج از آن نقطه‌های روشن و  
امیدبخش انقلاب بحساب می‌آیند. اگر  
این نیروها از وابستگی‌های غیر اصولی  
آزاد گردند، بخوبی قادرند ارایه سنگین  
انقلاب را از میان سنگلاخ کنونی بسوی  
پیروزی‌های مکتبی هدایت کنند.

شماش برادران و شما مردم قهرمان و  
دعوت میکنم و خود چون سرباز ساده  
و برادری کوچک در کنار و پشت سر شما  
در راه محقق آرمانهای انقلابی اسلام و  
درجهت استقرار یک نظام خالص توحیدی  
گام برمی‌داریم.  
والسلام

حضور دارند، تعیین دولت باید بر اساس  
ضوابط مکتب و ضرورت‌های فوق العاده فعلی  
صورت گیرد. یعنی دولت باید یکلی مستقل  
از دو جناح رقیب باشد. بیشتن انقلابی و  
مکتبی داشته از قاطعیت لازم برخوردار  
باشد بتواند حمایت نسل جوان و متعدد و  
توده های مسلمان و انقلابی راجلب و بر  
قدرت آنان تکیه کند.

۲- کشور بر اساس نظام شوراها اداره  
شود - شوراها بر مبنای هدایت و تیرهای  
مکتبی مسلمان - در همه سطوح تشکیل شود  
و این شوراها در چهارچوب اصول و  
برنامه های مکتبی - اداره امور داخلی  
مؤسسه یا منطقه خود را در دست گیرند.  
تشکیل شوراهای ایالتی خود مختار در  
چهار چوب هدایت مکتبی و قوانین جمهوری  
اسلامی راه حل اساسی بحران گردستان و  
مسأله ملیت‌هاست.

۳- قانون اصلاحات ارضی توسط یک  
شورای اجرایی از نیروهای جوان و مسلمان  
و بکمک شوراهای دهقانی در سراسر کشور  
بسرعت اجرا شود.  
۴- مسأله گروگانها و طرح وتصویب  
برنامه مبارزه علیه وابستگی به امپریالیسم  
در صنایع، تجارت، ادارات، ارتش،  
آموزش و پرورش در دستور کار فوری مجلس  
قرار گیرد.

۵- سپاه پاسداران و کمیته ها و نهادهای  
انقلاب بصورت یک نیروی سیاسی- مکتبی  
که وظیفه اش حفظ دستاوردهای انقلاب،  
مبارزه با امپریالیسم و پایگاهها، مقابله با  
ضد انقلاب و توطئه های سرمایه داران  
وابسته و فئودالیست، مستقل از ارتش و  
دولت باقیمانده، مستقیماً" زیر نظر  
شورایی از نمایندگان مجلس و نماینده رهبر  
انقلاب بصورت شورایی اداره شود و  
کمیته ها برای حفظ امنیت شهرها در برابر  
حملات و توطئه های ضد انقلاب بکار خود  
ادامه دهند.  
۶- جنگ در گردستان بر اساس طرح

## با خلع ید از سرمایه داری وابسته، امپریالیسم آمریکا را بزانو درآوریم



# سننها در تاریخ جامعه چگونگی تحول میشود

● خواستهای انسان محدود و ثابت نیستند، انسان موجودی زیاده‌خواه و بینهایت طلب است، لذا در حد نیازهای بالفعل خویش متوقف نمیشود

عامل تغییر و ضرورت جامعه چیست؟ و آیا تاریخ در مسیر معین و بسوی هدفی سیر می‌کند؟ روشن‌تر بگوئیم آیا تحول اجتماعات جهت و هدف معینی دارد؟ تغییرات انقلابی چه تفاوتی با تغییرات معمولی دارد و انقلاب در چهارچوب چه نظم و قانون یا ضابطه‌ای رخ می‌دهد؟ در گریه‌ها و کشمکش‌های درون جامعه چه ماهیتی دارند؟ ما تا چه اندازه در حول جامعه نقش داریم - آیا با قبول حکومت قانون بر ضرورت و تحول جامعه، مداخلت و تاثیر انسانی را نفی برداریم؟ اگر جامعه را همان دیگر پدیده‌ها، موضوعی خارجی و مستقل فرض کنیم، در این صورت نباید به حرکت و تغییر در به خودی قائل شویم و آیا با این دید جا به قبول جبر در تاریخ نمی‌شویم؟

جامعه حاصل زندگی دستجمعی و مستمر است. نهاسات و نظامات اجتماعی از روابط پدیدار (و نه گذرا) فیما بین افرادی پدید می‌آید که فعالیت‌های گم‌ویش هماهنگی بر آن رفع نیازهای مشترک خود دارند. در همین جا مهمترین عامل پدید آمدن جامعه چشم می‌خورد، نیازهای مشترک! اما تنها جوامع مشابه و مشترک عامل اشتراک عمل افراد در روابط و مناسبات جامعه نیست. استعدادها و قابلیت‌های مشترک و هم‌چنین راه‌حلهای مشترک نیز لازم است تا روابط و مناسبات پایداری بوجود آید.

بشر نیازمندیهای خود را در طبیعت جستجو و برآورده می‌سازد. محرک انسان در تلاش و همکاری دستجمعی در وهله اول رفع نیازهایی است که به حفظ و رشد حیات او کمک می‌کنند و مقابله با عواملی است که مانع رشد و ادامه فعالیت‌های حیاتی هستند. تمایل به حفظ آنچه داریم و افزایش و تقویت آن، مشترک بین همه افراد است. هر کس با یک مقدار استعدادها یا برعهده می‌گذارد. همین استعدادهاست که بشر را قادر به مبارزه می‌کند. وقتی بین احتیاجات و به رشد اعضای جامعه و مواد و پاسخها و راه‌حلهای ممکن و در دسترس تعادل برقرار است، قاعدتا باید انتظار داشت که جامعه ثابت و ساکن بماند. ولی حتی تحت این شرایط نیز تعادل جامعه پایدار نمی‌ماند. زیرا خواستهای انسان محدود و ثابت نیستند، انسان موجودی زیاده‌خواه و بینهایت طلب است. لذا در حد نیازهای بالفعل خویش متوقف نمی‌شود. اگر احتیاجات ضروری برای تامین این هدفها بقدر کافی و آماده در دسترس باشد نباید اشکالی پدید آید. ولی نهنننا این مواد و مایحتاج همیشه فراوان و در دسترس

## ● تضاد مرگ و حیات انگیزه اصلی مبارزه برای بدست آوردن غذا، پناهگاه رفع شر دشمن، مقابله با بیماری و آفات طبیعی است، در هر پدیده یک نیروی حیاتی پشش‌رونده است و یک نیروی هم‌مرگ بازدارنده.

نیستند، بلکه بشر قانع به مقدار مورد احتیاج نیست. و لذا در توزیع و نحوه استفاده از مواد موجود رعایت اصل احتیاج همیشه ممکن نیست. بعضی بیشتر از احتیاج می‌طلبند و در اختیار می‌گیرند و بعضی محروم می‌مانند. انواع گوشه‌های بشر را می‌توان بشر زیر دسته‌بندی کرد: اول - تلاش دستجمعی برای جستجو و بدست آوردن مایحتاج زندگی در دامن طبیعت. ضرورت این تلاش مربوط به این است که این مواد همیشه بقدر کافی و آماده مصرف در دسترس نیستند. علاوه همیشه تهدیدهای نسبت به حیات انسان وجود دارد و دشمنانی در کمین‌اند. بیماری و نقصان و مرگ، واقعیت‌هایی هستند که بشر در برابرشان مقاومت نشان می‌دهد. با

و نگاهداری از فرزندان. سرمایه و سلاح بشر در این مبارزه و تلاش عبارتند از: اول: محرکها و تمیلات طبیعی چون عشق به زندگی و صیانت نفس و تولید مثل و تکثیر نسل. دوم: اندام و اعضای متناسب، چون قامت ایستاده و دستهای آزاد و انگشتان متناسب. سوم: قدرت تفکر و یادگیری و حافظه و تجربه‌اندوزی. چهارم: قدرت انتخاب آزاد و نیروی ابداع و خلق کردن و تغییر دادن. انسان با این قوا و استعدادها با طبیعت برخورد می‌کند. اولین تجربیات به هدایت و انگیزه، تمیلات و نیازهای داخلی انجام می‌گیرد "مثل رفع گرسنگی، جستجوی پناهگاه و... هر تجربه دست‌آوردی از آگاهی در بر دارد که مشاهدات عینی روی پدیده‌های طبیعی و وقایع و حوادثی که هر روز اتفاق می‌افتد بطور مستمر اطلاعات تازه‌تازای در اختیار انسان می‌گذارد.

بشر بسیاری از این اطلاعات را در حافظه نگاه میدارد. کمک ذهن خلاق خود ارتباطاتی بین داده‌های معرفتی برقرار و با حقایق دربار محیط زندگی خود آشنا می‌گردد. تبادل تجربیات و اطلاعات بدست آمده با یکدیگر آنها را تصحیح و بارور می‌سازند. بعلاوه بشر کمک انگشتان متناسب خود، اشیا را جابجا و دستکاری می‌کند و تغییر شکل می‌دهد، و آنها را بکار می‌برد. استفاده از ابزار قدرت عمل انسان را در طبیعت سرعت افزایش می‌دهد. زمین سفت که با انگشتان نرم گنده نمی‌شد در برابر فشار سنگهای تیز و آهن سیقل داده شده و عقب‌نشینی میکند. درختان قظور بوسیله تیشه قطع، راه‌هایی درون جنگل احداث و... بسیاری فعالیت‌های غیر ممکن، ممکن و عملی می‌گردد. از این تجربیات اطلاعات باز هم بیشتری کسب می‌شود و روابط درونی و بیرونی هر پدیده تدریجا کشف و انسان به خواص و آثار اشیا و عناصر پی می‌برد. با این آگاهیها تسلط بیشتری بر پدیده‌های طبیعی بدست می‌آورد. رودها را که بیشتر مخرب بودند، در مجاری و جریانها و کانالها روان می‌سازد و مورد بهره‌برداری

قرار می‌دهد، به خاصیت شناور بودن چوب در آب آشنا شده و از آن قایق و کشتی می‌سازد و راه‌های دریائی بوجود می‌آورد. با مشاهده مکرر روئیدن دانه‌ها از دل خاک به قوانین و طرز روئیدن گیاه مطلع می‌گردد و خود دست به کشت و زرع می‌زند. اثر نور و آفتاب را در زندگی موجودات و شب را در تامین آرامش و خواب درک می‌کند و در سارها و حرکت ماه و خورشید دقیق می‌گردد و از نظم حاکم بر کارشان برای تشخیص جهات مختلف جغرافیائی و حرکت در دریاها سود می‌برد. "اللذی خلق السموات والارض و انزل من اسماء" ما فخرچ به من النخرات رزقا" لکم و سخر لکم الفلک لتجری فی البحر امیر و سخر لکم اللیل و النهار" ابراهیم / ۲۲ - ۲۱ - خداست آنکه آسمانها و زمین را آفرید، و از آسمان آب فرود آورد و بگمک آن از میوه‌ها روزی برای شما خارج کرد و کشتی را سخر شما نمود تا در دریا به امر او حرکت کنید و رودها را سخر شما ساخت و خورشید و ماه را در گردش پی‌درپی هم و شب و روز را سخر شما نمود. مشاهده می‌شود که تلاش انسان برای زنده ماندن و از بین بردن موانع زندگی و رفع شر مرگ و نابودی سبب گسب آگاهی و

## مقوله‌های اساسی مکتب

- ۱) واقعیتها عبارتند از: (۱) پدیده‌های طبیعت (آفاق). (۲) پدیده‌های انسانی (نفس). (۳) پدیده‌های تاریخی.
- ۲) قرآن در توضیح و اثبات حقایق و درستی تعالیم خود از روشهای فوق سود جست است.
- ۳) با وجودیکه پدیده‌های فوق‌الذکر بدلیل آنکه جلوه‌های واقعیت‌اند، باید ملاک و راهنمای تشخیص و جهت‌یابی قرار گیرند. اما معیاری که از هر قید رها و آزاد می‌باشد حقیقت پیام الهی است که مهمترین محک برای ارزشیابی و تعیین اصالت عقیده و برداشت مکتبی محسوب میشود.
- ۴) بر اساس ضرورت‌های فوق به ارائه طرح فشرده‌ای از مقوله‌های اساسی مکتب که پایه‌های جهان‌بینی توحیدی و ایدئولوژی اسلامی هستند، اقدام کردیم. در طرح مقوله‌های این اصل را در نظر داشته‌ایم که هیچ برداشتی از مکتب نمی‌تواند مطلق باشد.
- ۵) آنچه اهمیت دارد اینست که برداشتها در جهت و هماهنگی با حقیقت مکتب باشد. از این رو وجود خطا و انحراف یا سو برداشت را بگلی نفی نمی‌کنیم. تا وقتی جهت‌گیری برداشتها مکتبی با معیارهای قرآنی و سایر منابع اصیل از سنت سازگاری دارد، ملاک و معیار عمل ما و پایه استخراج خط مشی و شیوه‌های رفتار و مبارزه اجتماعی است.
- ۶) ما همیشه آمادهایم که خطاها و ضعفهای خود را تصحیح و تکمیل کنیم و در اینصفت همیشه آماده شنیدن و خواندن نقطه‌نظرها و انتقادات دوستان و صاحب نظران هستیم. ما بطور بگلی درستی اصول اساسی برداشتهای خود را در عمل اجتماعی ارزیابی و تجربه کرده‌ایم و گوشیده‌ایم تا مکتب همیشه راهنمای عمل ما باشد و لذا از خداوند توفیق شناخت درست پیامش و عمل به احکامش و پیمودن راه انبیا و اولیا را خواستاریم.
- ۷) ادامه دارد

قرار می‌دهد، به خاصیت شناور بودن چوب در آب آشنا شده و از آن قایق و کشتی می‌سازد و راه‌های دریائی بوجود می‌آورد. با مشاهده مکرر روئیدن دانه‌ها از دل خاک به قوانین و طرز روئیدن گیاه مطلع می‌گردد و خود دست به کشت و زرع می‌زند. اثر نور و آفتاب را در زندگی موجودات و شب را در تامین آرامش و خواب درک می‌کند و در سارها و حرکت ماه و خورشید دقیق می‌گردد و از نظم حاکم بر کارشان برای تشخیص جهات مختلف جغرافیائی و حرکت در دریاها سود می‌برد. "اللذی خلق السموات والارض و انزل من اسماء" ما فخرچ به من النخرات رزقا" لکم و سخر لکم الفلک لتجری فی البحر امیر و سخر لکم اللیل و النهار" ابراهیم / ۲۲ - ۲۱ - خداست آنکه آسمانها و زمین را آفرید، و از آسمان آب فرود آورد و بگمک آن از میوه‌ها روزی برای شما خارج کرد و کشتی را سخر شما نمود تا در دریا به امر او حرکت کنید و رودها را سخر شما ساخت و خورشید و ماه را در گردش پی‌درپی هم و شب و روز را سخر شما نمود. مشاهده می‌شود که تلاش انسان برای زنده ماندن و از بین بردن موانع زندگی و رفع شر مرگ و نابودی سبب گسب آگاهی و

## ● محرک انسان در تلاش و همکاری دستجمعی در وهله اول رفع نیازهایی است که به حفظ و رشد حیات او کمک می‌کنند و مقابله با عواملی است که مانع رشد و ادامه فعالیت‌های حیاتی هستند.

علم دربار جهان و پیدا کردن مهارت در ساختن و بکار بردن ابزار و مصنوعات میشود. از این طریق علم و فن هر دو توسعه و تکامل پیدا می‌کنند. عامل دیگری که در این جریان تاثیر می‌گذارد بی‌نیاهت طبیعی انسان است. اگر تنها محرک شخص حفظ حیات و تامین احتیاجات زندگی و مبارزه با مرگ باشد، قاعدتا فقط در حد رفع احتیاج تلاش میکند و پس از آن به استراحت می‌پردازد و از حرکت باز می‌ایستد. چنانکه حیوانات دیگر چنین می‌کنند. آنها در پی مازاد بر احتیاج نیستند و هرگز زیاده‌طلبی نشان نمی‌دهند.

## ● تضاد مرگ و حیات انگیزه اصلی مبارزه برای بدست آوردن غذا، پناهگاه رفع شر دشمن، مقابله با بیماری و آفات طبیعی است، در هر پدیده یک نیروی حیاتی پشش‌رونده است و یک نیروی هم‌مرگ بازدارنده.

۵) رابطه بین مکتب و عمل اجتماعی و بویژه مسایل مربوط به انقلاب در تجربه اسلامی کاملا روشن نیست. تجربیاتی که در این زمینه فراروی نسل جوان قرار گرفته، برای آندسته که آشنائی و رابطه مستقیم با منابع اصلی مکتب ندارند، آموزشها و عبرت‌های متضاد و گاه مایوس‌کننده‌ای در برابر حرکت‌های اپورتونیستی در جنبشهای مکتبی اسلامی که نباید آنها را یک تجربه منفرد و تمام‌شده تلقی کرد، آثار سو و عکس‌العملهای منفی و انحرافی و البته قسمتی هم مثبت و سازنده برجای گذاشته است. وقتی برداشتهای انتقادی را هم به این آثار بیفزاییم، دشواری وضعیت جوانان و جستجوگران روشن‌تر می‌گردد. سو استفاده از اقدامات فرصت‌طلبان و عکس‌العملهای نادرست در مقابل این حرکت و نیز سو استفاده از مساله التقاط فکری وقتی در رابطه با مسائل سیاسی و موضع‌گیریهای اشخاص و گروهها در برابر انقلاب قرار می‌گیرد، دست‌بدست هم، زمینه را برای بررسی منطقی و دور از جنجال و اتهام و پیشداوری و ارزیابی برداشتهای مکتبی غیر ممکن می‌سازد. (۶) نیاز هست ما و بخصوص روشنفکران مسلمان، یک طرح اصیل از اصول جهان‌بینی و ایدئولوژی توحیدی بنحویکه بتواند پاسخ صدها مساله شخصی - اجتماعی و سیاسی آناترا بدهد و مسئولیت هر کس را در برابر تاریخ تعیین کرده و خط مشی سیاسی را از درون مکتب بیرون کشید. بویژه در شرایط کنونی که اسلام در برابر یک تجربه اجتماعی قرار گرفته است، اهمیت اساسی داشته باید هر چه زودتر و بنحو احسن پاسخ داده شود. (۷) برخوردها و مباحثات ایدئولوژیک باید با یک شیوه منطقی و دور از تعصب و جنجال انجام گیرد. در حالیکه بعضی اصولا از طرح و بحث درباره مسائل مکتبی اجتناب می‌کنند، بعضی آنها را هیاهو و جنجال و اغراض سیاسی همراه می‌سازند.



# مردم و ما

قزوين: خواهر با برادر "ب"

کله کرده‌ای که در امت شماره ۵۳ در مورد تغییر بنیادی در نظام آتوری رهنمودهایی داده شده‌اند اما در مورد دانش-آموزان مطلقاً گفته نشده است. در آینده تلاش خواهیم کرد در باره مسائل دانش‌آموزی رهنمودهایی داشته باشیم.

برسده‌اند وظایف دانش‌آموزان در شرایط کنونی چیست؟

برای دانش‌آموزان در درجه اول خودسازی انقلابی مطرح است تا بتوانند در تمامی زمینه‌ها برپه‌ای از ساداندینی و زودباوری با شناخت دقیق ماهیت جریانها و دیدگاهها مواضع صحیح و انقلابی اتخاذ نمایند. تلاش در زمینه‌های مکتبی و سیاسی و عمل آگاهانه نه از سر جهل و تعصب زمینه‌ساز مناسبی برای آغاز این خودسازی انقلابی می‌باشد.

خودسازی انقلابی در ۲۴ ساعت شانزده روز، رانده‌مان و نتیجه کار شما را در این زمینه افرایش خواهد داد.

دانش برنامه مطالعاتی و سر مطالعاتی مشخص و مسئولیت در عمل با تحلیل روش و جمع‌بندیها و نتیجه‌گیریها و از هر قدمی که در زمینه فکری - عملی برداشته می‌شود به وحدت و انسجام کمک خواهد کرد.

در روبروئی با هر بدیده‌ای تا کزیر هسند تا تاریخچه زندگی گذشته آن را مرور کنید، اگر چنین نکنند هرگز موفق نخواهند بود.

اگر به جمعی و گروهی و عملی دعوت شدید باید با عمق و زرفاندینی و بررسی مسئله از جمع جهات و بوجه بنگارند و تاریخچه آن تصمیم بگیرند.

در رویدادها و آنچه که بر انقلاب می‌گذرد مقطعی و برهه‌ای برخورد ننمائند که شما را بمواضع منافی و درهم خواهد کسند.

برای قضاوت درباره عناصر و جریانها و رویدادها تلاش کنید، معیارهایی داشته باشید که اگر معیار نداشته باشید، به سردرگمی و انحراف دچار خواهید شد.

با یک سلسله مقوله‌ها و مفاهیم کلیدی چه در زمینه مکتب و چه در زمینه مسائل سیاسی حتماً باید آشنائی داشته باشید از این قبیلند: مکتب، ساخت، بوجد، تضاد، حرکت، امت، امامت، استعمار، استعمار، امپریالیسم، استقلال، آزادی...

هر آنچه می‌آموزید دور از هياهو و جنجال‌های خیابانی و دور از هرگونه تظاهر عمل کنید و در عمل نقص و کمبودهای آموخته‌های خود را بیاموزید و آگاهی خود را در عمل غنی‌تر بسازید.

خود اعتماد داشته باشید و روی خودتان حساب کنید و با اعتماد به نفس با مسائل برخورد ننمائید. چرا که در غیر اینصورت وسیله جناحهای تبلیغاتی و خودخواهیهای سیاسی کارانه حرف‌های خواهد شد.

با تاریخ حداقل صدساله گذشته مبارزات مردم آشنا شوید و نقاط قوت و ضعف آنرا تحلیل کنید و بکار امروز ببندید. در آموزش‌های مکتبی - سیاسی خود از تجربیات دیگران استفاده کنید.

سعی کنید در زندگی تعریف مشخص از خودتان داشته باشید که کیستید و چیستید شما برای زندگی خود هدف تعیین کنید و بگذارید زندگی برای شما هدف انتخاب کند.

برای همیشه وضع خودتان را در قبال گشهای منفی زندگی مانند زندگی مرفه بریده از توده‌های زحمتکش و رفاه و پول و جاه و مقام روشن سازید.

سعی کنید خودتان را بشناسید و بر خصلت‌های مانع رشد و تکامل خود مانند غرور و خودخواهی و حسادت و جاه‌طلبی فائق شوید.

همیشه از خود حساب پس بگیرید که امروز که گذشت چه کردم و آنچه کردم در چه مسیری بود قوت و ضعف آن چه بود، چه آموختم.

از خود درباره عملکردها انتقاد کنید و قبل از آنکه دیگران تکرر و عمل و شیوه‌های شما را زیر ذره‌بین گذارند خودتان از خودتان انتقاد کنید و حساب پس بگیرید.

تلاش کنید برای تقوی و قدرت و اراده لغزیدن، و جز بر اصول ایستاد نبودن و حتی با دشمنان خود هم جز بر اساس منطق و عدل و تقوی رفتار نکنید.

دشمنی با فرد و جریان و سازمان و گروهی شما را گرفتار تعصب در اندیشه و عمل و دور افتادن از مسیر عدل و تقوی ننماید.

وزیردگی جسمانی و آشنائی با فنون و جابگی و قدرت‌بدنی برای مبارزاتی که راه درازی در پیش دارید ضروری است.

امان و اعتقاد به پیروزی حق و اصحلال و شکست باطل را با تمام وجود خود عین سازید که این برنده‌ترین سلاح شما برای مبارزات آینده است.

در کنار توجه به ایجاد کونگون شخصیت خودتان به بعد عرفان و نبیست خود بیباک دهید و اسان یک‌بعدی نشود.

دوستان و دشمنان خود را بشناسند و سببهای برخورد خود را با آنان بر اساس اصلی و فرعی کردن مسائل تنظیم نمایند.

فصائل اخلاقی چون شهامت و حسارت و سنجیدگی و شجاعت و ساعت را از زندگی الگوهای مکتبی و مبارزاتی فراگیرند.

و بالاخره سرفصل و سرآغاز همه آنچه نگفته شد خدا را که سوی او می‌شناسید ناظر بر اندیشه و فکر و عمل و قضاوت خود بدانید.

سزای: محمد - ع

برادر عزیز، در مورد علت استعفاي استاندار فارس پرسیده‌اید. آنجائیکه در یکی از روزنامه‌های عصر منعکس شده، گویا جرم و گناه گیره استان تقسیم زمین میان کشاورزان و برداشتن به عنایت بجای نشت و برحاست با حاینها و فتودالها بوده‌است.

### کلاچای - ه - ب

۱ - در پاسخ این سؤال که آیا توجه به مسائل فکری، انسان را از عمل باز میدارد؟ باید گفت عمل بدون اندیشه اندیشه‌بدون عمل هر دو مهمل و بی‌فایده اندیشه‌ای که برای بکار بستن و عمل کردن بارور شود و عملی که برای آموختن و عینا بخشیدن به آموخته‌ها برای بکار بستن محدود شود نظر باشد، تعادل میان اندیشه و عمل را برقرار خواهد ساخت.

۲ - پرسیده‌اید آیا بنظر شما جنگ مسلحانه اندیشه باطلی است؟

مسلمان آشنا با قرآن و بهج البلاغه هرگز جرات برزبان راندن چنین مسائلی را ندارد. زندگی پیامبر و علی و دیگر الگوهای مکتبی سراسر مبارزه مسلحانه است، مگر میتوان همین شیوه که برادران دلیرو غیرمنجمد ما در فلسطین اشغال شده در پیش گرفتارند، ایراد گرفت؟

### فائده - برادر عباس - الف

امت و جنبش مسلمانان مبارز بداشتن برادری آگاه و مسئول چون شما امیدوار است، تمام‌مسئولیت سنگینی بر عهده دارید. هر دره آگاهی و توانائی که دارید باید بیمان مردم برسد و با مردم حرکت کنید. سعی کنید با برادری که در سطح استان سازمان‌داران فعالیت دارند، در تماس باشید.

### پیمان - خواهر - ف - م

خواهر عزیز، امام را کسانی تضعیف میکنند که بنام امام از فتودالها و خانها حمایت میکنند، امام را کسانی تضعیف میکنند که باحیثی نمانی سرمایه داران را مورد حمایت خود قرار میدهند.

مقدمت کسانی که ماهیت سازگارانه و واسگروایانه دارند و تلاش میکنند تضادهای فرعی راجب‌گترین تضاد اصلی خلق یا دز سرمایه داری جهانی، امپریالیسم امریکا سازند، امام را تضعیف میکنند.

### رست - مسائل برادر محمود ش

ضمن اینکه توضیح مختصری درباره اقتصاد توحیدی و سوسیالیستی سدهم، برای ترک هر چه بهتر تفاوت‌هایشان توجه شما را به مطالعه مکتب، مالکیت کار سرمایه - دکتر پیمان و سلسله مقالات اقتصادی در امت - در قسمت مباحث ایدئولوژیک و ...

جلب میکنیم در این فرصت ناچاریم به مهمترین تفاوت‌ها بسنده کنیم:

۱ - در نظام سوسیالیستی مالکیت دولتی میشود - در نظام اسلامی مالکیت عمومی است.

۲ - در نظام سوسیالیستی مزدوری با بر جا میماند. منتهی مردم بجای مزدوری سرمایه داران و بخش خصوصی مزدور دولت میشوند، در اسلام مزدوری جای خود را به نظام‌های تعاونی و خود مختار میدهد.

۳ - در سوسیالیسم هر کس به اندازه ارزش کارش دریافت میکند و بعد از آن وظیفه‌ای ندارد در اسلام هر کس ارزش کار خود را دریافت میکند اما اگر این مازاد بر احتیاج بود، براوست که انفاق کند.

### الیکودر - برادر کریمی مسعود

با سیاست فراوان از توجیه‌ها به حبسیت

و است، از شعر زیبایی که برایمان فرستاده‌اید، سپاسگزاریم. باز هم برایمان از اخبارتان بفرستید. امیدواریم بتوانیم در اولین فرصت حاشی کنیم.

### برادر عبدالعلی - م

با درود و سپاس بر شما که با احساس تعهد و مسئولیت در مسیر الله و انقلاب کام بر میدارید، در پاسخ به سئوال‌اتان به عرض میرسانم:

۱ - بافتن‌اندن نفوذ و سلطه فتودالها در امر سیاست‌سازندگان و مرتجعین واقعیت لحنی است که ما با آن در مسیر هسیم. برای برخورد با فتودال‌ها و خوانین باید مطالعات مکتبی و سیاسی خود را بیشتر کرده و با اشغال آموخته‌های خود به کشاورزان رحنمکنس با زبانی ساده، رسنه دردها و فحایع و راه‌حل مشکلات را به آنها معرفی کنید.

۲ - سعی کنید با بوجود آوردن شوراهای کوچک طعم کار دسد جمعی را به مردم بچسانید. در این راه از همکاری و همکاری نیروی جوان مدد کنید.

۳ - در زمینه کتب اقتصادی، سلسله مقالات اقتصادی امت (بخش مباحث ایدئولوژیک) و کتاب کار، مالکیت و سرمایه از دکتر پیمان را برای مطالعه توصیه میکنم و برای رفع اشکالات با ما تماس بگیرید. سعی کنید هسته‌ای از دانش‌آموزان فعال در روستا برای مطالعات گروهی تشکیل دهید که بازده بیشتری دارد.

### خواهر عزیز، زهره - م

۱ - ما دست همکاری با خواهر آگاه را سفاریم و آرزو میکنم در راه پیش برد اهداف مکتبی مقدسان کامیابی‌بلندی در شهر خود برداری، تصور میکنم مسئله‌ای که در مورد دفتر پخش امت در لنگرود اشاره کرده بودی‌لان که نامه بدست تو میرسد منفی شده باشد و برادران و خواهران ما در دفتر تازه خود مستقر باشند و آماده همکاری باشند. در عین حال باید یادآوری کنیم که در لنگرود دفتر در سطح بخش امت و شریات جنبش است و هنوز دفتر رسمی هواداران تا بنس نشده و بچه‌ها خود را آماده سازند و مسلماً از همکاری شما استقبال خواهند کرد.

۲ - شرکت در بحث‌های آزاد را بگلی رد نکرده‌ایم اما در مورد سیزکدها و شرایطی که تشکیل شده‌اند نظر و نظایر شرکت و نیز دلایل عدم شرکت بی قید و شرط خود را رسماً اعلام کرده‌ایم که امیدواریم مطالعه کرده باشید. رویهم رفته باید منوجه بود اینکه بحث‌ها و مناظره باعث انحراف افکار عمومی از مسائل اساسی نشود و مورد اغراض خاص سیاسی قرار نگیرد - باعث رواج کتمکهای لفظی و کلامی سرگرم کننده نشود و موجب لوت حقایق و مسئولیتها نگردد - و تضادهای غیر اصولی را تشدید نکند.

### برادر آقای قریب‌علی - ب

بعد از سلام امیدواریم جواب خود را در امت شماره (۵۷) دریافت کرده باشید. با آرزوی موفقیت و همکاری‌های بیشتر.

### خواهر عزیز - اکبر زاده

بعد از سلام دوره‌ای که دکتر شریعتی در باره آن بحث میکند مربوط به اواخر قرون وسطی است که تدریجاً "زمینه‌های رنسانس در آن فراهم میگردد. یعنی عصر حاکمیت فتودالها و مذهب کاتولیک. اما دوره‌ای که دکتر پیمان از آن صحبت میکند مربوط به قرون ششم و هفتم میلادی و پیش‌از ظهور اسلام و زمانی است که امپراطوری رم در حال تجزیه است و هنوز فتودالیننه رشد پیدا نکرده است و با قدرت امپراطور را محدود نساخته‌اند. بهرحال دو دوره کامل" متمایز از هم میباشند و لذا در این دو تحلیل تناقضی وجود ندارد.

پیروز باشید

### برادر ع - رضایی

بعد از سلام ۱ - از راهنمایی‌های شما صمیمانه سپاسگزاریم. امیدواریم پیش از گذشته این اصول مکتبی را رعایت‌نمائیم.

۲ - امادر مورد سالروز استاد مطهری - پاسخ خود را در امت شماره (۵۷) خواهید یافت.

در انتظار نامه‌ها و همکاری‌های شریخت‌تر شما هستیم.

# تحلیلی بر کنفرانس پاکستان

بقیه در صفحه ۱

اسرائیل و همچنین ملت فلسطین اعلام کرد. در این کنفرانس تجاوزات اسرائیل به لبنان محکوم و نقض حقوق بشر در سرزمین‌های اشغال‌شده عرب مورد نکوهش قرار گرفت. شرکت‌کنندگان در کنفرانس همچنین ضمن تائید بر همکاری با سازمان وحدت افریقا از آن سازمان خواستند که به پشتیبانی خود از آرمان‌های آفریقائی و حمایت از ملت‌های آفریقا در نبرد علیه استعمار ادامه دهد. و در پایان تکراری خود را از وضع مسلمانان فلسطین اعلام کردند.

بعینکن کنفرانس در حده به طرح ایجاد بانک اسلامی پرداخت و از حقوق مردم فلسطین و یولسارو حمایت کرد. تسنیم کنفرانس در اسانبول به اختلافات اعراب و اوضاع خاورمیانه، فیسرو مشکلات لبنان پرداخت و رژیم‌های نژادپرست افریقا را محکوم کرد.

هفتمین کنفرانس بعثت تشکیل آن در طرابلس لیبی از طرف کشورهای مصر و سودان تحریم شد. همچنین ایران از شرکت در این کنفرانس خودداری کرد. مساله فلسطین گزارش کمیته نجات بیت -

القدس، اوضاع مسلمانان در فیلیپین، بررسی مسائل مربوط به ایجاد مناطق عربیانی در آسیا و آفریقا، تبدیل اقبانوس هند" به دریاچه صلح" از موضوعات مورد بحث در این کنفرانس بود.

هشتمین کنفرانس در شهر "داکار" واقع در سنگال موضوع بحث خود را در مورد حقوق فلسطینی‌ها و اقلیت‌های مسلمان از جمله مسلمانان فیلیپین قرار داد و اوضاع خاورمیانه را بررسی کرد. کنفرانس همچنین ایجاد دانشگاه اسلامی در شرق و غرب آفریقا را مورد تائید قرار داد.

نهمین کنفرانس بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در شهر "فاس" در مراکش تشکیل شد و ضمن بررسی وقایع پیمان مصر و اسرائیل آنرا محکوم کرد. در این کنفرانس هیاتی از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران برای حمایت کشورهای شرکت کننده از انقلاب ایران شرکت کرد. در این کنفرانس عضویت مصر به تعلق درآمد. در پایان، کنفرانس تمایل خود را به همکاری نزدیک با سازمان وحدت آفریقا اعلام کرد.

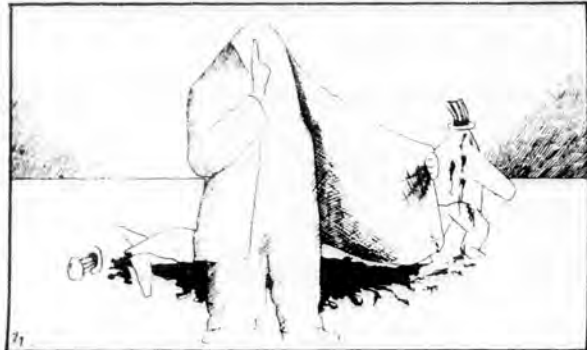
دهمین کنفرانس در ژانویه گذشته بعثت اشغال نظامی افغانستان از سوی شوروی در اسلام آباد تشکیل شد. مقدمات تشکیل این کنفرانس با سفرهای مکرر وزیر خارجه انگلیس و معاونانیش به کشورهای عربی و همچنین نامه‌ها و پیام‌های علی و پنهانی کارتر به سران کشورهای عربستان سعودی، امارات متحده و پاکستان فراهم شد. شرکت ایران در این کنفرانس با مخالفت بسیاری از جناح‌های سیاسی داخلی و خارج روبرو شد. از جمله حوزو علمیه قم و دانشجویان مسلمان بیرو خط امام بیعت با شرکت در این کنفرانس مخالفت کردند. دانشجویان هدف از سربوشت ملت‌های ایران و لکه دار کردن انقلاب انقلابی ملت ایران بلکه دار کردن انقلاب اسلامی دانستند. کشورهای سوریه - لیبی - الجزایر - یمن جنوبی و سازمان آزادیبخش فلسطین اعلام کردند که از شرکت در کنفرانس خودداری خواهند کرد. معاون وزارت امور خارجه ایران در توجیه علت شرکت ایران در دهمین کنفرانس سران کشورهای اسلامی گفت: ما نباید خود را منزوی کنیم و کوشش ما براینست که کنفرانس را از حالت یک جانبه‌اش خارج و مساله بحران روابط ایران و امریکا و مسائل مربوط به مصر و اسرائیل نیز در آن طرح کنیم و بطور کلی قصد ایران بر این است که با شرکت در این کنفرانس مساله ابرقدرتها را مطرح کرده و نتیجه بگیریم که سیاست شوروی نتیجه مستقیم

عملکرد امریکا در منطقه است. نظر به اینکه تاریخ شکل کنفرانس مصادف با سالروز ایضا، تکین قرارداد کمپ دیوید و عادی شدن روابط مصر و اسرائیل بود به پیشنهاد ایران شروع کار کنفرانس بگروز به تعویق افتاد. پس از اعلام آمادگی ایران برای شرکت در کنفرانس پاکستان، الجزایر و لیبی اعلام کردند که در کنفرانس شرکت خواهند کرد. در این کنفرانس حکومت افغانستان غیر قانونی اعلام شد. و عفو تنبسی بی قید و شرط شوروی از افغانستان و تحریم سیاسی آن کشور درخواست شد. همچنین نمایندگ ایران خواستار محکوم کردن تحریم اقتصادی امریکا علیه ایران شد

نتایج حاصله از بررسی کلی تاریخچه کنفرانس:

عمده کنفرانس‌ها در کشورهای پاکستان عربستان برگزار شده است. این دو کشور و عملکردهای آنها در منطقه خود به نتهائی میتواند معرف جهت گیری کنفرانس باشد.

بررسی محتوای بحث‌های کنفرانس و



قطعه‌نامه‌های آن جهتگیری آنرا مشخص میکند. بروری کوتاه برسر بحث‌های کنفرانس نشان میدهد که هرگاه در منطقه شعله‌های حرکت اصلی پیدا شد بلافاصله این کنفرانس شکل شده و مسئله راه نحو مسالمت آمیزی مطرح میکرد و از کنار آن میگذشت بنابراین هدف اصلی کنفرانس فرو نشاندن شعله‌های جنبش‌های اصل بوده این کنفرانس با محکم کردنهای شعاری و صرفاً لفظی آنچه نه محکوم کردن قاطعانه که خلی دوستانه و مسالمت آمیز آب سردی بر شعله‌های آتش خشم نودم‌های محروم پاشیده است. بهترین نمونه چنین عملگرایی را باید در انگیزه‌های تشکیل اولین کنفرانس دید:

وقتی اسرائیل به مسجد الاقصی حمله میکند و آنرا به آتش میکشد شعله‌های خشم مسلمانان جهان علیه اسرائیل غاصب بر-

انگیخته شده بود - سران کشورهای اسلامی برای فرونشاندن خشم مسلمانان جهان کنفرانسی که اواخر سپتامبر ۱۹۶۹ در ریاض پایتخت مراکش گردم آمدند و این عمل را محکوم کردند. برای بهتر شناختن این کنفرانس باید اضافه کرد که از جمله شرکت کنندگان این کنفرانس شاه مخلوع بود که هزینه تعمیر این مسجد بزرگ را تقبل کرد و بهمین دلیل مورد تحسین برخی از سران کشورهای شرکت کننده از جمله ملک فیصل قرار گرفت.

تعمیر مسجد سربوشتی بود بر فجاج صهیونیستها و آنها به خاطر حفظ حیثیت خود مجبور به تعمیر مسجد بودند. در همانحال‌انجام خمینی در نجف میگفت که مسجد الاقصی را تعمیر نکنید و بگذارید مسجد الاقصی را دشمنان اسلام باقی بماند و یادگار ماندنی باشد از اعمال غیر انسانی اسرائیل غاصب و امپریالیست خانیستگار - کنفرانس در مواقع عادی که تشکیل میشد معمولاً جلسات اسرائیل را محکوم میکرد و نیز از اقدامات بعضی از کشورهای وابسته به امپریالیسم نظیر فیلیپین در مورد مسلمانان این کشور اظهار تکراری میکرد و گاهی نیز در مورد تائیس نهادهای اسلامی تصمیماتی میگرفت نظیر ایجاد بانک اسلامی ویا ایجاد خبرگزاری اسلامی. البته باید توجه داشت که ماهیت این نهادها اسلامی نبوده بلکه به خاطر حفظ و نامین منافع امپریالیست هادر پوشش اسلام بوده است.



# گذری بر جوانب اقتصادی جامعه توحیدی (۲)

کنیم که اتفاق، یعنی توان یکی از راههای جلوگیری از ناکار و متحرک سرمایه در دست عدهای معدود از افراد جامعه است. اتفاق یعنی دادن مال مازاد بر احتیاج و بر چند مشخصه عمده دلالت دارد: از یکسو بنا بر حرکتی است از حیرت پسوی آزادی و گسستن قیدو بند غریز و مهار کردن نمنیات حسانی. از سوی دیگر اتفاق باعث میشود سرمایه و امکانات در کل جامعه به تساوی تقسیم شود و با برابری امکانات زمینهای رشد استعدادهای خدایی، بگونه‌ای یکسان برای همه مردم فراهم گردد. در اینجا می بینیم اتفاق تا چه اندازه برای انسان و جامعه انسانی اهمیت دارد و مؤثر است.

نکته مهم دیگری که در این مورد نباید فراموش شود، اینست که اتفاق باید ناشی از عمل آگاهانه و از روی اراده و اختیار کامل انجام شود. زیرا چنانکه آمد، اتفاق عاملی است مهم در جهت زدودن آثار سلطه غریزی و تسلط بر نفس. در این رابطه فقط با حرکتی از روی آگاهی و آزادی و خالصانه و به قصد "الله" است که میتوان به نتایج مطلوب دست یافت. این معنا از آیه زیر بخوبی بر میآید:

مثل آنکه اموال خود را برای حستن خشنودی خدا و استواری از خوشتن بدهند، چون مثل باغی است که باران بند به آن برسد، پس ثمره اش را دو چندان به بار آورد و اگر بسیار باران بر آن برسد، اندک اندک بیارد تا باز به ثمر رسد و خداوند بکار نیکان بصیر و آگاه است (۱۳) بیانی اینچنین نشانه اهمیت به ثمر رسیدن و نتیجه بخشیدن اتفاق - در ابعاد گوناگون - است و ولی عملگردانان باید تقدم و تاخر آن عاملی است مهم و اساسی از طرفی میدانیم یکی از دلایل عمده از بین رفتن "امه واحد" اولیه، جبری بودن آنست. به این معنی که انسان بواسطه نداشتن آگاهی و اسارت در دو زندان "جبر غرائز" و "جبر طبیعت" بصورتی کاملاً غیر ارادی تن به برابریها میدهد. اما به محض اینکه به آگاهی و ارادگی اختیار دست می‌یابد، با شناختن محیط اطرافش، خصلتهای منفی او زمینه رشد می‌یابد و به این ترتیب با تجاوز از حدود الهی برابریها را نابرابر میکند.

اتفاق هم اگر آگاهانه و بر اساس اختیار، از جانب خود فرد انجام نگیرد، با وجود اینکه مدتی قادر به ایجاد برابریها در جامعه خواهد بود، ولی این تساوی - چون بر اساس زور استوار است - پایدار نبوده خصلتهای منفی افراد با کوچکترین زمینه‌های بروز کرده و جامعه بار دیگر به سوی طبقاتی شدن حرکت میکند.

در جامعه توحیدی، "منیت" افراد در "ما" جامعه مستحیل شده و انسانها آزادانه و آگاهانه خود را در اختیار جامعه قرار میدهند. در این جامعه منافع مردم بر منافع فرد برتری دارد و هرگاه تعارضی بین منافع فرد و جامعه بوجود بیاید، این منافع اجتماع است که فرد آنرا بر منافع خویش ترجیح میدهد. قرآن چنین انسانهایی را که وجودشان خیر و نیکویی و صرفاً در جهت تکامل کام بر میدارند، "محسن" می‌نامد. او کسیست که به بالاترین درجات تقوی دست یافته و بخاطر پیروزی حق در برابر باطل و کلا نابودی تمامی موانع راه تکامل، با علم به قانونمندیهای هستی، بپراختی از "خود" چشم میبندد و خوشتن را سراسر فدای "حقیقت" و راه "الله" میسازد:

کست آنکه بهترین روی و دینی مکتب را بر گرفت؟ او کسیست که "محسن" است - وجودش خیر و نیکویی است - و تسلیم راه و جهت خدایی است و از مکتب استوار و محکم و درست ابراهیم پیروی میکند و بهمین علت خداوند ابراهیم را باری صادق برگزیده. (۱۴)

در "احسان" فرد از چیزی که خود بدان احتیاج دارد چشم میبندد و با ایمان کامل آنرا در راه خدا ایثار میکند. بهر تقدیر محسنین با این عملکرد خود سهمی بسیار بزرگ در برپایی جامعه بی طبقه توحیدی دارند و چون خدا با آنهاست تنها "به هدف خود میرسند (۱۵) و بازار همین روست که خدا آنها را دوست دارد:

بشاید بسوی آموختن از جانب پروردگارتان و بهشتی به وسعت آسمانها و زمین که برای تقواییگان فراهم شده

است. آنانکه وجودشان سراسر اتفاق است و در فراخی و تنگدستی و در رفع کمبودها مشکوند. همان کسانی که همواره بر خشم خویش تسلط دارند و وجودشان از برای مردم خیر و بخشش است و خداوند محسنین - یعنی اینگونه افراد - را دوست دارد. (۱۶)

نظام حاکم بر جامعه توحیدی، نظام "قسط" است. یکی از وظایف اساسی انبیاء و مندرین برپایی داشتن قسط و عدل است: لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب والمیزان ليقوم الناس بالقسط. . . .

در بینش توحیدی قسط یعنی "حق هر کسی را به خودش دادن. . . . یعنی قرار دادن هرکس در موضع خودش. . . . (۱۷)

طلب روزی خود سستی نوزید، زیرا پدران شما زحمت می کشیدند و تلاش میکردند تا آنرا بدست میآوردند" (۲۲) امام هفتم مفرمود: "ملعونست، ملعونست کسی که سربار جامعه باشد" (۲۳) بطور خلاصه انسان باید فعال بوده و خود روزی خویش را با کار خویش به جنگ آورد ولی از نتیجه کارش به اندازه کفاف - یعنی آنقدر رکه نیاز او را بر طرف کند - استفاده کند و مابقی را اتفاق نماید. امام علی (ع) مفرماید: "ای سر آدم آنچه زیادی از قوت و روزی خویش بدست آوردی تو در آن برای دیگران به منزله خزانه دار هستی" (۲۴) امام باقر از قول پیامبر اکرم مفرماید: "خداوند عزوجل فرموده که بر راستی غنچه آورترین



اولیاء من نزد من کسی است که سبک بال باشد و در مقدار روزی ای که به اندازه ضرورت برایش نهاده شده پایداری و استقامت ورزد" و درجاء، دیگر مفرماند:

خداوند عزوجل فرموده است که بر راستی غنچه آورترین اولیاء من نزد من بنده است کداری انسان باشد . . . و روزی او باندازه کفاف باشد، پس بر این روزی استقامت و پایداری ورزد" (۲۵) ظاهراً در این دو عبارت منظور از صبر و استقامت و پایداری بر "روزی" اینست که آنرا با کار خویش بدست آورده و اجازه ندهد آنرا با زور از او بستانند و نیز به همان مقدار روزی مورد نیاز خویش کفایت نموده و با صبر و استقامت بیش از آن استفاده نکند.

بطور خلاصه آنکه مؤمن واقعی و انسان توحیدی، حق ندارد بیش از نیازهای ضروری و طبیعی خویش از نعمتها و مواهب طبیعی استفاده و بهره برداری نماید و تنها در اینصورت است که به آسایش ابدی می - پیوندد.

علی (ع) در خطبه ۴۵ خویش در نهج البلاغه می فرماید: . . . ولا تسئلوا فیها فوق الکفاف یعنی: و در آن - در دنیا - بیش از حد نیاز کفاف نطلبید. استفاده از مواهب نعمات در حد کفاف آنقدر عمل سناشناکتر و مددجوی است که علی (ع) بارها در نهج البلاغه از آن بعنوان یک عمل برجسته یاد میکند: خونا به حال کسی که همیشه به یاد معاد و بازگشت بسوی خداست و برای حساب کار و فعالیت نماید و باندازه آنچه از روزی برایش کافست قناعت کند و از خدا راضی و خشنود باشد. (۲۶) "هرکس به اندازه کفاف خویش را نگیرد به آسودگی پیوسته و در آسایش ابدی فرود آمده است" (۲۷)

بهر حال، جامعه توحیدی جامعهاست بدور از هر ظلم و تجاوز، جهل و نا آگاهی، جبر و زور، و سستی بر برابری و برادری و آگاهی و اراده و اختیار. . . و نفی کامل طبقات در معنای عام خود. جامعهاست منسک از انسانهای آزاد انتخابگر آگاه که با پیروزی بر غرایز نفس خود را مها کرده و حتی به "نفس مطمئنه" دست یافته‌اند. جامعهاست که با شتاب رو بسوی الله دارد و هر مانع راه تکامل را خرد میکند و . . . و رسالت ساختن چنین جامعه‌ای بر دوش مندرین است. کسانی که آگاهانه و آزادانه راه الله را انتخاب کرده‌اند و با تسلط بر نفس خود را به یک پیشانی تبدیل کرده‌اند. انسانهایی که تبلور مکتب‌اند و شاهدان و نمونه‌های توده مردم و . . . و در یک کلام انسان خداگونه. پس بگوئیم تا با شناخت خوشتن و با درک قوانین و سننهای خدایی در طول

## سننها در تاریخ

اگر انسان در تمام طول تاریخ خود جز از ایندسته تمایلات پیروی نمیکرد تمدنی که میساخت فقط میدان تلاش و رقابت و ستیز برای تأمین و حفظ حیات حیوانی میبود، زیرا چنانکه دیدیم هدف پیروی از ایندسته تمایلات چیزی جز تأمین نیازمندیهای زیستی بشری نمیشد. این تلاشها بشر را در مرحله زندگی حیوانی نگاه میدارند، در این بعد انگیزه و پایه مناسبات اجتماعی و تفکر و روابط انسانی، اخلاق و قانون منافع و تمایلات شخصی یا گروهی و طبقاتی افراد است. وقتی هدف و انگیزه تلاش هر شخصی تنها محرکهای مادی شخصی و اشتیاق سیری ناپذیر او به جمع آوری وسائل و مواد زندگی روزمره باشد - باید انتظار داشت که هرکس دنیا را تنها از دریچه منفعت خویش نگاه کند - هرکس بگوید روابط اجتماعی و قوانین و نظامات در خدمت منافع او باشند و همینطور هم میشود - در جوامع انسانی که این نوع انگیزه ها حکومت میکند قانون و نظم اجتماعی در جهت منافع کسانی تنظیم میشود که قدرت را در دست دارند و برتری و سلطه با آنهاست - در اینصورت قانونی شبیه قانون جنگل بر روابط مردم حکمفرما میشود - بدین معنی که نظام اجتماعی، سیاست، اقتصاد، فرهنگ همه در خدمت منافع و تمایلات کسانی در می آید که قویترند.

اگر قرار باشد روابط و مناسبات اجتماعی و معیارها و ارزش های اخلاقی، بوسیله افراد یا طبقات قویتر حاکم تعیین شوند، در حالیکه آنان فقط زیر تأثیر تمایلات سرکش شخصی عمل میکنند معیار و ملاک وضع قانون و نظم اجتماعی - ذهن و تشخیص افراد خواهد بود - خوب و بد، درست و غلط در این نوع جوامع بر مبنای

مفید از مفسد

اگر انسان در تمام طول تاریخ خود جز از ایندسته تمایلات پیروی نمیکرد تمدنی که میساخت فقط میدان تلاش و رقابت و ستیز برای تأمین و حفظ حیات حیوانی میبود، زیرا چنانکه دیدیم هدف پیروی از ایندسته تمایلات چیزی جز تأمین نیازمندیهای زیستی بشری نمیشد. این تلاشها بشر را در مرحله زندگی حیوانی نگاه میدارند، در این بعد انگیزه و پایه مناسبات اجتماعی و تفکر و روابط انسانی، اخلاق و قانون منافع و تمایلات شخصی یا گروهی و طبقاتی افراد است. وقتی هدف و انگیزه تلاش هر شخصی تنها محرکهای مادی شخصی و اشتیاق سیری ناپذیر او به جمع آوری وسائل و مواد زندگی روزمره باشد - باید انتظار داشت که هرکس دنیا را تنها از دریچه منفعت خویش نگاه کند - هرکس بگوید روابط اجتماعی و قوانین و نظامات در خدمت منافع او باشند و همینطور هم میشود - در جوامع انسانی که این نوع انگیزه ها حکومت میکند قانون و نظم اجتماعی در جهت منافع کسانی تنظیم میشود که قدرت را در دست دارند و برتری و سلطه با آنهاست - در اینصورت قانونی شبیه قانون جنگل بر روابط مردم حکمفرما میشود - بدین معنی که نظام اجتماعی، سیاست، اقتصاد، فرهنگ همه در خدمت منافع و تمایلات کسانی در می آید که قویترند.

اگر قرار باشد روابط و مناسبات اجتماعی و معیارها و ارزش های اخلاقی، بوسیله افراد یا طبقات قویتر حاکم تعیین شوند، در حالیکه آنان فقط زیر تأثیر تمایلات سرکش شخصی عمل میکنند معیار و ملاک وضع قانون و نظم اجتماعی - ذهن و تشخیص افراد خواهد بود - خوب و بد، درست و غلط در این نوع جوامع بر مبنای

جریان حوادث و ابتلائات سخت و دشوار بر خصلتهای ضد تکاملی خود پیروز شویم و بتوانیم به رشد خلق و خوی انسانی خود میرداریم و هر چه بیشتر خود را آنگونه که مکتب فرموده است بسازیم . . . تا بتوانیم سهمی در حد خود را راه دشوار برپایی جامعه توحیدی ادا کنیم .

والسلام  
ساورقی ها

- ۵- بقره ۲۵۴
- ۶- المال لله و الخلق عیال الله
- ۷- استفاده نابجا و غیراصولی از طبیعت مانند چیدن میوههای نارس - خود نوعی از اسراف است که به آیندگان صدمه میزند.
- ۸- نهج البلاغه: فیض الاسلام - خطبه ۱۲۶ - ص ۳۹۰
- ۹- یکی از جلوههای رحمت خداوندی ارسال رسولان است: ما ارسلناک الا رحمة للعالمین. انبیا، ۱۰۷
- ۱۱- بی نی آدم خذ و از بینتک عند کل مسجد و کلبا و اشربوا و لاتسرفوا انه لایحب المفسرین: ای فرزندان آدم زمینهای خود را در هر مسجد و عبادتگاهی (سرزمین آزاد شده از قید مالکیتهای غیرخدایی) برگزید و از نعمتهای خدا همگی بخورید و بیاسامید و اسراف نکنید (از حدود معین خارج نشوید) که خدا اسرافکنندگان را دوست ندارد.
- ۱۲- قاموس قرآن - جلد ۲، ص ۲۲۷
- ۱۳- بقره ۲۶۵
- ۱۴- نسا - ۱۲۵
- ۱۵- ان الله مع المحسنین
- ۱۶- آل عمران - ۱۳۴ - ۱۳۳
- ۱۷- جمله معروف مرحوم پدر طالقانی در تعریف قسط.
- ۱۸- مائده - ۴۲
- ۱۹- مائده - ۸
- ۲۰- نساء - ۱۳۵
- ۲۱- سفور در مجمع البحرین
- ۲۲ - از کتاب من لایحضره الفقیه
- ۲۴ - نهج البلاغه ص ۱۱۷۵ - حکم - ۱۸۳
- ۲۵ - اصول کافی - جلد سوم - ص ۲۱۴
- ۲۶ - نهج البلاغه ص ۱۱۰۸
- ۲۷ - نهج البلاغه ص ۱۳۶۰

میشود - نزد آنان افراد طبقه یا قبیله و قوم و نژاد حاکم در فکر و اندیشه و استعداد بر دیگران مزیت دارند. آنان برای حکومت گردند و فرمان راندن ساخته شده‌اند در حالیکه بقیه مردم برای کار کردن و فرمان بردن.

اینگونه تلاشها رنگ و بو گرفته است. تلاشی که انسان برای رنده ماندن و مبارزه با مرگ انجام داده و می‌دهد. تلاشی که برای گشودن بن بستها، شکستن قفسها و پاره کردن زنجیرهای جبرها و محدودیتهای طبیعی و زیستی بعمل آورده است. یک شاخه بزرگ از رودخانه معرفت انسانی از این تلاش عظیم و همیشگی سرچشمه می‌گیرد.

مسیر و جهت حرکت این شاخه همچنانکه پیداست از جبر به آزادی است. رهائی از جبر قلمرو طبیعی زیست را بشر یکمک علم و فن، معلومات و ابزار و زیر تأثیر قوه محرکه عشق سیری ناپذیر بر زندگی و توسعه پیشرفت نامحدود و عملی می‌سازد.



مشهد استقبال از نمایشگاه سالگرد امت که توسط هواداران جنبش مسلمانان مبارز در مشهد برپا شده بود.



نقد از صفحه ۱

# سپاه پاسداران و جهاد سازندگی

## «چراغ قرمز»

خاصی رهبری نکرد و به بیروزی نرساد - بلکه بوده های چند سلبونی به ندای رهبر جنس امام حسینی به خیابانها آمدند و مقاومت و فداکاری و دادن قربانیهای بسیار نیروی ایمان را در برابر ناک و نوب قرار دادند. و آنقدر ایستادند و شهید تقدیم کردند تا سرانجام خون بر شمشیر پیروز گردد.

بدیهی است جنس انقلابی مردم ناگهان وبدون مقدمه نبود و سالها مبارزات بی‌بکر مردم و گروهها و افراد مختلف در ایجاد زمینه فکری واجتماعی رشد و بنم نشستن آن نفس‌اساسی داشت.

با چنین ویژگی خاص مردم پیروز شدند و رژیم سقوط کرد و سنگلات معینی نبود ناعدت را قلمه کند و چنانکه خصلت هر انقلاب نودهای است مردم خود کار اداره مملکت را بعهده گرفتند و همان کسانی که علیه دشمن در کوچه و خیابان و بست بام و مسجد جنگیده بودند با تشکیل شوراهای و کمیته‌ها و باسلاحهای که از رژیم به عنیمت گرفته بودند به پاسداری از دستاورد انقلاب و حتی کردن نوظنه‌ها و حملات ضد انقلاب مشغول شدند، سپاه پاسداران یکی از مهم‌ترین نهادهایی بود که توسط همان نوده جوان جان برکف و مؤمن به انقلاب و اسلام بوجود آمد و انگیزه اصلی آن ادامه انقلاب با بیروزی بود.

سپاه پاسداران در ماهیت خود بازوی رزمنده انقلاب و سلبور قدرت بوده سلبونی مبارزی بود که از روی ایمان مذهبی و وفاداری به رهبر بااماسی های عظیم خود رژیم را برباود درآورد، افراد سپاه نامندیده نوده مستضعفی بودند که با رستگین ستم و استعمار ضد انسانی رژیم را بر دوش کشیده اکنون برای عدالت و برابری می‌بای می‌جانشینند. و عاشقانه برای برابری سبب اسلامی نمونه (محمد(ص) و علی (ع) بودند. از این دو محور که هدف اساسی در تشکیل سپاه دخالت مستقیم داشتند:

۱ - دفاع از دستاوردهای سیاسی انقلاب و پاسداری از جوهر اسلامی آن در برابر نوظنه ضد انقلاب و ضداسلامی. ۲ - ادامه انقلاب با بیروزی منظور از این بردن تمام آثار و نهادهای ضد اسلامی پیشین و برقراری نظام توحیدی و حکومت اسلامی.

سپاه پاسداران در حقیقت توسط کسی بنیان نهاده شد، تشکیل آن خود بخودی و درمن جنس و در جریان نبرد با رژیم صورت گرفت از این رو میبایست بعد از رسمیت یافتن در مسرهان هدفهای نخستین خود کام بردارد.

هسته های نخستین سپاه را مبارزین سابق و جوانان جان برکف مسلمان بوجود آوردند. و بعد از آن جوانان نارزای به آن ملحق شدند. هسته های اولیه یعنی پاسدارانی که در سالهای انقلاب در مبارزه شرکت داشتند در حقیقت باید محور و ستون اصلی سپاه و نگهبان ارزشها، هدفها و اصالت انقلابی آن باشند زیرا این بخش هدفها و رسالت اصلی سپاه را بخوبی درک میکرد و بدان وفادار بود بعد از رسمیت یافتن سپاه و تشکیل حکومت نوظنها و گرایشهای مختلفی در مورد سپاه بوجود آمد، تفصیل و نقد و ارزیابی تحولات پانزده ماهه در ساختمان و عملکرد سپاه را به وقت دیگری موکول می‌کنیم رویهم رفته سپاه صحنه کشمکشها و رقابتهای سخت قدرت و محرکها و انگیزه‌های مختلف و متضاد بوده است.

تداوم انقلاب تابیروزی و برای همه درگیرها و کشمکشها از لحاظ هدف و رسالت سپاه و چگونگی عملکرد آن دو نظر اصلی و متضاد در مقابل هم وجود دارد، اول نظر کسانی که معتقدند

سپاه باید به اهداف اولیه خویش وفادار بماند و ضمن حراست از دستاوردهای اصلی انقلاب نیروی خود را در جهت تداوم آن با بیروزی بهایی و استقرار نظام توحیدی ادامه دهد. انگیزه که غالباً مبارزین سابق و جوانان رزمنده و آگاه می‌باشند و تشکیل‌دهندگان اولیه سپاه حساب می‌آیند. معتقدند که سپاه یک نهاد سیاسی-مکتبی است، هرگز نباید به یک سنگلات انتظامی و دولتی تبدیل شود، نقطه نظرها و این برادران در دو اصل زیر خلاصه میشود:

۱) سپاه پاسداران نهادی است سیاسی - مکتبی روئنده در بطن انقلاب و با رسالت تداوم آن با بیروزی و لذا باید برسمای معیارهای سیاسی مکتبی (ایدئولوژیک) عمل کند، از این رو وظیفه آن در حفظ انضمام خلاصه شده و به عکس باروی رزمنده انقلاب اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی با محسوی اسلامی می‌باشد.

۲) سپاه که یک نهاد خودجوش و نودهای و با رسالت مکتبی است باید از وابستگی به گروهها، جناحها و ارگانهای سیاسی کشور برهیزر کرده بصورت شورایی و در چهارچوب اهداف سیاسی، مکتبی خود انجام وظیفه نماید به عقیده انگیزه نظارت بر کار سپاه باید برعهده رهبر انقلاب، شورای رهبری و یا مجلس شورای ملی گذاشته شود و در هر حال هرگز نباید بصورت ابزار بلا اراده در دست دولتها باقیامات حکومتی و یا هر نیروی سیاسی دیگر درآید.

در مقابل نظر دیگری که معتقد است، درست است که سپاه در جریان انقلاب بوجود آمد، لکن اکنون که دولت اسلامی تشکیل شده باید زیر نظر فرمان دولت به عنوان یک نیروی انتظامی انجام وظیفه کند. ولداحق دخالت در امور سیاسی و امور انقلاب ندارد، سپاه نفس‌همان ارش را در رژیم قبل دارد، با این تفاوت که حکومت "فلا" غیر اسلامی و الا ن اسلامی است.

حدا از سایر کشمکشها است و نظیر از مدتها قبل در برابر هم وجود داشته است، اغلب تحولات اخیر نشان میدهد علیرغم تمایل عمومی افراد سپاه بویژه کادرهای اولیه اصلی که همه اغلب از مبارزان قدیمی و دارای انگیزه های مکتبی هستند. نظر دوم در حال حاضر برسیاست و اداره سپاه بحمل و پیروز شده است یعنی سپاه زیر نظر مستقیم حکومت قرار گرفته و در تصمیم گیری و نظریات مطروود و از دخالت در امور نظیر حمایت از دهقانان و در تقسیم اراضی و جلوگیری از تجاوز و نوظنه های خویش و مالکان و یا حمایت از کارگران و مبارزه با نوظنه های ضد انقلابی سرمایه داران منع شدند. اگر این نظر مورد قبول قرار گیرد و اساسی کار و سنگلات اهداف سپاه شود، سپاه "مسلمان" ماهیت و انگیزه های اولیه خود را از دست میدهد و براساسی معایر و مخالف یا ستهای اسلامی اداره خواهد شد. زیرا در اسلام ارتش دارای چند ویژگی اساسی است:

۱ - از داوطلبان تشکیل میشود. ۲ - انگیزه مکتبی دارد و افراد برای ایمان و عقیده خود می‌جنگند و انجام وظیفه میکنند. ۳ - تبعیت آنان از فرمانهای حکومت مشروط است یعنی هر فرمانی را اطاعت نمیکنند مگر آنکه با موازین اسلام و مصالح امت اسلامی هماهنگ باشد. ۴ - اطاعت کورکورانه وجود ندارد. ۵ - شورائی اداره میشود.

در شرایطی که کشور ما، بعد از پانزده ماه هنوز فاقد یک ارتش با معیارهای اسلامی است، در شرایطی که دشمن در همه جا نفوذ و ریشه دارد و پایگاههای داخلی آن در سرمایه داری وابسته، در میان فتوایها و خویش و در ارتش و ادارات و شرکت نفت و نهادهای اقتصادی و فرهنگی همچنان با

برخاست، در شرایطی که هنوز معیارهای اسلامی نبوده شده و با برقراری جامعه توحیدی راه دراز و دشواری در بین است آیا درست است که سپاه پاسداران را یک نهاد دولتی و سنگلات صرفاً انتظامی - غیر مکتبی و بصورت ابراردست دولتها در آوریم، آیا این کام دیگری در دور شدن از معیارها و ضوابط مکتبی نیست، بجای آنکه ارتش و سایر نیروهای انتظامی را به معیارهای اسلامی نزدیک و هماهنگ سازیم، سپاه را که نا حدودی بر این معیارهاست بودار آن دور و با سیستم غیر اسلامی ارتش هماهنگ میسازیم.

جهاد هم سربوشت سپاه دچار میشود همین سناست و تمایل هم اکنون بر نهاد دیگر انقلابی یعنی جهاد سازندگی بحمل میشود، جهاد نیز بدست جوانان مؤمن و وفادار به انقلاب بوجود آمد - با کار سازندگی را بدوش کردند و به ملت ما برای غلبه بر خرابیها و کمبودها باری کند، جوانان ما خوش و با انگیزه مذهبی و بردمی به روستاها رفتند و مستقل از سیستم رنگ زده استعماری و استبدادی ادارات علیرغم سنگلات فراوانی که نرسند ثابت ماندن نظام سیاسی و مقررات و ضوابط آن بود با فداکاری بی نظیری متنا خدمات ارزندهای شدند، در این مختصر نمیشود فعالیتها و سنگلات و دشواریها و فداکاریهای برادران و خواهرانی را که

بی نام و نشان در بدترین شرایط در کار بوده های مردم تلاش میکنند شرح داد، بکار دولت سابق سعی کرد بر اساس همان سبب لبرالی جهاد را در سازمانهای دولتی ادغام کند، در این کشمکش سخت سرانجام با حمایتی که امام از فرزندان خود کردند بجه با پیروز شدند و دولت موقت موفق به نابود کردن جهاد شد، اکنون مجدداً دولت جدید میگوید جهاد را تبدیل به یک نهاد دولتی کند و زیر نظر رؤسای ادارات و اسنادداران قرار دهد، یک نیست که وحدت و هماهنگی در کشور ضروری است اما سوال ماینست که این وحدت باید بر چه اساس صورت گیرد آیا برای ایجاد هماهنگی باید نهادهای دوره انقلاب را با نهادهای دوره آریامهری هماهنگ کند و آنها را با یکدیگر یکی کند یا بکسی آنها را نگاهداشته و تقویت کنیم و نهادهای پیشین را درگون و با ضرورتهای این دوره و معیارهای انقلاب و اسلام منطبق سازیم متا سفاهه دولت بجای راه حل دوم، راه حل اول را دنبال میکند همه مردم در این نظر منق التولد که سازمانهای اداری و دولتی با وضعیت کنونی قادر به انجام فعالیتهای مردمی - انقلابی - ضروری نیستند.

سما با بحمل این سیاستها بر سپاه و بر جهاد سازندگی برادران و خواهران فداکار ما را ما یوس و دلسرد میسازد آنان را بین دو کار مخیر میکند، یا ماندن به قیمت از دست دادن خصلتهای مردمی و انقلابی و دورریختن انگیزه های مکتبی و تبدیل شدن به آلت فعلتها و استحاله بصورت همان کارمندان با افسران و سرباران رژیم پیشین و یا مایوس شدن از انجام خدمت و رها کردن سپاه و جهاد و افتادن بحالت انفعالی و بریدن از عمل و دچار شدن به دهها عواقب سوء چنین حالتی.

ما امیدواریم که برادران و خواهران فداکار و صادق و آگاه مادر سپاه پاسداران و در جهاد سازندگی موفق شوند این دو نهاد دوران انقلاب را همچنانکه پیش از این بارها امام تا کید کردند مستقل از وابستگیها و در چهارچوب هدفهای انقلابی و ضوابط مکتبی و در خدمت مردم قرار دهند.

بقیه از صفحه ۱۲

## ماهیت و عملکرد امپریالیسم آمریکا

کوبیدن مخالفان خود حاضرند حتی به لیبرالهای سازشکار متوسل شوند، انجمن های اسلامی دانشجویان را دشمن اصلی خود میدانیم، ما دشمن اصلی را امپریالیسم آمریکا و عمده ترین پایگاه آن را لیبرالهای نوظنه گر میدانیم که طیف های لیبرال و مرتجع روحانیون هم کاملاً با آنها هماهنگ هستند. به تعبیر دیگر ما در صف مقدم ارتجاع، لیبرالهای سازشکار میدانیم تمکک روحانیت.

این تغییر در سیاست آمریکا، اگر رسماً تأیید شود، تحولی بسیار مهم در مقایسه با روشی خواهد بود که دولت واشنگتن تاکنون در قبال شاه ایران در پیش گرفته بود. تغییر سیاست آمریکا در این مورد ظاهراً با توجه به تظاهراتی صورت گرفته که در چندین شهر ایران برپا شده است. منابع موثق دولت آمریکا گفتند که این تصمیم همچنین بدنبال نارضایتی‌هایی، اتخاذ

شده که در بطن ارتش ایران بطور بیوسه و ظاهراً موجب ادامه اقامت ژنرال اریتر هوریز معاون فرمانده نیروهای آمریکا در اروپا، در ایران شده است. یکی دیگر از عواملی که موجب تغییر سیاست آمریکا در این مورد شده، شایعاتی است که از مدتها پیش در مورد احتمال وقوع یک کودتای دست‌راستی در ایران بگوش می‌رسد. بحران شدید اقتصادی ایران نیز که اعتصابات و تظاهرات آنرا بصورت فلج درآورده به تغییر سیاست آمریکا کمک کرده

چهار، سنج با سببتر نبوده بود، حورشید رفته بود و تاریکی دست می‌آید. ماسی های تازه از راه رسیده رو چراغ قرمز نکه سناست. بعد با سبزی چراغ ماسی ها سرعت می‌کنند و دور می‌سند. راه افتادم که زودتر برسم خوابگاه و بای صحبت آری این جنس بود برادر دکتر که میگفتند از بلور بیون بخش میشود. اومویلی نظم را جلب کرد، بیو بود، بغل زده بود و سیدامم چرا. مردی بود و زین بغل دستی او جادری، از این حجاب اسلایا و خلی هم مظلوم.

ببخود فکر کردم شاید هوادار باشند. نوبی خودشان بودند، خواستم جوری نظریان را جلب کنم که چراغ بکنم آمد، فرزندوزنجیره با سببها در دستاد "آزادی" رفت عقب، طرف "انقلاب".

زدم و سطران و جوری که این دو تا هم بشوند، سبب سرفاله را بنگار کردم و دنبالش هم آوردم که "آیا این انقلاب هم مانند نهضت مشروطه یک رضاحانی را در پی خواهد داشت؟" که نظرها جلب شد و نظریان یکی میسر.

نیم نگاه منوکی بهم کردم و بعد یک دفعه زد زیر خنده، مردد رقم طرفتی و خندیدم. کمی آرام شد و زل زد نوبی چشمم که کمی ترس برم داشت که نکنه طرف...؟! آسارهای به امت کرد و گفت: مال شریعتند؟

نهفهمدم منظورش خود امته یا عکس دکتر، همسپوری گتم: آره.

کاهی به امت انداخو نیم گاهی هم به من و بعد باز زد زیر خنده و بغل دسینش که رزش بود یا خواهرش هم موقرانه لخنزدند. مرد آنجان از ته دل می - خندید که اشک نوبی چشمش جمع شده بود. زهر خندی - که بیشتر به خنده ارواح در کابوسها ممانست - دیگر داشت

اصمام را خرد میگرد. مانده بودم چه بکنم، اگر این چهار تا سنج تا امت دستم نبود شاید از زور عصانیت میزدم نوبی دهن گنادهش.

بدجوری داشتارش بدم میآید، چراغ سبز شده بود و بریزو باز هم سبز، و او همسپور سر چهارراه و اسناده بود و وزهر -

سیراز

استقبال گرم مردم کجساران و کارگران شرکت نفت از نمایشگاهی که بمناسبت آغاز دومین سالگرد امت ترتیب یافته بود

خارجه آمریکا دیشب در این باره گفت که به اعتقاد او اگر شاه ایران از سفر برای تعطیلات سخن می‌گوید، این بدانمعنی است که می‌خواهد بعداً به کشور خود باز گردد.

هادینگ کارتر گزارشهای مربوط به تغییر سیاست آمریکا درباره این ساله را تأیید نکرد و به اظهاراتی اشاره کرد که از چند هفته پیش تاکنون تکرار کرده است. بدین معنی که آمریکا از شاه یا از دولت غیرنظامی بختیار که طبق قانون اساسی مشروطه ایران انتخاب شده است، حمایت می‌کند.

اظهارات منابع دولتی آمریکا در این باره که این کشور اکنون به شاه ایران توصیه کرده که این کشور را حتی اگر موقتی هم شده، ترک کند نشان می‌دهد که در نظر واشنگتن شیوه سابق دیگر عامل ثبات آینده سیاسی کشور نیست.

خندی میزد. امت ها را ردم زیر بغل و راه افتادم که برم. بپوکفت: "خدا کنه ساد" منظورش را نفهمدم کتم: کی؟

رضا خان دیکه، آخرتم ساد. جا خوردم! ماندم که چی بکنم، نگاه کردم بوی چمناس، عجب حسای فرمز و حشناکی داشت، دلم هری ریخت باشن نگاه کردم بدون یکی آرام نشده بود و اون دورها رو نگاه میگرد، لاند "آزادی" رو. باورم نشده بود.

با بریدم کتم: کی؟ رضا خان بیاد؟ گفت: آره دیکه، حالا اون نه یکی دیکه، با ما جوسمون به لدرسد از دست اسنا یکی ساد همه رو بریزه نوردا!

کتم: "آقا سواز انقلاب دلخوری با از...؟ دستباجه و فرو ناطی جواب داد: همه، همه، از این وضع ناگهی همین وضع... و اون یکی - زرش باخواهرش - با آریخ زد به بغلس.

سربای وجودم شده بود نفرت و کینه، یک لحظه اندیشدم، اگر می‌نواستم، اگر می‌نواستم... و به دلم برات شد بست فطرت "ساواک" و بعد یاد "عفو" افتادم و بیج و بیج هائی که راجع به ساواک بود ولرزیدم...

مرد در عقب ماسین را باز کرد و بیروزی که نمیدانم از کجا سر درآورد، آمد نو. لاید مادرش بود با مادرزیش - دررا که بست چادر مادره کبر کرد لای در و فرقه هردوشان درآمد. مرد با غشی و نفرت، جوری که انگار داره دق و دلش را خالی میکند و با لحنی که من از آن وحشت کردم، نمیدانم خطاب به کی گفت: "ما که دیکه اهلس نسیسیم، با سببها باز انقلاب میشه و یک رژیم دیکه سباد سرکار و باز دادگاه داریم و دادگاهی" و بعد باز خندید.

من مات و میبوت همانجا خشکم زد، با سرعت حرکت کردورفت، آنقدر که حتی نره‌اش را هم یادداشت نکردم، فقط نگاه حیرت زده‌ام دو تا چراغ قرمز یک بیو را تعقیب میگرد که تندو تیز و مثل خون شهدا که رفته بود طرف "آزادی"، در میان سوسوی این همه چراغ در راستای تاریکی راست معرفت طرف "شهید"!



استقبال گرم مردم کجساران و کارگران شرکت نفت از نمایشگاهی که بمناسبت آغاز دومین سالگرد امت ترتیب یافته بود

... با توجه به اینکه دولت شاهپور بختیار پایگاه چندانی در ایران ندارد، رساله اساسی اینست که اگر شاه ایران حتی برای چند هفته هم که شده به سفر برود، ارتش چه خواهد کرد؟

- (۱۱۱) - روزنامه اطلاعات مورخ ۱۷ دی ۱۳۵۷
- (۱۱۲) - مجله فرانسوی اکسپرس شماره ۱۴۸۳ مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۷۹
- (۱۱۳) - روزنامه اطلاعات مورخ ۱۷ دی ماه ۱۳۵۷
- (۱۱۴) - روزنامه اطلاعات مورخ ۱۷ دی ماه ۱۳۵۷
- (۱۱۵) و (۱۱۶) - روزنامه اطلاعات مورخ ۱۸ دی ماه ۱۳۵۷
- (۱۱۷) - فکارو مورخ دوشنبه ۸ ژانویه ۷۹
- (۱۱۸) - روزنامه اطلاعات مورخ ۱۸ دی ۵۷
- (۱۱۹) و (۱۲۰) - روزنامه اطلاعات مورخ ۱۸ دی ۵۷

ادامه دارد

## نابودبار امپریالیسم و پایگاههای داخلی آن، لیبرالیسم و ارتجاع



